

## شرکت‌های تجاری ایرانی پیش از انقلاب مشروطه

مسعود تاره\*

منابع تاریخ اقتصاد ایران در سخن از تجارت پیش از انقلاب مشروطه به تشکیل شرکت‌های تجاری از سوی تجار و عموم مردم اشاره کرده‌اند. شماری از شرکت‌های ایرانی که در دوره مظفری فعالیت داشتند عبارت بودند از شرکت اتحادیه، شرکت اتفاقیه، شرکت اسلامی، شرکت امید، شرکت ایرانیان، شرکت ثابتیه، شرکت صفائییه، شرکت ظهریه، شرکت عمومی ایران، شرکت عونیه، شرکت فارس، شرکت فتحیه، شرکت قمشه، شرکت محمودیه، شرکت مسعودیه و شرکت ناصریه. درباره بسیاری از این شرکت‌ها اطلاعات محدودی در دست است و عملاً امکان استخراج تاریخ فعالیت آن‌ها ممکن نیست. درباره شرکت‌های تجاری مشهورتر نیز در منابع تنها به اشاره‌ها یا گزارشی مختصر اکتفاء شده است. از این میان تنها شرکت اسلامی بیشتر از دیگر شرکت‌های تجاری مورد توجه قرار گرفته است. ظاهراً دلیل کم اطلاعی از فعالیت شرکت‌ها تجاری پیش از مشروطه نبود اسناد مربوط به این مؤسسات به صورت طبقه‌بندی شده است، گرچه بازخوانی نشریات به ویژه روزنامه‌هایی که در دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار به زبان فارسی در ایران و خارج از کشور منتشر شده‌اند، اطلاعات بیشتری را در اختیار علاقمندان به فعالیت این شرکت‌ها قرار می‌دهد. رونق نسبی شرکت‌های تجاری که در دوره مظفری تأسیس شدند و یا فعالیت داشتند، به نوعی با آزادی‌های اجتماعی دوره مظفری ارتباط دارد. امکان انتشار روزنامه‌های متعدد و درج مقالاتی درباره وضعیت اقتصادی ایران و انتقاد از سلطه بنگاه‌های اقتصادی خارجی

\*. نویسنده و پژوهشگر دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

همچون بانک شاهنشاهی از سوی روزنامه‌هایی همچون *حبل‌المتین* که در کلکته به چاپ می‌رسید، باعث می‌شد که دست کم در بعضی شهرهای مهم ایران مردم به تشکیل شرکت‌های تجاری و مجموعه‌های صرافی - به عنوان جایگزین بانک - اقبال داشته باشند. به چند دلیل عمر این شرکت‌ها طولانی نبود، نخست آن که در هنگام عقد قرارداد معمولاً مدت مشارکت نیز تعیین می‌شد و در اغلب موارد شراکت برای فعالیت ۵ ساله شکل می‌گرفت و در صورت موفقیت آن مدت شراکت را تمدید می‌کردند. دیگر این که نبود قانون مدون برای تأسیس و اداره این شرکت‌ها و عدم حمایت دولتی از آنها، و نبود ضمانت کافی در انجام تعهدات شرکت‌ها باعث می‌شد عملاً فعالیت آن‌ها محدود یا کوتاه مدت باشد. حوادث سیاسی اواخر دوره مظفری که منجر به انقلاب مشروطه ایران شد عامل دیگری بود که باعث خاموش شدن بسیاری از شرکت‌ها گشت و در صورت ادامه فعالیت نیز عملاً خبری از آن‌ها منتشر نشد.

نکته دیگری که ارتباط شرکت‌های تجاری را با تحولات فرهنگی دوره مظفری آشکار می‌کند، ارتباط برخی از این مؤسسات تجاری با نخستین مدارس نوین ایران است. مدارس نوین ایران که در آغاز به صورت ملی اداره می‌شدند به لحاظ تاریخی هم زاد شرکت‌های تجاری به شمار می‌روند و به استثناء دارالفنون، نخستین بار در دوره سلطنت مظفرالدین شاه تأسیس شدند، گرچه سرنوشت آنها متفاوت بود و بسیاری از این مدارس همچون مدرسه علمیه و مدرسه شرف در تهران، مدرسه سعادت بوشهر عمری دراز یافتند و بعدها در بدنه آموزش و پرورش ایران ادغام شدند. بسیاری از این مدارس با مشارکت فرهنگ دوستان و تأسیس شرکت آغاز فعالیت می‌کردند. مدرسه ملی ادب (تأسیس ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۱۶ق) شرکتی از فرهنگ دوستان داشت<sup>۱</sup> و شرکت علمیه فرهنگ (تأسیس ۱۳۲۴ق) نیز برای منظوری مشابه تشکیل شده بود<sup>۲</sup>. اخبار شرکت‌های تجاری در همان نشریاتی به چاپ می‌رسید که اغلب با عنوان «بشارت» خبر تأسیس مدرسه‌ای ملی را منتشر می‌کردند. بسیاری از مدارس همچون مدرسه علمیه تأکید داشتند برای شاگردان خود لباس‌های فرمی تهیه کنند که پارچه آنها در کارخانجات وطنی تهیه می‌شد و شرکت‌های مقاطعه کاری همچون شرکت اسلامی آن را توزیع می‌کرد<sup>۳</sup>.

در این نوشته اطلاعاتی درباره چند شرکت تجاری که در دوره مظفری فعالیت داشتند، ارائه می‌شود تا خوانندگان با شیوه تشکیل شرکت‌ها، فعالیت آنها و مشکلات پیش روی این مؤسسات تجاری بیشتر آشنا شوند.

۱. نگاه کنید روزنامه تربیت، ش ۱۴۳، ص ۴.

۲. نگاه کنید: سالنامه دبیرستان رهنما، تهران، ۱۳۳۵ش، مقدمه برگ د.

۳. برای نمونه نگاه کنید: یغمایی، اقبال، «مدرسه علمیه»، آموزش و پرورش، اسفند ۱۳۵۴ش، ش ۶، ص ۳۷۱.

## کمپانی بوشهر

از جمله شرکت‌هایی که در مطالعات مربوط به تاریخ اقتصادی پیش از مشروطه از آن کمتر سخن به میان آمده است «کمپانی تجارت بوشهر» است. این کمپانی عمر طولانی نداشت و احتمالاً پس از ۴ سال فعالیت، در پی حوادثی که شرح آن خواهد آمد، برچیده شد. بوشهر در دوره مظفیری یکی از بنادر و مراکز فعال تجاری ایران بود و تجار معتبری در آن اقامت داشتند. یکی از تجار بزرگ بوشهر حاج محمد مهدی ملک‌التجار ملقب به مدحت الدوله بود که دارایی قابل ملاحظه‌ای داشت. ملک‌التجار در سال ۱۳۰۳ق و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه به مدت یک سال حاکم بوشهر شد و علاوه بر آن برای مدتی اجاره دار گمرکات بندر بوشهر، حاکم بندر عباس، لنگه و جاشک (جاسک امروزی) نیز بود. در سال ۱۳۱۳ق حاج محمد مهدی ملک‌التجار در بوشهر نفوذ تام و اقتدار تمام داشت. در سال ۱۳۱۴ق که قانون منع ورود اسلحه در بوشهر به خواست انگلیسی‌ها اجرا شد، مسؤلیت «تفتیش اسلحه و ضبط آن» به حاج محمد مهدی واگذار شد. در همین سال بین او و حاج معین‌التجار یکی دیگر از تجار بانفوذ بوشهر بر سر اجاره گمرک نزاع و مناقشه در گرفت و عاقبت معین‌التجار به تهران احضار شد و بوشهر را ترک کرد. ملک‌التجار در بهمنی (قریه‌ای در نزدیکی بوشهر) عمارتی بیلاقی داشت که متجاوز از ۱۵۰ هزار تومان هزینه ساخت آن شده بود.<sup>۱</sup> امروزه این عمارت با نام «عمارت ملک بوشهر» به شماره ۲۱۸۴ به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده است.

کمپانی تجارت بوشهر در سال ۱۳۱۴ق از سوی ملک‌التجار و چند تن از تجار بوشهر تأسیس شد. ظاهراً این شرکت در زمینه صرافی فعالیت داشت. در آگهی تأسیس آن آمده است که «چون تعدیات و اجحافات بانک (= بانک شاهنشاهی شعبه بوشهر) به عموم تجار از حد اعتدال گذشته، بعضی از غیرتمندان وطن پرست به جهت نجات ابنای وطن محترم در صدد تشکیل کمپانی برآمده، کمپانی‌ای که سرمایه وی به نام عدد اسم مولا الموالی ۱۱۰ هزار تومان که تخمینه ۴۰۰ هزار روپیه حالیه هند است، مرتب نموده تا معادل همان مبلغ بیجک چاپ کرده در معاملات تجاری و بروات بکار اندازند».<sup>۲</sup>

بنا بر همین آگهی بخش عمده سرمایه شرکت را چند تن از تجار مطرح بوشهر تأمین کرده بودند. حاجی آقا میرزا مهدی ملک‌التجار با مبلغ ۲۵ هزار تومان مهمترین سرمایه‌گذار بود و حاجی آقا علی‌اکبر تاجر کازرونی مبلغ ۱۵ هزار تومان و حاجی آقا سیدصادق بوشهری مبلغ ۱۰ هزار تومان و آقا محمد شفیع تاجر کازرونی پسر حاجی علی‌اکبر تاجر با ۱۵ هزار تومان سهم در مجموع ۶۵ هزار تومان از سهام شرکت را فراهم کرده بودند. بنا بود ۴۵ هزار

۱. سعادت، تاریخ بوشهر، ۴۳، ۴۹، ۵۳، ۱۱۷، ۱۲۲، ۱۴۱.

۲. حیل‌المتین، ۱۳۱۴ق، سال ۲، ص ۹، ص ۱۰۱.

تومان باقی مانده از سرمایه اولیه شرکت از طریق فروش سهام یا شیر<sup>۱</sup> تأمین شود. قیمت پایه هر سهام ۲۵ تومان بود. مدیریت شرکت از سوی شرکا بر عهده آقا میرزا محمد شفیع قرار داشت.

اطلاعات محدود ما در زمینه فعالیت این شرکت به اخبار منتشر شده در دو روزنامه *حبل‌المتین* و *ثریا* مربوط است. در خبری که در محرم ۱۳۱۵ق در *حبل‌المتین* به چاپ رسید، خبرنگار این روزنامه از اشتیاق مردم بوشهر برای گشایش این شرکت خبر داده و اضافه کرده است که به دلیل «بد سلوکی و کرختی خوی و طبیعت مدیر شرکت» تمام مردم از آن متنفر شده‌اند، به طوری که تکبرات و اجحافات بانک را غنیمت شمرده‌اند. نویسنده در خاتمه سخن خود گفته است «با کمال خیرخواهی از مدیر کمپانی مذکور مستدعی هستم که قدری خوی و طبیعت خود را بگردانند تا رواج کار بیش شود»<sup>۲</sup>.

چندی بعد پاسخی با عنوان «مکتوب از بوشهر» و با امضاء (راقم م ع ا ش ح) در روزنامه *حبل‌المتین* به چاپ رسید.<sup>۳</sup> این نامه اطلاعات بیشتری درباره چگونگی فعالیت کمپانی به دست می‌دهد. نویسنده در آغاز ضمن اشاره به نادرستی خبر منتشر شده در *حبل‌المتین* یادآور می‌شود که او به عنوان نویسنده نامه از اهالی بوشهر نیست و حتی نه با کمپانی بوشهر دوستی دارد و نه با بانک شاهنشاهی دشمنی، بلکه محض انسانیت خود را موظف به نوشتن این نامه می‌داند. او می‌افزاید با گشایش کمپانی بوشهر امور تجاری و کار اغلب تجار سهولت یافته است. زیرا به مدت دو سال است که بانک شاهنشاهی خرید و فروش بروات تجارت را به سادگی انجام نمی‌دهد. به همین دلیل جناب جلالت مآب آقای ملک‌التجار که «همیشه همت خود را مصروف به ترویج کار خلق‌الله نموده بلکه جان و مال خود را در راه دولت و ملت و نوع وقف کرده به خیال تشکیل این کمپانی افتادند ... این کمپانی را به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان تشکیل دادند که ثلث تمام سرمایه را نقداً خود آقای ملک‌التجار و ثلثی را جناب حاجی علی‌اکبر صاحب تاجر کازرونی و فرزند دل‌بند ایشان جناب آقای محمد شفیع صاحب، مدیر محترم هذا کمپانی، و ثلث ثالث را سایر عماید و تجار محترم مقیمین پرداختند و از غره شهر رمضان المبارک ۱۳۱۴ق مشغول کار شدند». به گفته او «از اشخاصی که بانک با دو ضامن معتبر برات نمی‌خرید حال اداره این کمپانی بدون ضامن می‌خرد، جز اینکه حتی القوه سعی دارد که خود را به چنگ مردمان کم مایه و بی‌استعداد گرفتار نکند که مثل بانک به اندک مدتی سرمایه را ببازد و باعث بدنامی نزد اجانب بشود». او سپس از مدیر

۱. Share این واژه قبل از مشروطه و در هنگام تأسیس شرکت‌های تجاری گاه بدون اینکه ترجمه شود به جای اصطلاح سهام به کار می‌رفت.

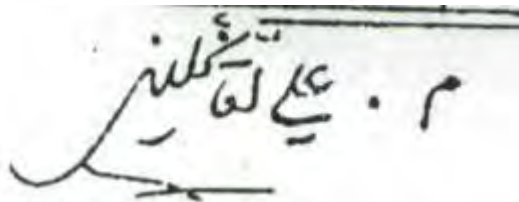
۲. *حبل‌المتین*، محرم ۱۳۱۵ق، سال ۲، شماره ۲۸، ص ۳۲۹.

۳. *حبل‌المتین*، سال ۲، ربیع الاول ۱۳۱۵ق، ش ۳۸، ص ۴۵۸.

حبل‌المتین درخواست می‌کند که قضاوت کند «اگر مدیر کمپانی تجارت بوشهر که جناب آقا محمد شفیق صاحب می‌باشد از مردمان بی‌استعداد بی‌کفایت بی‌سرمایه خود را حفظ نماید و برات نخرد و محض حفظ آبرو و سرمایه خود و سایر مشترکین محترم خود را گرفتار این گونه لاشخورها نکند، باید او را بدخو دژخیم و بدسلوک و بد طبع خواند یا باید او را با کفایت و ملاحظه بینی و با استعداد و با قابلیت ذکر کرد و حال آنکه امتیاز ایشان در این کمپانی از حسن انتخابات خوانده می‌شود و حسب الاستدعای سایر مشترکین محترم قبول این کار را فرموده‌اند والا کار تجارت ایشان از این کمپانی به مراتب زیادتر است».

نویسنده این مکتوب نام خودش را فاش نکرده است. اما در اخبار بعدی که به صورت رسمی درباره فعالیت کمپانی بوشهر در رمضان ۱۳۱۵ق در حبل‌المتین به چاپ رسیده است، نویسنده اخبار خود را «میرزا علی آقا شیرازی» معرفی می‌کند. با توجه به اینکه حروف اول نام او همان چهار حرف اول امضاء مذکور است باید گفت نامه قبلی هم به سفارش شرکت و از سوی همو نوشته شده است. لازم به توضیح است که این میرزا علی آقا شیرازی یکی از افراد باسواد و تحصیل کرده بود که در بوشهر سکونت داشت. درباره اینکه چه ارتباطی با کمپانی بوشهر داشته است اطلاع چندانی نداریم، جز اینکه در مدت فعالیت کمپانی اخبار رسمی کمپانی را او برای روزنامه حبل‌المتین ارسال می‌کرد.

میرزا علی آقا شیرازی بعدها نامورتر شد. او چندی بعد یعنی در سال ۱۳۱۸ق چاپخانه‌ای در بوشهر تأسیس کرد که در آن روزنامه‌های طلوع و مظفری به چاپ می‌رسیدند. او در سال ۱۳۲۲ق چاپخانه‌ای حروفی نیز از هند خرید و در بوشهر به راه انداخت.<sup>۱</sup> پس از آنکه میرزا عبدالحمید خان متین‌السلطنه مدیر مسؤل روزنامه مظفری بوشهر در محرم سال ۱۳۲۰ق از بوشهر به مشهد رفت، مدیریت این روزنامه به میرزا علی آقا شیرازی منتقل شد. او از شماره ۸ مظفری به بعد مسؤلیت این روزنامه را داشت. میرزا علی آقا شیرازی آخرین برگ روزنامه مظفری را به صورت زیر امضاء می‌کرد و به گفته ناصرالدین پروین سرنوشتی شگفت‌آور و پر تلاطم داشت.<sup>۲</sup>



۱. نگاه کنید: پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری، صص ۷۵۰-۷۵۱.

۲. پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری، صص ۴۰۶-۴۰۷.

به هر حال کمپانی بوشهر فعالیت تجاری خود را چندی ادامه داد. حتی خبر پرداخت سود شرکت پس از قریب یک سال (اول رمضان ۱۳۱۴ تا آخر جمادی الثانی ۱۳۱۵) فعالیت، بر مبنای صدی دوازده یعنی ۱۲ درصد سود سالیانه در *حبل‌المتین* منتشر شده است.<sup>۱</sup> کمپانی بوشهر نتوانست مدت زیادی را به فعالیت خود ادامه دهد و در سال ۱۳۱۷ ق با مشکلات جدی روبرو شد. روزنامه *ثریا* در خبری به تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۱۷ ق می‌نویسد «از قراری که می‌گویند حکم سختی از طهران به دریاییگی شده که در حساب کمپانی بوشهر رسیدگی نماید و از روی دفاتر تفریح حساب شود و بعضی که پول شی‌رهای خودشان را طلب می‌نمایند از کمپانی مجبوراً اخذ کرده به ایشان کارسازی دارد. چنانکه تا حال چندین نفر از شی‌دارها اس‌هم خویش را به دریاییگی به سهمی ۱۸ تومان فروخته دریاییگی کمپانی را مجبور کرد که شی‌ری ۲۵ تومان پول بدهد و خود دریا بیگی باعث اتلاف مال کمپانی گردید و نقصان و خسارت به اس‌هم وارد آورد. از آن طرف مردم بی‌تدین چون دیدند که حکومت غرض شخصی با کمپانی دارد، پول کمپانی را مبالغی خوردند و صریحاً دریا بیگی به کسانی که مقروض به کمپانی بوده‌اند گفته است: هیچ نترسید پول کمپانی را بخورید نوش جانتان باشد و اگر کسی آمد مطالبه وجه نمود به جز فحش چیز دیگری جواب ندهید! به این هم اکتفا نکرده همه روزه یکی را القا می‌کند که از کمپانی مطالبه سهم خویش کند. علی کل حال حکایتی غریب و قصه عجیب است که به واسطه نفاق و ضدیت حکومت باعث تمام شدن رعیت خویش گردد».<sup>۲</sup>

یک هفته بعد در ۲۴ شوال ۱۳۱۷ ق روزنامه *ثریا* مجدداً خبر دیگری درباره کمپانی بوشهر منتشر کرد: «دیگر از جمله اوضاعی که در این شهر خیلی موجب تأسف است همان عمل کمپانی تجارت بوشهر است. باز دو سه روز قبل از طرف گماشتگان حکومت اهانتی به کمپانی وارد آمد، یعنی هفتاد و پنج تومان بیجک کمپانی را در دست چند نفر دیده مجبوراً با اذیت از ایشان گرفته پاره پاره کردند و پاره‌های بیجک را نزد کمپانی فرستاده با کمال شدت وجه آن را گرفته به صاحبان بیجک دادند. چون چندی است این گونه اهانت‌ها نسبت به کمپانی می‌شود، صاحبان اس‌هم نیز در وحشت افتاده‌اند من جمله حاجی محمدابراهیم صدر معروف به ملک‌التجار اصفهان مبلغ ۲۵ هزار تومان شی‌ر در این کمپانی دارد، چون وضع را این طور دیده به توسط دریا بیگی پول شی‌رهای خود را طلب می‌نماید و از وزارت تجارت حکمی صادر شده که پول اس‌هم ملک‌التجار از آقا محمد شفیع مدیر کمپانی گرفته شود. حقیقت خیلی جای تأسف است که در چنین سرحدی به کمپانی ملی این گونه اهانت وارد آید که سبب تضییع و شکست نوع کمپانی در ایران خواهد شد. خداوند خودش اصلاح

۱. *حبل‌المتین*، ۸ رمضان ۱۳۱۵ ق، ش ۱۱، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. *ثریا*، سال ۲، ش ۱۴، ص ۱۳.

نماید».<sup>۱</sup>

معلوم نیست این اخبار را چه کسی برای روزنامه ثریا که در مصر به چاپ می‌رسیده، ارسال کرده است. اما با مراجعه به کتاب تاریخ بوشهر نوشته محمد حسین سعادت که حوادث آن دوره را تا حدی گزارش کرده است، می‌توان از چند و چون ماجرا بیشتر آگاه شد. بین سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ق حکومت بوشهر در دست احمدخان دریا بیگی قرار داشت. به گفته سعادت «بعد از این که حکومت بنادر به احمدخان مسلم شد به فکر بقا و دوام آن افتاد و چون ... فقط حاج محمد مهدی ملک‌التجار را از هر حیث، خاصه در امر تحمل حکومت، مانع و رقیب خود می‌دانست و نظر به احسن خدمات سابقه حاج ملک‌التجار، محتمل بود که حکومت بوشهر یا عمل گمرک که یکی از بزرگترین منابع مداخل حکام آن وقت بود به مشارالیه محول گردد، لذا احمد خان دریابیگی در صدد چاره‌جویی و در مقام اسباب‌چینی برای متهم ساختن حاج ملک‌التجار برآمد و به هر حيله و دسیسه که بود اسباب و وسایل حرکت و مسافرت او را از بوشهر فراهم آورد. نگارنده محض نشان دادن اخلاق رجال عصر که اخص فواید تاریخ است اشارتی به کیفیت اتهام این شخص که با نگارنده هیچ گونه سابقه نداشت می‌نمایم. پس از مراجعت حکمران جدید از بندر لنگه در ماه ذی‌القعدة همین سال در تجارت‌خانه یک نفر از تجار ایرانی مبلغ ۸ هزار تومان به سرقت رفت. احمدخان دریا بیگی برای متهم ساختن حاج ملک‌التجار موقعی مناسب به دست افتاد و با وصف آن که ملک‌التجار ولی نعمت و از جمله ذوی‌الحقوق وی به شمار می‌رفت، از سوابق انعام ولی نعمت چشم‌پوشی نموده سرقت مذکور را نزد اولیای امور به تحریک حاج ملک‌التجار قلم داد نمود. از آن جا که نسبت این عمل به مشارالیه در انظار عامه بسیار رکیک و مقبول عقول اولیای امور نگردید، احمد خان وسایل دیگر فراهم آورد تا آن که ملک‌التجار به تهران احضار شد و در ماه ذی‌الحجه از بوشهر به عزم تهران حرکت نمود و هنوز ملک‌التجار [در بین راه و در] شیراز بود که بی‌تقصیری وی بر اولیای امور ظاهر شد و امر به مراجعت ایشان صادر گردید و مشارالیه پس از اقامت دو سال در شیراز به بوشهر مراجعت نمود و از بوشهر به هندوستان مهاجرت نمود و تاکنون در بمبئی اقامت دارند».<sup>۲</sup>

اطلاعات فوق این احتمال را تقویت می‌کند که ادامه کار کمپانی بوشهر به دلیل اختلافات حاکم شهر و برجسته‌ترین تاجر بوشهر با مشکل روبرو گشته است. اما ظاهراً همه مطلب این نیست نکته قابل توجه این که سعادت در کتاب خود اشاره‌ای به نام کمپانی بوشهر ندارد و تنها یک جا گفته است «در این چند سال اخیر در بوشهر چند شرکت تجارت ایرانی تأسیس شد ... و مخصوصاً در سنه ۱۳۱۶ ق یکی از تجار محترم تأسیس یک صراف

۱. ثریا، سال ۲، ش ۱۵، ص ۲۰.

۲. سعادت، ۱۳۲-۱۳۳.

خانه شبیه به بانک نمود ولی به واسطه عدم خوش معامله‌ای یا بی‌علمی به زودی منحل شد.<sup>۱</sup> همچنین در خبری که روزنامه *حبل‌المتین* از بوشهر منتشر کرده است به اختلاف میان بانک شاهنشاهی و کمپانی بوشهر اشاره شده است. بانک شاهنشاهی در بارهٔ فعالیت صرافی کمپانی بوشهر از دولت شکایت داشت و به گفته *حبل‌المتین* شرارت‌های بانک و بدسلوکی ملک‌التجار باعث نقصان کار کمپانی شد.<sup>۲</sup> عدم خوش معامله‌ای و بی‌علمی و یا به تعبیر *حبل‌المتین* بدسلوکی بیش از هر چیز یادآور نخستین اعتراضات به کار کمپانی بوشهر است و دست کم این احتمال را باقی می‌گذارد که مسؤلان کمپانی نتوانستند با مدیریت خوب باعث رونق و بقای شرکت باشند.

### کمپانی تجارت فارس

کمپانی تجارت فارس یا کمپانی مملکت فارس با مدیریت حاج عبدالرحیم شیرازی (به نقل برخی منابع حاج عبدالرحمن شیرازی) و با مشارکت چند تن از تجار شیراز، به منظور انجام عملیات صرافی و تجارت خارجی تأسیس شد. تاریخ تأسیس آن در روزنامه *حبل‌المتین* ۱۳۰۹ ق ذکر شده است. شرکت در سال دو بار سود سهام را پرداخت می‌کرد و صورت سرمایه و سود خود را به صورت سالانه منتشر می‌ساخت.<sup>۳</sup> بنا به گفته جمال‌زاده شرکت تا سال ۱۳۳۵ ق همچنان به فعالیت خود ادامه می‌داد.<sup>۴</sup>

به گزارش *حبل‌المتین* کمپانی مملکت فارس در سال ۱۳۰۹ ق و به سرمایه دو کرور قران (یکصد هزار تومان) و به صورت ۴ هزار سهام (شیر) ۲۵۰ قرانی تأسیس شد. در آغاز دو هزار سهام برای فروش عرضه شد و در طی دو سال به فروش رسید. سپس دو هزار سهم دیگر منتشر شد و به فروش رسید. شرکت پس از آن سهام منتشر نکرد. فعالیت اصلی شرکت در صرافی بود و در زمینه خرید و فروش بروات و ترویج معاملات استقراضی و نقادی و مبادله مسکوکات فعالیت می‌کرد. ظاهراً کمپانی زمانی افتتاح شد که شعبه بانک شاهنشاهی در فارس فعالیت داشت و تجار به دلیل نارضایتی از معامله با بانک تصمیم به تشکیل شرکت گرفتند. کمپانی در شهرهای تهران، اصفهان، یزد، بوشهر شعباتی داشت و در خارج از کشور

۱. سعادت، تاریخ بوشهر، ۲۴.

۲. *حبل‌المتین*، شماره ۲۵، سال ۶ (محرّم ۱۳۱۶ ق)، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۳. *حبل‌المتین*، شماره ۳۲، سال ۳ (ربیع الاول ۱۳۱۴ ق)، ص ۵-۴؛ برای گزارش سود شرکت در ۱۳۱۴ ق نک: *حبل‌المتین*، ۱۳۱۵ ق، ش ۴۴، ص ۵۲۴؛ برای سال ۱۳۱۶ ق نک: *حبل‌المتین*، سال ۷، ش ۳، ص ۳۵؛ برای سال ۱۳۱۸ ق نک: *حبل‌المتین*، سال ۹، ش ۲، ص ۹.

۴. جمال‌زاده، ۹۸؛ قس: ترابی‌فارسانی، ۷۹ که عمر شرکت را کوتاه دانسته و مدعی است بر اثر فشارهای مالی و گاه سیاسی در ۱۳۱۸ ق برپایه شد.



در شهرهای لندن، بمبئی و بغداد نیز فعال بود. رئیس کمپانی حاجی عبدالرحیم صاحب شیرازی علاوه بر فارس در بمبئی نیز فعالیت تجاری و صرافی داشت. کمپانی به سرعت پیشرفت کرد و در سال ۱۳۱۲ق ارزش سهام آن از ۲۵ تومان به ۲۷ تومان افزایش یافت.<sup>۱</sup> شرکت در جمادی الاولی ۱۳۱۸ق اعلام کرد که ارزش سهام آن ۴۰ درصد (از ده به چهارده) افزایش یافته است. همچنین مدعی بود که سود سالانه آن بیش از سود سالانه سرمایه گذاری در بانک‌های اروپایی است. بنا به ادعای شرکت حداکثر سود سالانه بانک ۱۰ درصد بود ولی سود سالانه شرکت چیزی بیش از آن می‌شد. افزایش ارزش سهام شرکت باعث می‌شد که بخش عمده سهام آن با آنکه قابل انتقال بود، در دست صاحبان اولیه باقی بماند. کمپانی گروهی را برای رسیدگی به حساب سالانه تعیین کرده بود که «اعضای انتظامی شرکت» نام داشتند و شش نفر از تجار محترم و متدین فارس بودند که جمله از آنها آقا شیخ ابوالقاسم، حاجی محمد حسین نمازی، حاجی محمد صالح دهدشتی را نام برده‌اند.<sup>۲</sup>

کمپانی در پایان هر سال حساب جمع و خرج و منافع خود را منتشر می‌کرد. صورت حساب سالانه شرکت در سال‌های ۱۳۱۴ق<sup>۳</sup>، ۱۳۱۵ق<sup>۴</sup>، ۱۳۱۶ق<sup>۵</sup> و سال‌های بعد در حیل‌المتین منتشر شده است. در ضمن آگهی صورت حساب سال ۱۳۱۴ق آمده است: «به حمد الله والمنه کم کم اهالی ایران از مفاید کمپانیهای ملکی و از مضار کمپانیهای خارجه واقف می‌شوند. منافع کمپانی فارس به ملک و ملت اگر تصور شود، نه این مبلغ سابق الذکر است بلکه صد برابر این مبلغ به مردم ایران فائده رسانیده است. اولاً آنکه به برکت این کمپانی اهالی فارس از خیال بانک واقف شده است و پای خود را جمع نموده ورنه میلیون‌ها خسارت بانک را داشتند. دوم آنکه این کمپانی محترم راه تجارت و منافع کمپانی را به اهل ایران آموخت. آخرین منفعت او به ملک و ملت این است که طلا و نقره‌شان را به خارجه نبرده است و با دیانت و درستکاری و امانت داری این کمپانی محترم سرمشق دیگران شده است. از خداوند ترقی این کمپانی و ازدیاد امثال او را خواهیم». در صورت حساب ۱۳۱۷ق نیز آمده که کمپانی ۶۴۴ سهم جدید به فروش رسانده و مبلغ ۵۴۱۸ تومان به «عایدی کمپانی» افزوده شده است. مدیر شرکت ۱۰ درصد از سود شرکت را به عنوان حق العمل به خود اختصاص می‌داد. جمع سود خالص شرکت در سال ۱۳۱۷ق ۴۹۶۰۳ تومان بود و از این مبلغ جمعاً در دو نوبت شش ماه ۹۷۳۷ تومان بابت سود سهام به سهامداران داده شد

۱. اختر، شماره ۳۵، سال ۲۱ (رمضان ۱۳۱۲ق)، ص ۵۱۴.

۲. حیل‌المتین، شماره ۴۳، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۸.

۳. حیل‌المتین، شماره ۴۴، سال ۲ (جمادی الاول ۱۳۱۵ق)، ص ۵۲۴.

۴. حیل‌المتین، شماره ۳، سال ۶ (جمادی الثانی ۱۳۱۶ق)، ص ۲۸.

۵. حیل‌المتین، شماره ۳، سال ۷ (رجب ۱۳۱۷ق)، ص ۳۵.

و مبلغ ۳۹۸۶۶ تومان به عنوان «سرمایه طرف احتیاط» در شرکت ماند و عملاً به ارزش سهام شرکت افزوده گشت.<sup>۱</sup> سرمایه طرف احتیاط در سال بعد یعنی آخر ۱۳۱۸ ق به ۴۴۸۲۴ تومان افزایش یافت<sup>۲</sup> و در پایان سال ۱۳۲۱ ق برابر با ۵۲۷۰۴ تومان بود.<sup>۳</sup> روزنامه /ختر در باره افزایش ارزش سهام شرکت می‌نویسد: «سبب عمده این ترقیات همانا از درستکاری و کار آگاهی مدیر و سایر وکلا و مباشرین امور کومپانی است و امیدواری تمام هست که به یاری خدا منافع سال‌های آینده بیشتر از این شود، چه معلوم است که هر کاری در آغاز مشکل بوده عاری از نقایص نمی‌شود خصوصاً امثال این کارها که در میان ایرانیان چندان شیوعی ندارد».<sup>۴</sup> کمپانی حساب شش ماهه خود را از قرار علی الحساب صدی چهار به مشترکین پرداخت می‌کرد و در پایان سال صورت حساب و تنمه منافع به مشترکین پرداخت می‌شد.<sup>۵</sup>

کمپانی تجارت فارس بیش از هر چیز با شعبه‌های بانک شاهنشاهی در منطقه رقابت می‌کرد. *حبل‌المتین* که آشکارا مخالف فعالیت بانک شاهنشاهی بود، از مهمترین هواداران کمپانی تجارت فارس به شمار می‌آمد. در شماره‌های متعدد از *حبل‌المتین* ضمن تقدیر از فعالیت کمپانی فارس، از بانک شاهنشاهی به بدی یاد شده است<sup>۶</sup> و نویسنده *حبل‌المتین* می‌گفت: «امیدواریم که از برکت کمپانی [فارس] ریشه بانک که تمول ما را به باد داده و می‌دهد، از ایران کنده شود».<sup>۷</sup>

کمپانی فارس به دلیل درستکاری و دقت بسیار مورد توجه تجار ایرانی بود و در باره آن گفته می‌شد «مانند بعضی امورات ما حیف و میل در آن نیست»<sup>۸</sup> رونق این کمپانی بیش از هر چیز تهدیدی برای فعالیت‌های بانک شاهنشاهی به شمار می‌آمد. بانک شاهنشاهی بارها کوشش کرد تا صدور بیجک کمپانی فارس به دستور حکومت ممنوع شود<sup>۹</sup> و سرانجام نیز توانست با استفاده از حق انحصاری نشر اسکناس مانع ادامه فعالیت کمپانی فارس شده،

۱. *حبل‌المتین*، شماره ۴۳، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ ق)، ص ۹.
۲. *حبل‌المتین*، شماره ۲، سال ۹ (جمادی الثانی ۱۳۱۹ ق)، ص ۹.
۳. *حبل‌المتین*، شماره ۴۵، سال ۱۲ (جمادی الثانی ۱۳۲۳ ق)، ص ۱۰-۱۱.
۴. *ختر*، شماره ۳۵، سال ۲۱ (رمضان ۱۳۱۲ ق)، ص ۵۱۴.
۵. *حبل‌المتین*، شماره ۱۳، سال ۵ (رمضان ۱۳۱۵ ق)، ص ۱۵۳.
۶. *حبل‌المتین*، شماره ۱۱، سال ۴ (شعبان ۱۳۱۴ ق)، ص ۱۳۲؛ شماره ۱۳ از همان سال ص ۱۵۰؛ نیز شماره ۲۵، سال ۵ (ربیع الاول ۱۳۱۵ ق)، ص ۴۲۴ و شماره ۲۷، همان سال، ص ۴۴۶.
۷. *حبل‌المتین*، شماره ۱۳، سال ۵ (رمضان ۱۳۱۵ ق)، ص ۱۵۳.
۸. *ثریا*، شماره ۸، سال ۲ (شعبان ۱۳۱۷ ق)، ص ۱۲.
۹. برای نمونه نگاه کنید: *حبل‌المتین*، شماره ۲۱، سال ۲ (ذی‌قعدة ۱۳۱۴ ق)، ص ۲۴۵؛ *حبل‌المتین*، شماره ۷، سال ۳ (رمضان ۱۳۱۳)، ص ۴.

آن را تعطیل کند.<sup>۱</sup>

### کمپانی مسعودیه

کمپانی مسعودیه همچنان که از نامش پیداست به نام شاهزاده مسعود میرزا ظل‌السلطان، پسر ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان، نامگذاری شده بود. این کمپانی که در گنج شایگان تأسیس آن را سال ۱۳۱۶ق ذکر کرده‌اند،<sup>۲</sup> سابقه‌ای بیشتر داشت و در آغاز به منظور تجارت تنباکو و فروش کالاهای خارجی تأسیس شد. نخستین خبر دربارهٔ تأسیس این کمپانی در ماه شعبان ۱۳۱۱ق و در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در روزنامهٔ *ایران* منتشر گشت.<sup>۳</sup> در خیر آمده است: «به جهت رونق و رواج تجارت تنباکو که چندی بود قدری کساد شده و هم برای حفظ صرفه اهالی داخله در تجارت و ابتیاع کلیه امتعه خارجه، چند روز نواب والا شاهزاده معظم له تجار معتبر را خواسته در این باره رسیدگی و استنطاق می‌کردند و حاصل این شد که دو شعبه کمپانی معتبر تشکیل دادند: یکی فقط برای خریدن تنباکو از رعیت بریاست حاجی آقا محمد ملک‌التجار اصفهان و دیگری برای تجارت عموم اجناس و امتعه خارجی بریاست حاجی عبدالغفار تاجر و عجالتا سرمایه این دو کمپانی ۳۰۰ هزار تومان است و خود نواب والا ظل‌السلطان هم محض تشویق تجار و ترویج این دو تجارت بدست تجار اصفهان یک مبلغی شرکت با این کمپانی نموده‌اند و اکنون بیست روز است دایر شده و موسوم به کمپانی مسعودیه داشته‌اند».

شرکتی که برای خرید توتون و تنباکو تأسیس شده بود «انجمن شرکت عمومی تجارتی برای ترقی و ترویج متاع و زراعت تنباکو و توتون ممالک ایران» نام داشت و هما ناطق تاریخچه فعالیت آن را با عنوان «کمپانی ایرانی یا شرکت ترویج تنباکو» به صورت مفصل بررسی کرده است و به گفته او این شرکت ارتباطی با کمپانی مسعودیه نداشت.<sup>۴</sup> در باره کمپانی مسعودیه می‌توان گفت با توجه به این که موج مشارکت مردمی برای تأسیس شرکت‌های تجاری عملاً با آغاز سلطنت مظفرالدین شاه به راه افتاد، چندان دور از ذهن نیست که خبری از فروش سهام عمومی شرکت مسعودیه تا قبل از سال ۱۳۱۴ق که مظفرالدین شاه به سلطنت رسید، در منابع وجود نداشته باشد. فعالیت تقریباً خصوصی این کمپانی در سه سال نخست آن، باعث می‌شد مسؤلان کمپانی لزومی برای انتشار اخبار فعالیت شرکت در روزنامه‌ها نبینند. به همین دلیل روزنامه *حبل‌المتین* به کلی از فعالیت

۱. تاریخچه سی ساله بانک ملی، ۵۲.

۲. جمالزاده، گنج شایگان، ۹۸؛ نیز نگاه کنید: احمد اشرف، *موانع تاریخ رشد سرمایه داری در ایران*، ص ۷۷.

۳. *ایران*، شماره ۸۲۰، ص ۳.

۴. هما ناطق، *بازرگانان*، صفحه ۲۶۳ به بعد.

کمپانی مسعودیه بی‌خبر بود و در شماره ۱۱ از سال چهارم خود می‌نویسد «ولی از اصفهان که مملو از تجار معتبر است هیچ آوازی به گوش نرسیده، چه می‌شود درین موقع جنابان فخامت مآبان حاجی آقا محمد ملک‌التجار و حاجی آقا سیدمحمد علی امین‌التجار ابداع کمپانی نموده، نگذارند منفعت ملکشان را تجار خارجه برده باشند. شک نیست اگر تجار اصفهان هم یک کمپانی ابداع نمایند و سلسله آن را وصل به این دو کمپانی [یعنی کمپانی تجارت فارس و کمپانی بوشهر] نمایند دست اجانب از تجارت ایران قطع خواهد شد»<sup>۱</sup>. چندی بعد همین روزنامه در ۲۳ ذی‌القعدة ۱۳۱۴ ضمن انتشار «صورت ورقه شراکت کمپانی تجارتی مسعودیه دارالسلطنه اصفهان» یادآور شد «از خطوطی که درین پوست (= پُست) به اداره رسیده ظاهر می‌شود قبل از این‌ها تجار محترم دارالسلطنه اصفهان کمپانی موسوم به مسعودیه ابداع فرموده و مشغول به داد و ستد تجارت می‌باشند و ما بواسطه بعید‌العهدی از وطن محترم ازین کمپانی یک مرتبه بی‌خبر بودیم»<sup>۲</sup>.

شرکت مسعودیه پس از آنکه در ۱۳۱۴ ق فعالیت خود را به اطلاع عموم رساند، سرمایه خود را در حد ۱۰۰ هزار تومان محدود نگاه داشت. بخش مهم این سرمایه به صورت سهامی بود که در اختیار سهامداران عمده قرار داشت و تنها ۱۵ درصد از آن در اختیار سهامداران جزء بود. متن «صورت ورقه شراکت کمپانی تجارتی مسعودیه دارالسلطنه اصفهان» در ۱۳۱۴ ق به شرح زیر است:

«چون قوام ملت و دولت و رفاه ملک و رعیت منوط و مربوط به امر تجارت و اخلال آن موجب زیان عموم بندگان حضرت احدیت است و نظر به اینکه تجارت خارجه در ممالک محروسه ایران روز به روز در تزاید و قوت است و تجارت داخله، آن به آن، در تنزل و ضعف، لهذا وطن پرستان دولت خواه ملک پرور به اعانت خداوندی و به توسل ائمه اطهار صلوٰة الله علیهم اجمعین و به امیدواری همراهی و تقویت و مراحم ملوکانه اعلیحضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان پناه ارواح العالمین فداه و به میامن اقبال بی‌زوال و توجهات کامله نواب مستطاب اشرف اسعد ارفع والا شاهزاده معظم ظل‌السلطان و امت شوکته العالی و توجه کافیه علمای اعلام کثر الله امثالهم و اهتمامات وافیه جناب جلالت‌مآب اجل آقای میرزا سلیمان‌خان رکن‌الملک نایب‌الحکومه اصفهان درین ایام خیرت فرجام به مبارکی و میمینت و خیر و سعادت عقد شراکت محکم متقن شرعی فی ما بین اعیان و اعاضم و اشراف و جمعی از تجار و اختیار ذوالعز والاعتبار و غیره در سرمایه یک صد هزار تومان قران بیست نخودی رواج ایران که منقسم در ۲ هزار شیئر که هر شیئری ۵۰ تومان به وجه مذکور است منعقد و واقع گردید و هر کس طالب شراکت این کمپانی است به اداره محترمه کمپانی مذکور و

۱. حبل‌المتین، ۲۶ شعبان ۱۳۱۴ ق، سال ۴، ش ۱۱، ص ۱۳۲ ذیل عنوان «شیراز».

۲. حبل‌المتین، شماره ۲۲، ذی‌قعدة ۱۳۱۴ ق، ص ۲۵۹.

وکلای محترم آن رجوع نمایند و هر قدر از سندات شیئر این کمپانی را طالب باشد تنخواه به تحویل خانه اداره داده و معادل آن از سندات شیئر مذکور که به امضای وکلای مفعلمه ذیل است بگیرد و ضبط نماید.

وکلای ذیل که وکیل مطلق شرعی بلاعزل کمپانی مسعودیه‌اند، حتی‌المقدور در پرستاری و حفظ اموال و معاملات و محاسبات و به هر جهتی از جهات به مقتضای وکالت مطلقه خود متعهد اند که مطابق قرار دادی که در سندات شیئر مذکور نوشته شده، معمول دارند ضرر و جوکام<sup>۱</sup> کمپانی بر وکلای محترم زاید بر حق خود وارد نخواهد بود و مسؤل نخواهند شد. در ضمن عقد خارج و لازم این کمپانی متعهد است که از سرمایه شراکت مساعده و قرض ربائی و امثال آن به احدی ندهد و هرگاه یکی از شرکاء کمپانی متذکر مطلبی شوند که خیر و صرفه کمپانی در آن باشد با اداره اطلاع دهند با امتنان قبول خواهد شد. وکلای مطلق کمپانی هفته‌ای یک روز انعقاد مجلسی نموده به مراقبت و موافقت چند نفر دیگر از شرکای کمپانی که لایق و سزاوار طرف مشورت هستند به صلاح یکدیگر آنچه صرفه کمپانی است معمول می‌دارند و سالی یک مرتبه حساب کمپانی مذکور رسیدگی می‌شود. بعد از وضع مخارج یا آن که اگر ضرری واقع شده باشد، سهم هر یک از شرکاء به آنها داده می‌شود. امتداد این شراکت از دهم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۳۱۱ تا ۵ سال است. وکلای مطلقه کمپانی مسعودیه در شش ماه اول محتمل عمل کمپانی مجاناً بوده‌اند، تا اینکه شخص کاردانی را انتخاب نموده کلیه کار کمپانی را رجوع به وی دارند و در صورتی که این یک صد هزار تومان کفایت از این رشته تجارت نکند، مجدداً به امضا و اطلاع شرکای کمپانی اسناد طبع خواهد شد و بر تعداد شیئرها خواهند افزود».

در همین آگهی وکلای شرکت مسعودیه سه نفر یعنی حاجی محمدعلی تاجر اصفهانی، حاجی محمدحسین تاجر کازرونی معروف به حاج کاکاحسین و حاجی عبدالغفار تاجر کازرونی تعیین شده بودند و همه سهام شرکت به فروش رفته بود. مهم‌ترین شرکاء و سهامداران ۱۰ نفر و عبارت بودند از: حاجی عبدالغفار صاحب تاجر کازرونی با ۱۵ هزار تومان سهام، حاجی محمدحسین صاحب تاجر کازرونی با ۱۵ هزار تومان سهام، حاجی محمدعلی صاحب تاجر اصفهانی با ۱۰ هزار تومان سهام، آقای محمدصاحب تاجر قزوینی با ۷۵۰۰ تومان سهام، حاجی محمدصالح صاحب تاجر عرب ۷۵۰۰ تومان سهام و آقا محمدمهدی صاحب تاجر اصفهانی مشهور به سمسار با ۱۰ هزار تومان سهام، حاجی محمدصادق صاحب تاجر کازرونی (یا کاشانی) با ۵ هزار تومان سهام و حاجی میرزا محمدحسن صاحب تاجر دهدشتی

۱. جوکام یا جکام که معنی آن را تنها به قرینه استفاده آن در متون مختلف این‌گونه می‌توان گفت که ظاهراً به نوعی از ضرر و اتلاف اموال شرکت یا تجارتخانه گفته می‌شد که در اثر حوادث خارج از اختیار مسؤل شرکت یا تجارتخانه رخ می‌داد. حوادثی همچون سرقت اموال در هنگام حمل آن‌ها از شهری به شهری و از این قبیل.

با ۷۵۰۰ تومان سهام که همگی ساکن اصفهان بودند. در بمبئی آقا محمدجعفر صاحب تاجر اصفهانی با ۵ هزار تومان سهام و در شیراز پسران مرحوم حاجی محمدحسن اسماعیل مشهور به آقاسی بیگ با ۲۵۰۰ تومان سهام از دیگر شرکاء شرکت به شمار می‌آمدند. علاوه بر این ۱۵ هزار تومان سهام نیز از سوی خریداران جزء در اصفهان، شیراز و یزد خریداری شده بود.

در ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۱۴ق روزنامه *حبل‌المتین* اطلاع داد که حاجی آقا محمدحسین صاحب تاجر کازرونی به عنوان مدیر کمپانی مسعودیه انتخاب شده است.<sup>۱</sup> کمپانی مسعودیه در شهرهای مختلف ایران نمایندگی داشت و از آنها با نام وکلای محترم شرکت یاد می‌شد. مهم‌ترین وکلای شرکت مسعودیه عبارت بودند از: حاجی علی آقا رئیس کمپانی اتحادیه در تبریز، حاجی لطف علی آقای صراف در تهران، حاجی عبدالرحمن صاحب تاجر شیرازی رئیس کمپانی تجارت فارس در شیراز، آقا محمدشفیع صاحب تاجر کازرونی رئیس کمپانی تجارت بندر بوشهر در بوشهر، آقا محمدجعفر صاحب تاجر اصفهانی در بمبئی، کمپانی داؤد ساسون در لندن و هنگ کنگ، آقا محمدصاحب تاجر کرمانی مشهور به عرب در یزد، آقا محمدمهدی صاحب تاجر خراسانی در خراسان، حاجی ابوالقاسم صاحب تاجر اصفهانی در قزوین، آقا محمد صادق صاحب تاجر اصفهانی در حاجی ترخان و حاجی سیداحمد صاحب تاجر بروجردی در کاشان.<sup>۲</sup>

کمپانی مسعودیه در مقایسه با سایر شرکت‌های سهامی عمری دراز یافت و ظاهراً هر سال از طریق فروش سهام جدید به سرمایه شرکت می‌افزود.<sup>۳</sup> صورت جمع و خرج این شرکت در سال دهم فعالیت خود (محرّم ۱۳۲۰ق) در روزنامه *ثریا*<sup>۴</sup> و در سال دوازدهم در روزنامه *ادب چاپ تهران*<sup>۵</sup> و همچنین در سال سیزدهم در روزنامه *چهره‌نما* منتشر شده است.<sup>۶</sup> جمال زاده در ۱۳۳۵ق گزارش می‌دهد که شرکت مسعودیه همچنان به فعالیت ادامه می‌داد.<sup>۷</sup>

رتال جامع علوم انسانی

۱. *حبل‌المتین*، شماره ۲۷، ذی‌حجه ۱۳۱۴ق، ص ۳۱۹.
۲. *حبل‌المتین*، شماره ۲۲، ذی‌قعدة ۱۳۱۴ق، ص ۲۶۰ و شماره ۲۴، ذی‌حجه ۱۳۱۴ق، ص ۲۸۲.
۳. *چهره‌نما*، شماره ۳۰، سال ۳ (شوال ۱۳۲۴ق)، ص ۱۱.
۴. *ثریا*، شماره ۱۶، سال ۵ (جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ق)، ص ۱۰.
۵. *ادب*، شماره ۱۵۴، سال ۴ (جمادی‌الثانی ۱۳۲۳ق)، ص ۴.
۶. *چهره‌نما*، شماره ۳۰، سال ۳ (شوال ۱۳۲۴ق)، ص ۱۱.
۷. *گنج شایگان*، ص ۹۸.

## شرکت عمومی ایران

روزنامه ناصری چاپ تبریز رمضان ۱۳۱۲ ق در مقاله‌ای به نام تجارت، با طرح چند نیاز مهم برای رونق تجارت در ایران همچون تثبیت عیار مسکوکات و ارزش پول ایران، افزایش تولیدات داخلی و ساخت راه‌های ارتباطی، به ویژه در باره وضعیت راه‌های ایران می‌نویسد: «همین راه آستارا [به اردبیل] که سالهاست با همان خوف و خطر مانده و عابرین را خون به جگر می‌کند و به مقتضای ضرورتی که دارد برای ارباب تجارت دارالسلطنه [تبریز] واجب و لازم می‌باشد که به هر وسیله و تدبیر است آنجا را اصلاح و تعمیر نمایند و بهترین طرق اقدام بدین عمل شایسته هم این است که چند نفر از متمولین مملکت با همدیگر عهد اتحاد بسته و به تشکیل کمپانی دامن غیرت بر کمر زده و صرف همت فرمایند و تحصیل امتیاز آن را به طور دلخواه از دولت ابد مدت بنمایند، مرد وار در انجام این عمل کوشش کنند تا در اندک مدتی با مختصر همتی در نهایت آسانی و سهولت تعمیر شده و چه قدرها از همین یک فقره بر تسهیلات عمل تجارت می‌افزاید، چه معاینه می‌بینیم مال‌التجاره را که از خارجه می‌آوریم یا به خارجه می‌بریم دو مقابل کرایه آن طرق معمور دور و دراز را باید با هزاران تملق بدین مختصر راه غیر معمور داده و محتمل انواع خطر و منتهای منت‌های مکاریان شویم».<sup>۱</sup> احداث راه شوسه آستارا به اردبیل چندی بعد به همان شیوه که این روزنامه پیشنهاد کرد و به وسیله «شرکت عمومی ایران» صورت گرفت.

«شرکت عمومی ایران» که با نام‌های «شرکت مقدسه عمومی» و «شراکت امتعه ایران» نیز یاد شده است، در ذی قعدة ۱۳۱۸ ق با کسب اجازه از علی اصغرخان اتابک صدراعظم تأسیس شد و نظامنامه آن به نظر مظفردالدین شاه رسید. اداره شرکت در تهران و در کاروانسرای دولت یا به اختصار «سرای دولت» قرار داشت. ۱۷ تن از تجار که در تاریخچه سی ساله بانک ملی<sup>۲</sup> از آنان با عنوان صرافان پایتخت یاد شده است، شرکاء اصلی شرکت بودند. اعضاء شرکت عبارت بود از ۱- حاجی محمد کاظم ملک‌التجار ممالک محروسه ایران، ۲- حاجی محمدصادق ارباب رئیس طایفه امینی قزوین، ۳- آقا میرعبدالمطلب امین‌التجار، ۴- آقا محمدصادق ارباب، ۵- حاجی میرزا علی اصغر افتخارالتجار معروف به حاجی علی‌اکبر شیرازی و پسران، ۶- حاجی سیدمحمد مدیر کل (حاجی سیدمحمد تاجر تهرانی)، ۷- صنیع‌الممالک، ۸- حاجی محمدحسن ملک‌التجار عراق، ۹- حاجی حسین علی صندوق‌خانه، ۱۰- حاجی علی مشهور به شال فروش، ۱۱- حاجی میرزا علی‌اکبر مشهور به شال فروش، ۱۲- حاجی عبدالرزاق تاجر اسکویی، ۱۳- حاجی میرزا عباسعلی خلف مرحوم حاجی ابوالفتح، ۱۴- مشهدی محمدآقا اخوی حاجی فرج صراف تبریزی، ۱۵- حاجی باقر صراف تبریزی،

۱. ناصری، سال ۱، ش ۲۴.

۲. صفحه ۵۳، که بدون ذکر نامی تعداد شرکاء اصلی شرکت را ۱۷ تن گفته است.

۱۶- حاجی آقا صراف مشهور به کمپانیه، ۱۷- حاجی لطفعلی مشهور به اتحادیه. همچنین حاجی سیدمحمد تاجر تهرانی، مشهور به سید محمد صراف به عنوان مدیر کل تعیین شده بود<sup>۱</sup> و مدیریت اداره مرکزی شرکت در تهران بر عهده میرزا علی‌اکبر شال فروش بود.<sup>۲</sup> شرکت عمومی ایران در نظامنامه خود یادآور شده بود که گرچه نام شرکت به صورت «شراکت امتعه ایران» ثبت شده است، ولی فعالیت آن منحصر به تجارت کالا نخواهد بود و علاوه بر تجارت در صورتی که لازم بداند به اموری همچون فلاحت، معادن، ایجاد کارخانه و راه‌سازی نیز خواهد پرداخت. بنا به نظامنامه شرکت، شرکای اصلی هفته‌ای یک‌بار در جلسه‌ای به امور شرکت رسیدگی می‌کردند. سرمایه اولیه شرکت که بنا بود از طریق فروش سهام تهیه گردد، ۲ کرور (یک میلیون) تومان پیش‌بینی شده بود و در قالب ۲۰ هزار سهام ۵۰ تومانی ارائه می‌شد. شرکاء می‌توانستند با خرید دست کم یک سهم در شرکت عمومی ایران سهیم باشند. شرکت اعلام کرده بود در صورتی که سرمایه پیش‌بینی شده برای فعالیت‌ها آن کافی نباشد، با انتشار اوراق سهام بیشتر به سرمایه خواهد افزود. شرکت عمومی در سال اول فعالیت خود ۶۰۰ هزار تومان سرمایه فراهم کرد.<sup>۳</sup> متن هر یک از اوراق سهام به این ترتیب تنظیم شده بود:

«دارنده این ورقه که اسمش با نمره و تاریخ در دفتر شراکت عمومی امتعه ثبت شده مبلغ پنجاه تومان قران ایران در این شراکت شرکت دارد و در وقت محاسبه که سالی یک مرتبه خواهد بود آنچه از روی تومان شمار سهم او باشد کارسازی خواهد شد و نیز حق دارد که در وقت محاسبه خود یا وکیلش حاضر گشته از عمل کرد یک ساله مستحضر گردد و برای اطمینان عموم شرکا توضیح می‌شود مؤسسين شراکت مزبوره که پشت ورقه را مهر کرده‌اند ضامن صحت عمل این شراکت هستند هرکس هم از این اشخاص خدای نخواسته فوت شود و داعی حق را لبيک اجابت گوید وراث او از ضمانت خارج نیستند و در ضمانت مزبوره باقی خواهند بود. هر کس هم بخواهد سهم خود را به کسی منتقل کند یا بفروشد باید به اطلاع این اداره باشد که اسم او را از دفتر شراکت خارج ساخته اسم شخص ثانوی را ثبت کنند که هرگاه ورقه شراکت مفقود یا معدوم گردید یا دست غیر بیفتد سبب اشکال و اختلاف نباشد. فی شهر ذی‌القعدة الحرام سنه ۱۳۱۷ق.»

خرید سهام شرکت عمومی برای عموم آزاد بود، گرچه شرکت این اختیار را داشت که اگر خواست به شخص خاصی سهام ارائه ندهد. سهام داران می‌توانستند با اطلاع شرکت سهام خود را به دیگری منتقل کنند. همچنین حق داشتند سالانه یک بار در دفتر شرکت از

۱. نگاه کنید «کتابچه شراکت امتعه ایران» در همین مقاله.

۲. ثریا، شماره ۱۶، سال ۵ (جمادی الثانی ۱۳۲۱ق)، ص ۵.

۳. تاریخچه سی‌ساله، ۵۳.



عملکرد یک‌ساله آن مطلع گردند. شرکت عمومی ایران فعالیت صرافی نیز داشت و به همین دلیل شرط مشارکت در این شرکت صرفاً پرداخت پول نقد برای خرید سهام نبود، بلکه شرکت حواله‌هایی که معتبر بودند و نیز کالا و اجناس را از متقاضیان شراکت قبول می‌کرد و به اندازه ارزش آن‌ها سهام مشارکت صادر می‌شد. سهام داران اختیار داشتند هر سال پس از آنکه صورت حساب شرکت منتشر می‌شد، سهام خود را به شرکت بازگردانند و شراکت خود را پایان دهند. فعالیت صرافی شرکت باعث شد این شرکت در تاریخچه سی ساله بانک ملی به عنوان یکی از مؤسسات بانکی معرفی شود. در همین راستا شرکت به متقاضیان وام و تنخواه نیز پرداخت می‌کرد و این کار را مشروط به ارائه ضامن معتبر یا اعتبار وام گیرنده کرده بود. شرکت تأکید داشت که در این کار از موازین شرعی عدول نخواهد کرد و در فصل پنجم از نظامنامه‌اش خود را شرعاً و عرفاً مشغول‌الذمه و ملتزم سهام داران معرفی می‌کرد. شرکت عمومی در شهرهای مختلف ایران و نیز در خارج از کشور نمایندگی داشت. مهم‌ترین نمایندگی‌های خارجی شرکت عبارت بودند از: استانبول، اندیجان، بادکوبه، بمبئی، بغداد، عشق‌آباد، کربلا، لندن (اداره مرکزی اروپا)، مسکو و نجف. نمایندگی‌های شرکت در داخل ایران در شهرهای زیر بودند: اردبیل، بروجرد، تبریز، رشت، رفسنجان، ساوه، سزواری، سلطان‌آباد، شاهرود، شیراز، قزوین، کاشان، کردستان، کرمان، کرمانشاه، مشهد، نیشابور، همدان و یزد.<sup>۱</sup> شعبه شرکت عمومی در شهر تبریز در جمادی‌الاول ۱۳۱۹ق در «سرای قدیم مرحوم حاجی سید حسین» افتتاح شده بود و آقا سیدموسی برادر حاجی سیدمرتضی رئیس شعبه تبریز بود. در مراسم افتتاح آن شجاع‌السلطنه پسر امیرنظام و نصرالملک امیر تومان رئیس مجلس تجارت مرکزی آذربایجان حضور داشتند و در این مراسم هر یک چند سهام شرکت را خریداری کردند.<sup>۲</sup> اخباری مربوط به ارسال مال‌التجاره از سوی شرکت به شعبه لندن در روزنامه‌ها منتشر شده است.<sup>۳</sup> همچنین روزنامه چهره‌نما گزارش می‌دهد شعبه صرافی شرکت عمومی در شهر نجف فعالیت داشت گرچه به سال ۱۳۲۲ق در حال تعطیل شدن بود.<sup>۴</sup>

شرکت عمومی علاوه بر امتیاز احداث راه شوسه آستارا به اردبیل، امتیاز تلفن دارالسلطنه تبریز را از دولت گرفت بود. روزنامه ایران در گزارشی نوشته است که با برقراری ارتباط تلفنی در تبریز مردم شهر از حادثه‌ای طبیعی نجات یافتند. روزی مدیر تلفنخانه از طریق ارتباط تلفنی با باسمنج (در حومه تبریز)، مطلع شد که سیل به سوی شهر در جریان است.

۱. حیل‌المتمین، شماره ۲۲، سال ۱۰ (۱۳۲۰ق)، ص ۲۱.

۲. ایران، شماره ۱۰۰۱، جمادی‌الآخر ۱۳۱۹ق، ص ۴.

۳. ثریا، شماره ۲۱، سال ۵ (۱۳۲۱ق)، ص ۹.

۴. چهره‌نما، شماره ۹، سال ۱ (۱۳۲۲ق)، ص ۱۴.

او توانست خبر ورود سیل به شهر تبریز را با تماس تلفنی به اطلاع مردم برساند و از بروز حادثه در شهر جلوگیری شد.<sup>۱</sup>

شرکت عمومی در محرم سال ۱۳۲۱ق به عنوان سود سالانه به هر یک از سهامداران بیش از پانزده درصد سود پرداخت کرد. یعنی به ازاء هر تومان (۱۰ هزار دینار) سهام مبلغ ۱۵۷۲ دینار سود پرداخت شد.<sup>۲</sup> شش ماه بعد شرکت اعلام کرد که بابت اوراق سهام ویژه راه شوسه آستارا به اردبیل سودی معادل ۱۲ درصد برای یک سال پرداخت خواهد کرد و وعده داد که پس از تکمیل راه شوسه سود اصلی محاسبه شده به سهامداران پرداخت شود.<sup>۳</sup> شرکت عمومی در دوره نسبتاً کوتاه فعالیت خود حوادثی را پشت سر گذاشت، از جمله این که در سال دوم فعالیت و در اثر حادثه آتش‌سوزی در شهرهای رشت و انزلی بخشی از اموال و چند دکان متعلق به شرکت عمومی در آتش سوخت. اما آنچه که شرکت عمومی ایران را مشهور کرد، ماجرای طرح احداث راه آستارا به اردبیل و سرنوشت این راه بود.

شرکت عمومی ایران در ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۰ق با انتشار خبری از دریافت امتیاز ساخت راه شوسه از آستارا تا اردبیل خبر داد.<sup>۴</sup> این راه شوسه به احترام مظفرالدین شاه «طریق مظفری» نام گرفت.<sup>۵</sup> بنا بر گزارش روزنامه *حبل‌المتین* اغلب مال‌التجاره‌ای که از روسیه وارد خاک آذربایجان و کردستان می‌شد یا از این ایالات به روسیه ارسال می‌شد، از مسیر آستارا به اردبیل عبور می‌کرد. کرایه حمل بار از آستارا تا اردبیل به دلیل سختی راه بسیار گران بود و حدود پنج تا ده تومان برای هر بار هزینه بر می‌داشت. ظاهراً حمل بار از این مسیر با تلفات جانی نیز همراه بود چرا که در *حبل‌المتین* آمده است «سالی نیست که چندین نفر از این راه پرت نشده زندگی را وداع نگویند». عملاً راه دیگری هم به عنوان جایگزین نبود و مسیرهای دیگر برای حمل کالا صرفه اقتصادی نداشتند.<sup>۶</sup> شرکت عمومی ایران هنگامی که مظفرالدین شاه در راه سفر اروپا بود و در قزوین به سر می‌برد، توانست امتیاز راه شوسه را از شاه بگیرد.

باید یادآور شد که شرکت عمومی برای دریافت امتیاز ساخت راه شوسه آستارا به اردبیل شرکتی به همین نام یعنی «شرکت راه آستارا و اردبیل» تأسیس کرد. شرکت برای انجام این پروژه که ۱۰۰ هزار تومان هزینه داشت، برگه‌های سهام ۱۰۰ تومانی منتشر کرد. در پانزده

۱. ایران، شماره ۱۰۱۹، جمادی الاخر ۱۳۱۹، ص ۱-۲.

۲. ایران سلطانی، شماره ۱۲، سال ۵۶ (جمادی الاخری ۱۳۲۱ق)، ص ۷.

۳. ثریا، شماره ۱۶، سال ۵ (جمادی الثانی ۱۳۲۱ق)، ص ۵-۶.

۴. *حبل‌المتین* سال ۱۰، شماره ۲، ص ۱۱-۱۲.

۵. روزنامه ثریا، سال ۵، شماره ۱۶ (جمادی الثانی ۱۳۲۱ق).

۶. *حبل‌المتین*، سال ۱۰، شماره ۲، ص ۱۱-۱۲.

شوال ۱۳۲۰ ق روزنامه *چهره‌نما* با انتشار خبری اطلاع داد که یک سوم راه شوسه کامل شده است و حق عبور برای این بخش از راه شوسه یک قران تعیین شده بود و روزانه ۲۰۰ تا ۴۰۰ تومان در آمد شرکت از راه شوسه بود. *چهره‌نما* پیش‌بینی می‌کرد که پس از اتمام کار شرکت در آمد روزانه آن به هزار تومان بالغ گردد.<sup>۱</sup> به گفته محمدعلی تهرانی (کاتوزیان)<sup>۲</sup> به زودی مشتریانی پیدا شدند که حاضر بودند راه نیمه ساخته را سالانه ۱۰۰ هزار تومان اجاره کنند. اما شرکت عمومی راه دیگری رفت و میرزا کاظم ملک‌التجار مهم‌ترین شریک شرکت عمومی که با میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان روابط نزدیکی داشت، توانست از نفوذ خود در شرکت استفاده کند و راه شوسه را به یکی از اتباع روسیه به اجاره سالانه ۳۶ هزار منات معادل ۲۰ هزار تومان اجاره دهد.<sup>۳</sup>

ماجرا را روزنامه *چهره‌نما* در رمضان ۱۳۲۴ ق این گونه نقل کرده است: طریق مظفری شرکت عمومی در آستارا با موافقت و کلای شرکت برای نظارت به حاجی محمدتقی صراف تبریزی سپرده شده بود و وکلا به او وکالت داده بودند که در اداره راه شوسه حق نظارت داشته باشد. اما حاجی حسن پسر حاجی محمد کاظم ملک‌التجار که پیش از ورود حاجی محمدتقی صراف ریاست اداره طریق مظفری را داشت، مایل نبود کسی از وکلا شرکت در کار او ناظر باشد. او و پدرش قصد داشتند اداره طریق مظفری را منحصر به خود کرده و سرانجام در پاسخ مطالبات شرکاء «اعلان افلاس» (ورشکستگی) منتشر کنند، همانطور که در باره حساب شرکت عمومی کردند. پس از ورود حاجی محمد تقی صراف به آستارا برای رسیدگی به امور اداره طریق مظفری پسر ملک‌التجار یعنی حاجی حسن آقا شبانه هر چه پول نقد در صندوق شرکت بود برداشت و همراه با دفاتر ثبت شرکت پنهان کرد. گفته می‌شود پول صندوق شرکت بالغ بر ۲۱ هزار تومان بود. حاجی حسن آقا پس از آن خود را به تلگراف‌خانه رساند و ضمن آنکه در تلگراف‌خانه متحصن شد از طریق تلگرام ماجرا را به پدر خود در تهران اطلاع داد. تلاش‌های نیروهای حکومتی برای بازداشت او با اعتراض (پروتست) رئیس تلگراف‌خانه بی‌نتیجه ماند.

این تلگراف‌خانه همچون سایر تلگراف‌خانه‌های کشور در اداره خارجیان بوده و به همین دلیل امکان پیگرد و دخالت دولتی برای پناهندگان به آن وجود نداشت. علاوه بر این باید گفت که ملک‌التجار و ظاهراً پسرش در هنگام خطر خود را تبعه روسیه معرفی می‌کردند. به هر حال پس از انصراف نیروهای دولتی حاجی حسن آقا پسر ملک‌التجار به روسیه رفت و شایع شده بود که در مسکو طریق مظفری را با قرار دادی پانزده ساله به شخصی به نام

۱. *چهره‌نما*، شماره ۱۵، سال ۱ (شوال ۱۳۲۲ ق)، ص ۷-۸.

۲. *تاریخ انقلاب مشروطیت*، ۲۸۹-۲۹۰.

۳. *کاتوزیان، تاریخ انقلاب مشروطیت*، ۲۸۹-۲۹۰.

«پاولوف روسی» اجاره داده است. اجاره دار روسی چندی بعد به آستارا آمد و مدعی اداره راه شد، اعتراض وکلای شرکت عمومی برای حضور پیمانکار روسی تنها باعث شد که حاجی محمد تقی صراف به مدت یک ماه به عنوان ناظر بر کار اداره طریق مظفری در آستارا بماند و پس از آن کار به کلی به روس‌ها واگذار شد. نویسنده چهره‌نما یادآور می‌شود که راه مظفری روزانه درآمدی بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان داشت.<sup>۱</sup>

محمدعلی سیاح محلاتی مشهور به حاج سیاح نیز در کتاب *خاطرات* به این ماجرا اشاره دارد.<sup>۲</sup> به گفته او هنگامی که سهام‌داران شرکت نسبت به ملک‌التجار بدبین شده بودند، برای دریافت سود و اصل سهام خود وی را تحت فشار قرار دادند. ملک‌التجار در عوض پسر خود حسن آقا را با وکالت‌نامه‌ای از سوی خود به مسکو فرستاد و راه مظفری را به یک تبعه روس به نام «ورتمان» اجاره داد. او نیز اندکی بعد به تهران آمد و مدعی راه شوسه شد و با استفاده از اجاره‌نامه‌ای که به تصدیق کنسول ایران رسیده بود چند تن از نیروهای قزاق روس را برای اداره راه مظفری گماشت.

شرکت عمومی در پی کار شکنی حاجی ملک‌التجار به زودی از رونق افتاد و پس از ۵ سال فعالیت اعلام ورشکستگی کرد و بسیاری از دیون خود را نپرداخت. کار شکنی در اداره شرکت عمومی ایران انتقاداتی را در باره این شرکت و اساسا پدیده شرکت‌های تجاری ایرانی در روزنامه‌ها پدید آورد. روزنامه *خلافت* چاپ لندن در مقاله‌ای با عنوان «منافع کمپانی» نوشت: «ولی ما ایرانیان چون به علم تجارت جاهل و از منافع کمپانی بی‌خبریم، این حرف‌ها را باور نداشته و جزو افسانه پنداشته و مبالغه می‌شماریم و کمپانی را برای جمع کردن سرمایه چند نفر (از تجار گرفته تا زنان بیوه) به یک‌جا و پس ندادن و بالا کشیدن از روی بی‌علمی و بر اساس پوسیده بنا شده بود... باعث تلف تنخواه اصحاب اسهام و پرشدن کیسه مدیر کل شرکت عمومی و مدیران سایر ولایات که به استثنای چند نفری تمام کهنه ورشکسته و مفروض چند ساله بودند شد. اگر از روی حقیقت ملاحظه شود بنای این کمپانی که بر بی‌علمی بود و ضرر آن به مردم سبب شد که ملت از کمپانی نفرت کرده اسم کمپانی را که می‌شنود می‌ترسد».<sup>۳</sup> *حبل‌المتین* در رمضان ۱۳۲۲ق نسبت به تأخیر در اعلام صورت حساب دخل و خرج شرکت اعتراض داشت. ظاهرا شرکت در این زمان ۶ ماه از اعلام حساب خود داری کرده بود و توضیحی نیز به سهام‌داران در چرایی تأخیر نمی‌داد.<sup>۴</sup>

۱. چهره‌نما، شماره ۲۹، سال ۳، ص ۱۴.

۲. سیاح محلاتی، محمدعلی، *خاطرات حاج سیاح*، ص ۵۲۳.

۳. روزنامه *خلافت*، شماره ۳، سال ۱، ص ۳ (۱۰ جمادی الثانی ۱۳۲۴ق).

۴. *حبل‌المتین*، شماره ۱۳، سال ۱۲ (رمضان ۱۳۲۲ق)، ص ۵.

پس از گذشت دو سال از عمر شرکت عمومی، دیگر صورت دخل و خرج و سود سهام شرکت منتشر نشد و کسی از صاحبان سهام به اصل پول یا سود آن دست نیافتند. شکایت سهام‌داران از ملک‌التجار تا مدتی بی‌فرجام ماند. سرانجام محمد علی شاه قاجار حکم رسیدگی به اتهامات ملک‌التجار را صادر کرد و در نامه‌ای به مشیر الدوله صدر اعظم نوشت «جناب اشرف صدر اعظم، در باب عمل ملک‌التجار و تجار لازم است که قرار قاطعی گذاشته شود و تجار آسوده گردند، لهذا امر می‌فرمائیم این مطلب را به مجلس شورای ملی [طرح] نمایید زودتر قرار قطعی بگذارند که فوراً به موقع اجرا گذاشته شود». صدر اعظم در نامه‌ای به مجلس نوشت «چون تشکیات تجار از ملک‌التجار هر روزه باعث تصدیع خاطر اقدس اعلی بود لهذا رای ملوکانه چنین علاقه گرفت که این مسئله در مجلس محترم شورای ملی مطرح و مذاکره شده قرار قطعی داده بموقع اجرا گذارده شود. اگر چه این کار از وظیفه مجلس خارج است ولی چون اهمیت دارد این کار را بطور فوق العاده قبول نموده قرار آنرا بگذارید».<sup>۱</sup> مجلس با تشکیل کمیسیونی با ۱۵ عضو تصمیم به بررسی شکایات گرفت. حاج میرزا یحیی امام جمعه خوئی، وکیل علمای تبریز در مجلس، ریاست کمیسیون را بر عهده داشت. پس از چندی ملک‌التجار مجرم شناخته شد ولی عملاً حکم کمیسیون مجلس به اجرا در نیامد. شرکای شرکت که از ملک‌التجار شکایت داشتند به ناچار در خانه معتمدالسلطان، یکی از نزدیکان محمدعلی شاه، متحصن شدند. شاه به فرمانفرما، وزیر عدلیه، دستور داد که حکم مجلس را اجرا کند. فراشان و مأموران حکومتی ملک‌التجار را در امارت شخصی خود در امامزاده قاسم تجریش باز داشت کردند تا به تهران برنند. اما ملک‌التجار در بین راه، بدون زحمت، از دست مأموران گریخت و به سفارت روسیه پناه برد. وی هنگامی که در سفارت روسیه متحصن بود با انتشار اعلانی چگونگی پناهنده شدن خود به سفارت روسیه را شرح داده است.<sup>۲</sup> شکایت از شرکت عمومی سال‌ها به طول کشید و پس از درگذشت ملک‌التجار سهام‌داران و شرکا توانستند بخشی از مطالبات خویش را پس گیرند.

نظامنامه شرکت عمومی ایران که در سال ۱۳۱۹ق منتشر شده،<sup>۳</sup> به قرار زیر است:

۱. محمدعلی تهرانی، تاریخ انقلاب مشروطیت، ۵۴۰.

۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، جلسه ۵۴.

۳. برای عکسی از «اعلان از طرف حاجی ملک‌التجار»، نگاه کنید: قباله تاریخ، ص ۳۱۸.

۴. متن نظامنامه در شماره‌های ۳۰ تا ۳۵ روزنامه ادب، چاپ مشهد و جبل‌المتین، شماره ۴۴، سال ۸ (جمادی الاول ۱۳۱۹ق)، ص ۴-۸ منتشر شده است.

## کتابچه شراکت امتعه ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

صورت فصول شراکت عمومی امتعه ایران بعد از وضع دیباچه و مقدماتی که در اصل نسخه قلمی گردیده از قراری است که در این کتابچه به طبع رسیده، محض اطلاع عموم شرکاء محترم منتشر می‌شود.

**فصل اول،** چون در هر مملکتی ترویج امتعه آن مملکت و رفع احتیاج از خارجه به قدر مقدور نسبت به سایر مقاصد تجارتی اهمیت دارد، مؤسسين این شراکت نیز اول قصدی که دارند همین مبحث است، بناء علی هذا این شرکت را موسوم نمودند به شراکت امتعه ایران لیکن ملتزم نیستند که حتماً شغل و کارشان منحصر به این رشته باشد، بلکه به اقتضای وقت کار خواهند کرد. به این معنی که هر وقت هر چشمه کار را مصلحت و مقتضی دانند اعم از خرید و فروش امتعه تجارتی یا معامله نقدی یا فلاحی یا معادن یا ایجاد کارخانجات و راه‌سازی یا فقرات دیگر آن اقدام خواهند نمود.

**فصل دوم،** در دانستن ترتیب این شراکت است و آن این است که فعلاً دو کرور تومان ایران سرمایه در ۲۰ هزار سهم ملاحظه شده است که هر سهمی عبارت از ۵۰ تومان قران ایران بوده باشد. هر کس هم هر چند سهم طالب شود، اعم از این که یک سهم بخواهد یا هزار سهم مختار است و در زمان رسیدگی حساب منافع حاصله از روی تومان شمار قسمت خواهد شد. خلاصه این که هر کس در این اداره طالب شراکت باشد ملتزم به سرمایه مشخص نخواهد بود. از یک ورقه شراکت که ۵۰ تومان است تا هر قدر علاوه بخواهد ممکن است و کمتر از پنجاه تومان غیر ممکن و هر گاه، به خواست خداوندی و توجهات خاطر معدلت مظاهر شاهنشاه دین پناه ارواحنا فداه و یمن اهتمامات اولیای دولت ابد مدت قاهره، پیشرفتی در این شراکت حاصل گردد و این سرمایه با خیالات شرکاء وفق ندهد، مجدداً تجدید سرمایه نموده یعنی اوراق سهام به طبع رسانده به عموم اهالی اعلام خواهند کرد.

**فصل سیم،** هر کس از هر نمره اشخاص خواه تاجر، خواه غیر تاجر، خواه در دارالخلافه، خواه در سایر بلاد طالب این شراکت گشته خواسته باشد شراکت نماید. باید اوراق سهام این شراکت که در کاغذ مخصوص به طبع رسیده و تحویل تحویلدار دارالشركة شده است و شرکاء مؤسس که ضامن صحت عمل هستند پشت آن ورقه را مهر کرده‌اند که صورت آن ورقه به شرح و تفصیل در آخر این کتابچه مندرج است، خریداری نماید که اسم آن شخص همان تاریخ که تنخواه داده ورقه شراکت دریافت داشته، در دفتر محاسبات این شراکت ثبت شود و در وقت تعیین محاسبات اختلافی حاصل نگردد در بلاد خارج از دارالخلافه نیز کتابچه فصول و اوراق سهام نزد وکلای این اداره ارسال گشته و در هر بلد به اهالی آنجا

اعلام خواهند نمود.

**فصل چهارم،** هر گاه کسی طالب این شراکت باشد و شرکای مؤسس به جهتی از جهات شراکت آن شخص را به صلاح ندانسته قبول نکنند، حق دارند و آن شخص را حق رنجش نخواهد بود.

**فصل پنجم،** از اوراق شراکتی هر کس خریده باشد و قبل از رسیدگی به محاسبه یا بعد از تعیین حساب بخواهد به دیگری منتقل کند یا بفروشد، باید به اطلاع این اداره باشد که اسم او را در دفتر قلم نسخ کشیده با نمره و ترتیب به اسم شخصی که در ثانی خریداری می‌نماید، بنویسد که در وقت تفریق و تشخیص محاسبه اختلافی حاصل نگردد و نیز اگر به سبب حرق و غرق و سرقت اصل ورقه تلف شود، اشکال دست ندهد. غرض از مراعات این نکته آن است که مؤسسین این شراکت مثل پاره‌ای ادارات فقدان اوراق سهام را فایده فرض نکرده مفت خود نخواهند دانست. بلکه هر کس را در این شراکت حق بوده باشد، اعم از اینکه اوراق متعلقه به او موجود باشد یا مفقود، شرعاً و عرفاً خودشان را مشغول الذمه و ملتزم دانسته از روی دفتر و روزنامه حق من له الحق را به خودش یا قائم مقام شرعی او خواهند رساند، والا مثل بعضی ادارات فقط به نمره قناعت کرده این همه دقت نمی‌داشتند و ممکن بود در عرض سال مقداری از اوراق سهام معدوم گشته فایده این شرکت بوده باشد.

**فصل ششم،** هر کس هر چند سهم شرکت نموده باشد خواه یک سهم خواه زیاده‌تر حق دارد که در وقت حساب، خود یا وکیلش حاضر گشته از عمل کرد یک ساله کما هو حقه مطلع و مستحضر گردد.

**فصل هفتم،** هر کس تنخواهی از این اداره قرض بخواهد و صلاح دانسته بدهند به هیچ وجه ضامن نخواهند خواست. فقط اعتبار شخصی داده می‌شود، جز در صورتی که راه اطمینان منحصر به خواستن ضامن باشد، آن وقت در گرفتن یک نفر ضامن معتبر ناچار خواهند بود و در صورتی که علاج منحصر به ضامن باشد اشخاصی که در این اداره شرکت دارند حق ضمانت نخواهند داشت و اگر ضمانت کنند ضمانت شرکاء قبول نخواهد شد. تعیین فرع و مدت نیز به اقتضای وقت است و به طوری که با موازین شرعیه وفق دهد قرار آن داده خواهد شد.

**فصل هشتم،** از آنجائی که مبنای این شراکت بر خرید و فروش و داد و ستد است محض تسهیل امر توضیح می‌شود که هر کس هر قدر طالب شراکت باشد مجبور به این که حتماً وجه نقد تسلیم کرده ورقه شراکت دریافت دارد، نخواهد بود. مطالبات صحیحیه را هم که محل حرف نبوده باشد و شرکای ضامن صحت آن را تصدیق کنند به عوض وجه نقد قبول خواهد شد و در حکم وجه نقد است، هکذا اجناس مرغوب صحیح. چه آن که هر گاه اشخاص صحیح معتبر به طور استقراض پول بخواهند مضایقه نخواهد شد. کذالک اگر

جنس مرغوب صحیح باشد در خریدن مضایقه نمی‌شود. پس در این صورت جنس مرغوب صحیح و مطالبات صحیح در حکم تنخواه نقد است و ابتدا با وجه نقد فرقی نخواهد داشت. **فصل نهم،** هر گاه کسی طالب شراکت نباشد و بخواهد به عنوان مرابحه تنخواهی در این اداره بگذارد چنانچه حضرات شرکاء مصلحت در قبول دانسته، قبول کنند، ضمانت اصل و فرع آن تنخواه به عهده تمام شرکای مؤسس خواهد بود و باید موافق سندی که سپرده‌اند عمل نموده اصل و فرع تنخواه را تا دینار آخر به صاحب تنخواه یا قائم مقام شرعی او برسانند. اسناد راجعه به این مبحث نیز در کاغذ مخصوص طبع شده و در نزد مدیر اداره ضبط است. هر وقت محل حاجت شود اشخاص که ضامن صحت عمل هستند به طریقی که به موازین شرعیه وفق دهد ترتیبش را مرتب خواهند کرد.

**فصل دهم،** هر کس از شرکاء در زمان رسیدگی حساب پس از تعیین محاسبه خواسته باشد سهم خود را دریافت داشته خارج شود، مختار است. لیکن قبل از رسیدگی به حساب هیچ یک از شرکای جزء و کل حق ندارند که در مقام تعیین و تشخیص بر آمده سهم خود را دریافت دارند. اما در صورتیکه طالب فروش سهام خود باشند، قبل از موعد رسیدگی حساب به سایر شرکاء یا به اشخاص خارج به استحضار شرکاء مختار و مجازند.

**فصل یازدهم،** معلوم بودن محل شراکت است که در دارالخلافه و سایر بلاد همه کس موقع و محل آن را دانسته در مقام رجوع مردد نباشد. لهذا توضیح می‌شود که برای تعیین این اداره در کاروانسرای دولت حجرات و بالا خانه‌های متعدده معین شده است، در نهایت پاکیزگی و تنقیح که هر کس از هر طبقه کاری به این اداره داشته باشد و زحمت کشیده تشریف فرمای این اداره شود وهنی به جاه او متوجه نگردد. محل اداره و موقع ترتیب امور این شراکت همان سرای دولت است ولی در سایر مواقع اگر مناسب دانسته رشته تجارت و داد و ستد مفتوح سازند، منافات با این عمل نخواهد داشت.

**فصل دوازدهم،** از آنجائیکه لازم است به عنوان ریاست اجزای جزء و هم ترتیب دفاتر و روزنامجات و هم رسیدگی به جزئی و کلی امور راجعه به این شراکت یک نفر شخص امین لایق کافی تعیین شود به صوابدید شرکاء جناب حاجی سید محمد تاجر طهرانی مشهور به صراف مشخص شده و مدیر کل ایشان خواهند بود سایر شرکاء هم که هفته‌ای یک روز برای رسیدگی و گفتگو حاضر خواهند شد. البته در جزئی و کلی رسیدگی نموده آنچه را که در نفع و ضرر و شر ملتفت شوند مذکور خواهند داشت، اما چون هر کس مدیر این اداره واقع شود با تمام شراشر وجود باید حواس ظاهر و باطنش متوجه نظم و ترتیب این اداره باشد، ناچار تا یک درجه از نظم امور شخصیه باز خواهد ماند، علیهذا برای آن شخص اعم از این که جناب حاجی سید محمد باشد یا کسی دیگر لازم است حق الزحمه معینی منظور شود و چون در بدو امر که هنوز نضج و قوامی حاصل نگشته و به طوریکه باید و شاید در



تحت قاعده و ترتیب نیامده تعیین حق‌الزحمه شخص مدیر و سایر ملاحظات لازمه مقدور نخواهد بود، قهراً موکول است به وقت رسیدگی و زمان محاسبه چه آن که در وقت حساب منابع سالیانه و ترتیب آتی معلوم و مشخص خواهد گردید، آن وقت به طوری که مروت و انصاف اقتضاء کند قرار این کار و سایر مخارج لازمه داده خواهد شد.

عجالتاً چون هیچ یک از این ملاحظات ممکن نیست و رشته کار صحیحاً به دست نیامد بر عموم شرکاء فرض است که مهما ممکن در نظم و ترتیب عمل ساعی و جاهد باشند که رشته‌های صحیح به دست آمده منافع صحیح حاصل شود همین که به خواست خداوندی و توجه اولیای دولت قوی شوکت قاهره پیشرفتی در مقصود حاصل شد و در وقت محاسبه مداخل و مخارج این شراکت مشخص گردید، آن وقت ملاحظه جزئی و کلی امور این اداره به عمل آمده و ان‌شاء الله سال به سال بر منافع و نتایج افزوده خواهد گشت و هم روز به روز و سال به سال ترتیبات صحیح تکمیل خواهد شد. چنین نیست که در همین بدایت امر نتایج این کار بر اولوالالباب و اشخاص خبیر بصیر مخفی و مستور باشد.

یکی از تفاوت‌های واضح آشکار این است که این مقدار تنخواه را اگر اشخاص مختلفه خواسته باشند جدا جدا به کار بیندازند و هر قدرش را هر شخص کافی به کار بیندازد، همین مقدارها مخارج خواهد داشت. ولی حالا خرج یکی خواهد بود و دخل مختلف به علاوه اشخاصیکه در این عمل بذل جهد و اهتمام می‌نمایند از روی غیرت و حمیت است نه به ملاحظه فایده و منفعت، والا چگونه می‌شود کسانیکه حالشان بر همه کس معلوم است و نهایت آسودگی را دارند زیر بار زحمات عمده رفته و ضامن صحت عمل یک همچو کار بزرگی شوند. چون عمده قصدشان ملاحظه اراده سنیه شاهانه و رفع احتیاج ابنای جنس است امیدواریم خلاق عالم نیز خیر کثیر کرامت فرموده عملاً قریب نتایج این کار بر همه کس معلوم گردد و ایضا یکی از خصایص این شراکت این خواهد بود که غالب این اشخاص در اغلب بلاد داخله و خارجه سرو کار دارند بنا علی هذا اتصالاً در ترقی و تنزل اجناس و سایر مطالب لازمه تحصیل اطلاع کرده هیچوقت بی‌مطالعه اقدام به امری نخواهند نمود و به مدلول «ید الله مع الجماعة» ان‌شاء الله خلاق عالم از خطا و زلل حفظ خواهد فرمود.

**فصل سیزدهم،** مؤسسين این شراکت هفته‌ای یک روز در همان حجرات سرای دولت به جهت مشورت و رسیدگی محاسبه و گفتگوی در جلب منافع و رفع معایب این اداره مذاکرات و اقدامات خواهند نمود. از سایر شرکاء هم که خارج از عنوان ضمانت هستند، اگر کسی خواسته باشد داخل شود و اظهار عقیده نماید مجاز است.

**فصل چهاردهم،** تعیین اسامی اشخاصی است که در مقام تأسیس این اساس بر آمده و ضامن صحت عمل می‌باشند. اسامی ایشان نیز از قراری است که در ذیل نوشته شده و پشت اوراق سهام را مهر کرده‌اند: جناب مستطاب حاجی محمد کاظم ملک‌التجار ممالک محروسه

ایران، جناب فخامت نصاب حاجی محمد صادق ارباب رئیس طایفه امینی قزوین، جناب مجدت نصاب آقا میرعبدالمطلب امین‌التجار، جناب مجدت نصاب آقا محمدصادق ارباب، جناب مجدت نصاب حاجی میرزا علی اصغر افتخارالحاج معروف به حاجی علی‌اکبر شیرازی و پسران، جناب جلالت‌مآب حاجی سیدمحمد مدیر کل، جناب فخامت نصاب صنایع‌الممالک، جناب مجدت نصاب حاجی محمدحسن ملک‌التجار عراق، جناب مجدت نصاب حاجی حسین علی صندوق‌خانه، جناب مجدت نصاب حاجی علی مشهور به شال‌فروش، جناب مجدت نصاب حاجی میرزا علی‌اکبر مشهور به شال‌فروش، جناب مجدت نصاب حاجی عبدالرزاق تاجر اسکوئی، جناب مجدت نصاب حاجی میرزا عباسقلی خلف مرحوم حاجی ابوالفتح، جناب مجدت نصاب مشهدی محمدآقا خوئی، جناب حاجی فرج صراف تبریزی، جناب مجدت نصاب حاجی باقر صراف تبریز، جناب مجدت نصاب مشهدی حاجی آقا صراف مشهور به کمپانیه، جناب مجدت نصاب حاجی لطفعلی مشهور به اتحادیه.

**فصل پانزدهم،** در باب دانستن مضمون اوراق شراکت است که در فصل سیم این کتابچه اشارت به آن شده و توضیح گردیده که در آخر کتابچه مندرج است. هر کس بخواهد مضمون و ترتیب آن را بداند از این قرار است «دارنده این ورقه که اسمش با نمره و تاریخ در دفتر شراکت عمومی امتعه ثبت شده مبلغ پنجاه تومان قران ایران در این شراکت شرکت دارد و در وقت محاسبه که سالی یک مرتبه خواهد بود آنچه از روی تومان شمار سهم او باشد کارسازی خواهد شد و نیز حق دارد که در وقت محاسبه خود یا وکیلش حاضر گشته از عمل کرد یک ساله مستحضر گردد و برای اطمینان عموم شرکا توضیح می‌شود مؤسسين شراکت مزبوره که پشت ورقه را مهر کرده‌اند ضامن صحت عمل این شراکت هستند هرکس هم از این اشخاص خدای نخواستہ فوت شود و داعی حق را لبيک اجابت گوید وراثت او از ضمانت خارج نیستند و در ضمانت مزبوره باقی خواهند بود. هر کس هم بخواهد سهم خود را به کسی منتقل کند یا بفروشد باید به اطلاع این اداره باشد که اسم او را از دفتر شراکت خارج ساخته اسم شخص ثانوی را ثبت کنند که هرگاه ورقه شراکت مفقود یا معدوم گردید یا دست غیر بیفتد سبب اشکال و اختلاف نباشد. فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۱۸ق».

**فصل شانزدهم،** شرکای عظام نسبت به سهامی که در دست دارند هر وقت به استقراض تنخواهی حاجت به رسانند این اداره در مراحله آنچه رسم معمول این اداره است، بالنسبه به سایرین تفاوت منظور خواهد داشت و هر گاه علاوه بر مبلغی سهام شرکاتی که در دفتر این شراکت به نام نامی ایشان ثبت است، خواسته باشند در آن علاوه تفاوت منظور نگشته در حکم سایر ناس خواهند بود.

**فصل هفدهم،** چون عجلالتاً برای اطلاع و استحضار شرکای شراکت امتعه ایران فصولی

که در این کتابچه نگاشته شده است کافی به نظر می‌آید به همین فصول مزبوره قناعت شد. چنانچه بعدها نیز مطالبی به خاطر رسد و نشر آن را شرکای محترم لازم دانند قلمی گردیده به عموم شرکا اعلام خواهد شد. هر کس هم مطلب صحیحی راجع به این اداره ملتفت گشته، اظهار دارد با کمال امتنان پذیرفته شده و پس از تصویب شرکا به طبع خواهد رسید. فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۱۸.

### شرکت اسلامیة اصفهان

تأسیس شرکت اسلامیة اصفهان در نوع خود اقدامی بی‌سابقه بود. این شرکت اساساً برای حمایت از تولیدکنندگان منسوجات ایرانی تشکیل شد و قصد داشت با حمایت صنعت‌گران منسوجات ایرانی را جایگزین محصولات وارداتی کند. چندی پیش از آن که جمعی از تجار اصفهان خبر تأسیس شرکت اسلامیة را منتشر کنند، دو تن از واعظان برجسته اصفهان و با تأیید روحانیان برجسته شهر، در ماه رمضان ۱۳۱۶ق، در سخنرانی‌ها و مواعظ خود بر لزوم استفاده از منسوجات ایرانی در ملبوس مردم تأکید کردند. از مطالعه اخبار مربوط به شرکت اسلامیة این موضوع آشکار می‌شود که هواداران این شرکت، آن را تنها مؤسسه سهامی و تجاری تلقی نمی‌کردند. بلکه تصور داشتند شرکت اسلامیة نماد حرکتی ملی است که می‌تواند متولی پیشرفت اقتصادی و حتی فرهنگی کشور باشد و وظیفه دارد که ایران و ایرانیان را به جایگاهی برساند که شایسته آن هستند. طرفداران شرکت مدعی بودند که شرکت اسلامیة تمامی «ملبوسات و کساوی» یعنی همه پوشاک مورد نیاز مردم ایران را تدارک دیده و آماده خواهد کرد. به طوری که به روحانیان اصفهان پیشنهاد می‌شد که مردم را از استفاده از لباس‌ها و منسوجات خارجی منع کنند. اگر هم متقاضی برای منسوجات کارخانجات خارجی زیاد بود، شرکت قصد داشت تا کارخانه آن را خریده در ایران راه‌اندازی کند.<sup>۱</sup> حتی توقع داشتند شرکت اسلامیة با خرید غله از ولایات مختلف و توزیع آن در مناطقی که دچار قحطی موقت هستند، بلای احتکار را از میان بردارد.<sup>۲</sup> این دست توقعات گرچه عملی نشد، ولی گویای این واقعیت است که مردم ایران به ویژه آن دسته از فرهیختگان که دغدغه وطن پرستی داشتند، به این نتیجه رسیده بودند که اصلاحات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را توده مردم باید به جریان بیندازند و عملاً از دولت ضعیف و بی‌قانون ایران پیش از مشروطه کاری بر نمی‌آید.<sup>۳</sup>

در روزنامه‌های دوره مظفری تعریف و تمجید بسیار از شرکت اسلامیة می‌شد. ایرانیان

۱. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.

۲. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.

۳. برای نمونه نگاه کنید: حیل‌المتین، شماره ۲۰، سال ۷ (ذی حجه ۱۳۱۷ق)، ص ۱۶-۱۷.

شرکت اسلامیة را بهترین مؤسسه برای برآورده شدن آرزوهای ملی خود تلقی می‌کردند و آن را «حقیقتاً دم مسیحا» می‌دانستند.<sup>۱</sup> حاجی میرزا اسد الله کاشانی، نماینده شرکت اسلامیة، از لندن برای روزنامه *ثریا* می‌نوشت: «ابنای عزیز وطن از خواب غفلت بر گرفته و در خیالند که خویش را از این ذلت امروز خلاص نمایند و از شر اجانب در آینده محفوظ مانند، بلکه در ترقی و تمدن از همسایگان گوی سبقت برند و در اندک زمان اسباب راحت و عدم احتیاج خویش را فراهم آرند... شک نیست چون شرکت بزرگ شد همه نوع خدمتی به وطن تواند کرد و احتیاج ما را به هر جهت از اجانب سلب نماید... فردا چون سرمایه زیاد شود به کارهای دیگر نیز اقدام کنند و انواع و اقسام ماشین و چرخ‌های بخار مهیا سازند و به کشیدن راه آهن و کار کردن در معادن و سایر تأسیسات جدید مشغول شوند».<sup>۲</sup> در یکی از نخستین اخبار مربوط به شرکت اسلامیة آمده است: الحمدلله خلق ایران خیلی به فکر آینده خود افتاده و به هوش آمده چیزی که هست مشوق و محرک ندارند و گر نه کمی نخواهد گذشت که ترقیات فوق‌العاده در مملکت ظاهر شود.<sup>۳</sup> بسیاری توقع داشتند شرکت اسلامیة مقدمه‌ای باشد تا دست کم ایرانیان در تهیه لباس خود کفا باشند. واقعیت این بود که منسوجات خارجی «از رخت حضرات روحانیان تا کفن اموات»<sup>۴</sup> را شامل می‌شد و در صورتی که شرکت اسلامیة می‌توانست از پس این کار برآید، تحول مهمی در امر خودکفایی رخ می‌داد.

به گزارش روزنامه *حبل‌المتین* چندی پیش از آن که خبر تأسیس شرکت اسلامیة از سوی تجار و علما در اصفهان منتشر شود. دو تن از واعظان برجسته اصفهان از سوی علمای شهر مأمور شدند تا در طول ماه مبارک رمضان مردم روضه‌دار را تشویق به همکاری با این شرکت کنند. به این منظور حاجی میرزا نصرالله واعظ بهشتی ملقب به ملک‌المتکلمین در ایام ماه رمضان ۱۳۱۶ ق و به خواست سلطان‌العلماء امام جمعه در مسجد جامع اصفهان سلسله سخنرانی‌هایی را به منظور تشویق مردم اصفهان برای حمایت صنایع بومی و استفاده از منسوجات ایرانی برگزار کرد. او در سخنرانی‌های خود از لزوم اتحاد و اتفاق مسلمین، تأسیس مدارس نوین و مکتب‌خانه‌های آموزش ابتدایی سخن می‌گفت و نیز تلاش داشت مردم را ترغیب به خریدن منسوجات داخلی و استعمال مصنوعات وطن کند. او مردم را دعوت می‌کرد تا از اجانب و خارجیان سلب احتیاج کنند. در شب‌های قدر نیز شخص

۱. *ثریا*، شماره ۱۸، سال ۲ (ذی قعدة ۱۳۱۷ق)، ص ۸.

۲. «مکتوب از لندن»، روزنامه *ثریا*، ش ۵۱، سال اول (جمادی الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۴.

۳. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.

۴. نگاه کنید به خطابه میرزا محمد جعفرخان معلم و مترجم السنه شرقی در مدرسه دولتی مسکو که از شرکت اسلامیة اصفهان بازدید داشت مندرج در روزنامه حکمت چاپ مصر، شماره ۱۷، سال ۸ (رجب ۱۳۷۰ق)، ص ۹.

سلطان‌العلماء به منبر رفت و با تأیید سخنان ملک‌المکلمین حاضرین را تشویق به همراهی و اتفاق کرد. همچنین در شب ۱۹ ماه رمضان حاجی آقا شیخ محمد ثقة الاسلام در مسجد نو اصفهان در همین موضوع سخنرانی داشت.<sup>۱</sup>

روزنامه *حبل‌المتین* در ذی‌قعدة ۱۳۱۶ ق خبر دیگری منتشر کرد و ضمن تکرار گزارش قبل، افزود که جناب شریعتمدار آقا شیخ مرتضی ریزی نیز از شمار روحانیانی بود که در ماه محرم مردم را تشویق به ترک استفاده از منسوجات خارجی و ترغیب به استفاده ملبوسات و امتعه داخلی کردند. در بخشی از این خبر آمده است: «دین معمور شود به عبادات و دنیاآباد و معمور می‌گردد به دو چیز: اول رفع احتیاج خود از خارجه، دوم اتحاد با تمام برادران اسلامی در دفع اجانب... امروز ما نمی‌توانیم کرباس خود را که جنساً از چهلوار بهتر است مثل چهلواری کنیم تا ملت راغب به آن شوند، مگر به خواندن علم. امروز تمام فنون در سایه علم ترقی کرده... شک نیست اگر ما مثل دیگران این علوم را اخذ نکنیم صناعت ملک خود را نمی‌توانیم رونق دهیم و تا وقتیکه درین فنون سعی نکنیم و اقمشه ما مقابله با امتعه و اقمشه خارجه نکند، ملت در استعمال آن رغبت نخواهند کرد و امتعه و اقمشه داخله به قیمت نازل امتعه و اقمشه خارجه تمام نخواهد شد».<sup>۲</sup>

واعظ دیگری که مأموریت داشت مردم را برای تأسیس شرکت تشویق کند آقا سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی ملقب به صدرالواعظین بود و از سوی علما مأموریت داشت مردم شیراز را تشویق به این کار کند. سید جمال واعظ در ایام ماه رمضان به خواست حجة الاسلام آقای حاجی سیدعلی اکبر در مسجد وکیل شیراز موعظه می‌کرد.<sup>۳</sup> ظاهراً در آغاز مردم حاضر در سخنرانی‌های او چندان همدلی با اهالی اصفهان نداشتند و سخن سید در آنان بی‌تأثیر بود. زیرا سید جمال واعظ در ذی‌قعدة ۱۳۱۷ ق و در نامه‌ای به روزنامه *ثریا* از ناکامی خود در جلب توجه تجار و مردم شیراز برای مشارکت در شرکت اسلامی خبر داد و بی‌آنکه بتواند موافقت اهالی شیراز را به دست آورد ناچار به بازگشت به اصفهان شد.<sup>۴</sup> اما شیرازیان به زودی به جمع حامیان شرکت پیوستند و خبر گشایش شعبه شرکت اسلامی در شیراز منتشر گشت. حاجی میرزا علی نقشینه که به عنوان مدیر شرکت تعیین شده بود، در نامه‌ای به *حبل‌المتین* نوشت که مردم شیراز استقبال پرشوری از سیدجمال واعظ کرده‌اند و حتی به تبعیت از حاجی سید علی اکبر از شرکت تازه تأسیس اسلامی خواسته‌اند که

۱. *حبل‌المتین*، شماره ۱۸ (شوال ۱۳۱۶)، ص ۲۱۵.

۲. «دانشمندی اصفهانیان»، *حبل‌المتین*، شماره ۱۹، سال ۶ (ذی‌قعدة ۱۳۱۶ ق)، ص ۲۲۵.

۳. *حبل‌المتین*، شماره ۱۷، سال ۷ (ذی‌قعدة ۱۳۱۷)، ص ۱۹.

۴. *ثریا*، شماره ۱۸، سال ۲، ص ۸ (ذی‌قعدة ۱۳۱۷ ق).

محصولاتش را برای استفاده اهالی به شیراز بفرستد.<sup>۱</sup> به هر حال در پایان ذی‌حجه ۱۳۱۷ق بود که شعبه شرکت اسلامیة در شیراز افتتاح گشت. سید جمال پس از بازگشتن از سفر شیراز کتاب *لباس التقوی* را منتشر کرد. ظاهراً نخستین بار *لباس التقوی* به همت اعتمادالسلطان در شیراز و با تیراژ هزار نسخه چاپ و منتشر شد.<sup>۲</sup>

پشتیبانی روحانیت از شرکت اسلامیة تنها محدود به حمایت از واعظان نمی‌شد. دو تن از روحانیان برجسته اصفهان یعنی حاجی آقا شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی و برادر کوچکتر او حاجی شیخ نورالله عمادالاسلام به حمایت جدی از شرکت اسلامیة پرداختند، به طوری که نام این دو در کنار ظل‌السلطان حاکم اصفهان و رکن‌الملک نایب‌الایاله اصفهان به عنوان مؤسسان شرکت یاد می‌شد.<sup>۳</sup> حاجی آقا نورالله عمادالاسلام و آقا نجفی هر یک با ارسال نامه‌ای به *حبل‌المتین* حمایت صریح خود از شرکت اسلامیة را اعلام کرده بودند.<sup>۴</sup> ظاهراً در آغاز کار شرکت زمزمه‌هایی مبنی بر این بود که در صورت امکان، استفاده از منسوجات خارجی از سوی علما تحریم شود. این کار به دلیل ناتوانی شرکت در تهیه همه پوشاک مورد نیاز مردم عملاً صورت نپذیرفت و علماً تنها به تشویق مردم در استفاده از منسوجات داخلی بسنده کردند. مثلاً آقا نجفی در جمادی‌الثانی ۱۳۱۷ق با ارسال نامه‌ای به روزنامه *ثریا* ضمن اشاره به لزوم استفاده از منسوجات ایرانی برای تهیه البسه، گفت چون در آغاز کار شرکت اسلامیة، هنوز قدری پارچه و منسوجات خارجی در دست مردم و بازار قرار دارد، در صدور حکم برای تحریم منسوجات خارجی تأمل می‌کنیم. اما پس از ۶ ماه که کار شرکت اسلامیة سامان یافت، چه بسا حکمی در این باره صادر گردد. به همین دلیل به مردم توصیه می‌شود که لباس‌های خود را از محصولات ایرانی تهیه کنند.<sup>۵</sup> همچنین در مکاتبه‌ای که میان حاجی آقا نورالله عمادالاسلام و آقا نجفی صورت گرفت و *حبل‌المتین* متن آن‌ها را منتشر کرده است. آقا نجفی اشاره دارد که تشویق مردم برای استفاده از منسوجات داخلی امری شایسته است ولی در باره اینکه استفاده از منسوجات و البسه خارجی فتوایی صادر گردد که آن را حرام اعلام کنند، جایز نیست. زیرا فعلاً این امکان وجود ندارد که لباس مورد نیاز مردم به طور کامل توسط صنعت کاران ایرانی تهیه شود.<sup>۶</sup> در محرم و صفر ۱۳۱۸ق نامه‌ای از

۱. *حبل‌المتین*، شماره ۱۸، سال ۷ (ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق)، ص ۱۱-۱۲.

۲. تربیت، شماره ۲۱۳، ص ۸۵۵، چاپ جدید این اثر در مجموعه رسائل قاجاری با عنوان *رؤیای صادقه - لباس التقوی* به کوشش صادق سجادی و هما رضوانی منتشر شده است.

۳. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۸-۹.

۴. *حبل‌المتین*، سال ۷ (ذی‌حجه ۱۳۱۷ق)، ش ۹، ص ۱۷.

۵. *ثریا*، شماره ۵۱، سال ۱ (جمادی‌الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۲.

۶. *حبل‌المتین*، شماره ۱۹، سال ۷ (ذی‌حجه ۱۳۱۷ق)، ص ۱۷-۱۸.

حاجی میرزا محمد حسین نوری حجة الاسلام منتشر شد که در ۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق از نجف خطاب به حاجی شیخ نور الله عماد الاسلام در اصفهان نوشته شده بود. حاجی میرزا محمد حسین نوری در این نامه اشاره کرده بود که پوشیدن لباسی که به دست غیر مسلمانان تهیه می‌شود عواقب ناخوشایند معنوی دارد و چه بسا باعث اجابت نشدن ادعیه مسلمانان گردد. او در بخشی از نامه نوشته است: «علمای راسخین از آیه مبارکه وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ (انعام/۱۲۱/۶) استنباط فرمودند که هر غذا که برای اسم و شهرت و امثال آن مهیا شود داخل است در این نهی، پس حال پارچه که از ابتدای صنعت تا انتها در دست‌های اعدای خداوند و خلفایش صوات الله علیهم - که در آن‌ها است جمعی که دشنام و سخریه به آن ذوات مقدسه گویند و کنند - سیر می‌کند، اثرش چیست و حکمش چه باشد؟ نوع مسلمان سال‌ها است اثر اجابت در دعای خود نمی‌بیند و در مقام پیدا کردن سبب آن بر نیامدند و به رفض عیب آن را در دعا یا ناقل آن پندارند و از این دعا به آن دعا و از آن ناقل به دیگری منتقل شوند و ندانستند که اول شروط اجابت پاکیزگی مطعوم و ملبوس است و هر چه در آن‌ها مذاقه کنند اثرش را در آنجا مشاهده نمایند»<sup>۱</sup>. نامه‌ها و مکتوب‌های دیگری نیز در حمایت از منسوجات داخلی و تشویق به استفاده از آنها در همین ایام منتشر می‌شد. علمای اصفهان همچون سلطان العلماء امام جمعه و ثقة الاسلام، نور الله عماد الاسلام و آقا نجفی هر یک بیانیه‌ای برای این منظور منتشر کردند تا بر استفاده از منسوجات ایرانی برای تهیه پوشاک تأکید داشته باشند.<sup>۲</sup>

تصمیم برای تحریم منسوجات و پارچه‌های خارجی گرچه صبغه شرعی به خود نگرفت، ولی از سوی مسؤلان شرکت اسلامیة و به صورت اقدامی داوطلبانه عملی شد. رئیس کل شرکت اسلامیة با انتشار اطلاعیه‌ای که حیل‌المتین نیز آن را منتشر کرد، چنین نوشته بود «حقیر الحاج محمد حسین کازرانی محض رضای خدا و تقویت شرع مطهر و اطاعت علما اسلام و ترویج منسوجات داخله ایران خاصه اصفهان و رفاه فقرا از غره شهر رجب سنه ۱۳۱۷ خود و بستگان و اجزاء دو اداره [شرکت اسلامیة و کمپانی مسعودیه] سر تا پا ملبس به لباس ایرانی و منسوجات اصفهانی خواهیم شد. از آشنایان و دوستان که پیروان شرع مطهر و مطیع علمای اعلام هستند، خواهشمندم در این خصوص با حقیر شرکت نموده و از امروز تهیه استعمال منسوجات داخله نمایند. چنانچه دخیل می‌شوند محض تشویق دیگران در صدر و حاشیه این ورقه مرقوم و به خاتم شریف مختوم فرمایند». حیل‌المتین افزوده است ۸۰۰ نفر از رؤسای تجار و اشراف اصفهان و قمشه متفق الکلمه در ترک استعمال منسوجات

۱. ثریا، شماره ۲۸، سال ۲ (صفر ۱۳۱۸ق)، ص ۱۲؛ و ادامه آن در شماره بعدی ثریا، ص ۱۸؛ نیز حیل‌المتین، شماره

۲۶، سال ۷ (محرّم ۱۳۱۸ق)، ص ۷-۸.

۲. حیل‌المتین، شماره ۱۹، سال ۷ (ذی‌حجه ۱۳۱۷ق)، ص ۱۴-۱۵، ۱۷-۱۸.

خارجی اتفاق کرده‌اند و علمای اعلام نیز کمال همراهی را نموده و بدین سبب خیر تحسین فرموده‌اند.<sup>۱</sup>

### افتتاح شرکت

شرکت اسلامیة ۲ ماه پس از آغاز تبلیغات آن در اصفهان و شیراز در ذی‌القعدة ۱۳۱۶ ق تأسیس شد. ریاست شرکت اسلامیة بر عهده حاجی محمدحسین صاحب تاجر کازرونی قرار داشت که خود رئیس شرکت مسعودیه اصفهان نیز بود. حاجی میرزا علی نقشینه معروف به ادیب‌التجار مدیر شرکت بود، او همچنان که از لقبش پیداست ادیب بود و شعر نیز می‌گفت.<sup>۲</sup> شرکت ۴ نفر را به عنوان وکلای اصلی انتخاب کرده بود که عبارت بودند از حاجی میرزا محمد مشکی، حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی، حاجی میرزا اسد الله تاجر اصفهانی مشهور به نقشینه و حاجی محمد کاظم تاجر اصفهانی مشهور به مثقالی بود.<sup>۳</sup> به گفته مسؤلان شرکت دست کم تا ۴ ماه سهام شرکت در اختیار چند تن از تجار قرار داشت و پس از آن به تدریج بر شرکا افزوده شد و سهام داران پر تعداد شدند.<sup>۴</sup> شرکت قیمت سهام خود را در حدی قرار داده بود تا امکان خرید برای عموم مردم وجود داشته باشد و قول داده بود که فواید شرکت به صورت سالانه تومانی دو یا سه قران باشد یعنی سالانه بین ۲۰ تا ۳۰ درصد سود به سهامداران تعلق گیرد. همچنین امید داشت که ارزش سهام سهامداران شرکت به مرور زمان افزوده شود. مؤسسان شرکت باور داشتند که تأسیس شرکت اسلامیة «اول بشارت نیکبختی و آبادی مملکت و ترقی ملتی خواهد بود». علاوه بر اداره شرکت در اصفهان، شعبه شرکت در تهران به ریاست حاج حسین امین‌الضرب نقش مهمی در فعالیت شرکت داشت.

در اخبار اولیه مربوط به شرکت اسلامیة سخن از طرح‌ها بزرگ بود و گفته می‌شد شرکت قصد دارد امتیاز ساخت راه شوسه قم تا اصفهان را به دست آورد،<sup>۵</sup> یا این که قصد دارد امتیاز ساخت راه‌آهن شهری را در حدود اصفهان بگیرد.<sup>۶</sup> اما این طرح‌ها هرگز عملی نشد. آنچه که بیش از هر چیز شرکت اسلامیة در صدد انجام آن بود تأسیس کارخانه پارچه بافی و ریسمان ریزی بود. شرکت اسلامیة قصد داشت پس از آن که سرمایه شرکت به یک کرور تومان

۱. حبل‌المتین، شماره ۳، سال ۷ (رجب ۱۳۱۷ق)، ص ۳۳-۳۴.

۲. برای قطعه‌ای از اشعارش نگاه کنید: ادب، چاپ تهران، شماره ۱۴، سال ۳ (ذی‌حجه ۱۳۲۱ق)، ص ۱۱۱.

۳. خلاصه‌الحوادث، شماره ۱۳۲، ذی‌حجه ۱۳۱۶ق.

۴. حکمت، شماره ۱۳، سال ۸ (جمادی الاول ۱۳۱۷ق)، ص ۴.

۵. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.

۶. حبل‌المتین، شماره ۲۹، سال ۶ (محرم ۱۳۱۷ق)، ص ۳۳۸.



رسید، اقدام به خرید کارخانه کند. تا جمادی الاول سال ۱۳۱۸ق شرکت نتوانسته بود چنین سرمایه‌ای را تهیه کند.<sup>۱</sup> مقدمات این کار هنگامی فراهم شد که حاج حسین امین‌الضرب تصمیم به همکاری با شرکت اسلامیة گرفت و شعبه شرکت اسلامیة در تهران گشایش یافت. نظامنامه جدید شرکت نیز پس از این منتشر شد و گستره کار شرکت فزونی گرفت. چندی بعد حاجی زین‌العابدین تقی‌اف که نماینده شرکت اسلامیة در باکو بود. سفارش خرید دو کارخانه ریسمان تابی و پارچه بافی از سوی شرکت دریافت کرد.<sup>۲</sup> بنا به قرائنی که در اخبار مربوط به شرکت اسلامیة است می‌توان گفت بخش اعظم سرمایه مورد نیاز شرکت برای خرید کارخانه را چند تن از شرکای عمده شرکت تأمین می‌کردند و با وجود اخبار پرشمار مربوط به مشارکت عمومی تأسیس شرکت همچنان منوط به جلب حمایت سهام داران عمده بود. دو تن از سهامداران عمده که در تأسیس کارخانه به کمک آنها نیاز بود، حاج حسین امین‌الضرب و زین‌العابدین تقی‌اف بودند. امین‌الضرب قبل از خرید کارخانه یک مهندس فرانسوی به نام مسیو بوتن را از تهران به اصفهان مأمور کرد تا مطالعاتی را برای راه‌اندازی دو کارخانه ریسمان تابی و چلوار بافی را آغاز کند. بنا بود کارخانه در کنار زاینده رود احداث شود.<sup>۳</sup> مسیو بوتن ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷ق به اصفهان آمد و به مدت ۱۰ روز در خارج شهر اصفهان و اطراف رودخانه زاینده رود برای یافتن محل مناسب برای کارخانه ریسمان تابی و چلوار بافی جستجو و مطالعه کرد.<sup>۴</sup> در مورد حاجی زین‌العابدین تقی‌اف نیز خبری در دست است که در آن گفته شده تقی‌اف برای خرید دستگاه‌های صنعتی و کارخانه خواستار ضمانت دولتی در سرمایه گذاری بود. دلیل اصلی ضمانت خواستن از دولت برای خرید یک کارخانه که شرکت اسلامیة سفارش آن را داده بود، این بود که شرکت اسلامیة از شخص تقی‌اف خواست بخشی از هزینه خرید کارخانه را در مقام سهام دار شرکت بپردازد و تقی‌اف نیز برای اینکه سرمایه او در اثر حوادث نه چندان غیر مترقبه از میان نرود خواستار ضمانت دولتی شد.<sup>۵</sup> شرکت پاسخ داد به حمدالله رجال دولت ابد آیت ایران از هر گونه همراهی با شرکت اسلامیة دریغ نفرموده‌اند اما ضمانت دولت رسم ایران نیست!<sup>۶</sup> اخباری در باره خرید تجهیزات کارخانه‌ای از کشورهای اروپایی در روزنامه‌ها منتشر شده ولی از جزئیات

۱. ثریا، شماره ۳۷، سال ۲ (جمادی الاول ۱۳۱۸ق)، ص ۱۲.

۲. ثریا، شماره ۴، سال ۳ (شوال ۱۳۱۸ق)، ص ۴.

۳. ثریا، شماره ۷، سال ۲ (رجب ۱۳۱۷ق)، ص ۱۷.

۴. ثریا، شماره ۱۰، سال ۲ (شعبان ۱۳۱۷ق)، ص ۱۳.

۵. حیل‌المتین، شماره ۳، سال ۸ (رجب ۱۳۲۰ق)، ص ۱۷.

۶. حیل‌المتین، شماره ۴۴، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۵.

این خریده‌ها سخنی به میان نیامده است.<sup>۱</sup> در شوال ۱۳۱۸ق مدیر شرکت اسلامیة از طریق نامه‌ای به امین السلطان، صدراعظم وقت، در خواست کرد که مظفرالدین شاه موافقت کرده و دستوری صادر کند تا از این پس امتیاز تهیه پارچه برای تهیه لباس پرسنل نظامی حکومت به شرکت اسلامیة داده شود. مظفرالدین شاه با این درخواست مخالفت نکرد ولی شک داشت که شرکت اسلامیة بتواند نیاز پوشاک همه نیروهای نظامی را برآورده سازد. او به هر حال به صدر اعظم توصیه کرد که از شرکت اسلامیة خرید کنند.<sup>۲</sup>

### شعبه‌های شرکت اسلامیة

شرکت اسلامیة به زودی شعبات متعددی در داخل و خارج کشور، تأسیس کرد. شعبه‌های شرکت اسلامیة را نمایندگان شرکت که از آن‌ها با نام وکلای شرکت نیز یاد می‌شد، اداره می‌کردند. این وکلا علاوه بر عرضه محصولات شرکت اسلامیة اختیار داشتند که برای متقاضیان عضویت در شرکت سهام مشارکت تهیه کنند. فهرست شعبه‌های شرکت و وکلای شرکت اسلامیة در آخر نظامنامه جدید شرکت اسلامیة در سال ۱۳۲۰ق منتشر شده است. شعبه‌های زیر آن دسته از نمایندگی‌های شرکت هستند که خبر مستقلی از آنها در روزنامه‌ها منتشر شده است. شعبه‌های در داخل کشور عبارت بودند از:

**اهواز (بندر ناصری)**، فعالیت شرکت اسلامیة در اهواز در حدود ذی‌قعدة ۱۳۱۶ق آغاز شده بود و محمد رحیم بهبهانی و کیل شرکت در اهواز بود. اما فعالیت خاصی از آن گزارش نشد. ظاهراً وکیل شرکت در اهواز با کمپانی خارجی لنج مشکلاتی داشت.<sup>۳</sup>

**بوشهر**، در بوشهر آقا سیدمحمدرضا صاحب تاجر کازرونی وکالت شرکت اسلامیة را قبول کرد و در صدد بود در کنار تجارتخانه خویش یک آفیس (شعبه) برای شرکت اسلامیة بر پا کند. او در یک مرحله ۳ هزار تومان از منسوجات شرکت را خریداری کرد. همچنین دریا بیگی از نخستین مشتریان محصولات شرکت در بوشهر بود و برای تشویق کار شرکت همه محموله منسوجات را خرید و در پی آن شرکت اسلامیة تلگرافی به عنوان تشکر منتشر کرد.<sup>۴</sup> روزنامه *ثریا* در رجب ۱۳۱۸ق می‌نویسد «آفیس شرکت اسلامیة همه روزه باز است و

۱. برای نمونه نگاه کنید: پرورش، شماره ۶، سال ۱ (ربیع الاول ۱۳۱۸ق)، ص ۱۶.

۲. برای رونوشت مکاتبات نگاه کنید: روزنامه *ادب*، چاپ مشهد، شماره ۱۸ (محرم ۱۳۱۸ق)، ص ۱۳۹.

۳. *حبل‌المتین*، شماره ۳۷، سال ۷ (ربیع الثانی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۷-۱۸.

۴. *حبل‌المتین*، شماره ۲۴، سال ۷ (محرم ۱۳۱۸ق)، ص ۱۵-۱۶؛ *ثریا*، شماره ۲۶، سال ۲ (صفر ۱۳۱۸ق)، ص ۷-

۸؛ همان، شماره ۲۹، سال ۲ (ربیع الاول ۱۳۱۸ق)، ص ۱۱؛ نیز نگاه کنید: حسینی کازرونی، سید محمد رضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر، ۹۰.

اجناس ممتاز آورده‌اند و اهالی رغبت فوق‌العاده به پوشیدن منسوجات وطنیه دارند»<sup>۱</sup>. تهران، در آغاز کار شرکت اسلامیة میرزا احمد امین‌الصنایع همدانی که وکیل روزنامه حکمت بود، در تهران امور مربوط به خرید سهام متقاضیان را انجام می‌داد.<sup>۲</sup> ظاهراً استقبال از شرکت اسلامیة در تهران قابل ملاحظه بوده است.<sup>۳</sup> به پیشنهاد امین‌الصنایع خود او و حاجی حسین آقا امین‌الضرب و حاجی میرزا حبیب‌الله تاجر کاشانی به عنوان وکلای شرکت در تهران تعیین شدند. امین‌الضرب ریاست شعبه تهران را بر عهده داشت و در ربیع الثانی ۱۳۱۷ق شعبه شرکت در تهران و در کاروانسرای امیر رسماً افتتاح شد.<sup>۴</sup> خود امین‌الصنایع هم مدیر شعبه تهران شد.<sup>۵</sup> به همین دلیل در تهران سه مغازه برای ارائه محصولات شرکت به نام این سه تن تأسیس شد.<sup>۶</sup> شعبه‌ها یکی در کاروانسرای امیر،<sup>۷</sup> دیگری در خیابان لاله‌زار<sup>۸</sup> و سومی در جلیل آباد قرار داشت.<sup>۹</sup>

**سنندج**، آقا میرزا ابوالقاسم تبریزی در سنندج نمایندگی شرکت را داشت.<sup>۱۰</sup> **شیراز**: شیراز همان شهری است که سید جمال‌الدین واعظ در نامه‌ای یادآور شده بود که کسی از اهالی آنجا قصد همکاری با شرکت اسلامیة را ندارد. اما در سه شنبه ۲۴ ذی‌حجه ۱۳۱۷ق شرکت اسلامیة در شیراز شعبه‌ای افتتاح شد. میرزا محمدحسین معروف به شیرازی از تجار سرشناس شیراز در کاروانسرای قوام‌الملک و در حجره شخصی خود با دعوت از جمعی از تجار و رجال حکومتی شعبه شرکت اسلامیة را افتتاح کرد. در این مراسم سیدجمال‌الدین واعظ نیز حضور داشت.<sup>۱۱</sup> پیش‌تر شرکت اسلامیة اعلام کرده بود که حاجی عبدالرحمن صاحب شیرازی، مدیر کمپانی فارس، وکیل شرکت اسلامیة در شیراز است.<sup>۱۲</sup> صورت اسامی اشخاصیکه در مراسم افتتاح شعبه شیراز حضور داشتند عبارت بود از شریعتمدار آقا حاجی شیخ‌الرئیس، نصرالملک وزیر، اعتمادالسلطان بیگلربیگی،

۱. ثریا، شماره ۴۳، سال ۲ (رجب ۱۳۱۸ق)، ص ۱۰.
۲. خلاصه‌الحوادث، شماره ۱۳۲، ذی‌حجه ۱۳۱۶ق؛ حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۸-۹.
۳. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.
۴. خلاصه‌الحوادث، شماره ۲۰۹، ربیع الثانی ۱۳۱۷ق.
۵. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.
۶. حبل‌المتین، شماره ۴۵، سال ۷ (جمادی الثانی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۷؛ نیز نگاه کنید: پرورش، شماره ۱۵، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۵.
۷. ایران، شماره ۹۸۲ (جمادی الثانی ۱۳۱۸ق)، ص ۱.
۸. ثریا، شماره ۵۱، سال ۱ (جمادی الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۲۰.
۹. ایران، شماره ۹۹۱، ص ۳.
۱۰. حبل‌المتین، شماره ۴۴، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۰.
۱۱. حبل‌المتین، شماره ۲۷، سال ۷ (محرم ۱۳۱۸ق)، ص ۱۲؛ ثریا، شماره ۲۶، سال ۲ (صفر ۱۳۱۸ق)، ص ۵-۶.
۱۲. حبل‌المتین، شماره ۱۸، سال ۷ (ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.

انتظام‌الممالک امیر تومان، رئیس‌التجار، رئیس و مدیر پستخانه‌های فارس، حکیم‌باشی میرزا محمدحسین حکیم، میرزا محمودخان مترجم اول بانک، میرزا عبدالحسین مستوفی، حاجی عبدالرحمن رئیس کمپانی تجارته فارس، سیدجمال‌الدین صدرالواعظین اصفهانی.<sup>۱</sup>

**کاشان**، میرزا فرج‌الله قزوینی مقیم کاشان با خرید قدری از منسوجات شرکت قصد فعالیت در کاشان داشت. او با دعوت از حاجی سیدنصرالله مجتهد و دیگران جشنی برای رونمایی از محصولات شرکت برپا کرد. به گزارش دیگر حاجی سیدنصرالله مجتهد نیز در خانه خود و هم‌زمان با ۱۷ ربیع‌الاول میلاد حضرت رسول(ص) جشنی برگزار کرد و از تجار و عموم مردم کاشان دعوت نمود تا از محصولات شرکت اسلامی خرید کنند. شعبه اصلی شرکت اسلامی در کاشان واقع در سرای بروجردی‌ها و به ریاست میرزا فرج‌الله تاجر پسر آقا عبدالباقی تاجر قزوینی بود.<sup>۲</sup> علاوه بر این سه تن از تجار کاشان به نام‌های حاجی میرزا عبدالباقی، حاجی سید احمد، آقا محمدعلی ملک‌التجار در سفری که به اصفهان داشتند از دفتر شرکت بازدید کردند و آقا محمدعلی ملک‌التجار متعهد شد محصولات شرکت اسلامی را در کاشان رواج دهد.<sup>۳</sup>

**کرمانشاه**: حاجی عبدالعظیم اصفهانی وکالت شرکت در کرمانشاه را داشت و به نوشته حبل‌المتین او با برگزاری جشنی نخستین بار محصولات شرکت را با حضور حاجی شیخ عبدالحسین واعظ و حجة‌الاسلام آقای حاجی آقا در خانه خود برای خرید مردم عرضه کرد.<sup>۴</sup>

**یزد**: حاجی شیخ محمدمهدی طهرانی و جناب آقا میرزا محمدباقر افشار تاجر یزدی نماینده شرکت بودند. ظاهراً یزد از نخستین شهرهایی بود که متقاضی داشتن شعبه شرکت اسلامی بود.<sup>۵</sup>

اخبار مربوط به شعبه‌های شرکت اسلامی در خارج از مرزهای ایران نیز شامل شعبه‌ها و نمایندگی‌های زیر می‌شود:

**استانبول**: برادران جواهری‌زاده اصفهانی و حاجی میرزا محمد شفیع‌آقا امین‌التجار اصفهانی وکلای شرکت بودند.<sup>۶</sup>

**بادکوبه (باکو)**: در بادکوبه حاجی زین‌العابدین تقی‌اف و پسر او نمایندگی شرکت اسلامی

۱. ثریا، شماره ۲۶، سال ۲ (صفر ۱۳۱۸)، ص ۶-۷.

۲. ثریا، شماره ۳۷، سال ۲ (جمادی‌الاول ۱۳۱۸ق)، ص ۱۴-۱۵؛ حبل‌المتین، شماره ۲، سال ۸ (جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۳-۱۴.

۳. حبل‌المتین، شماره ۴۴، سال ۷ (جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۵.

۴. حبل‌المتین، شماره ۳۸، سال ۷ (ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۴.

۵. حکمت، شماره ۸، سال ۸ (ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۹.

۶. ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی‌الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.

را پذیرفتند.<sup>۱</sup> تقی‌اف از اتباع ایران به شمار نمی‌آمد و ظاهراً به همین دلیل بیشتر به منظور خرید تجهیزات و سایل کارخانه‌ای برای شرکت اسلامی با این شرکت همکاری داشت و شرکت اسلامی محصولات خود را در فروشگاه‌های دیگر باکو ارائه می‌کرد. همچنین عبدالمحمد علی‌اف تاجر از سوی تقی‌اف به عنوان نماینده شرکت در تفلیس تعیین شده بود و در هشتدرخان علی محمدحسن‌اف تاجر اصفهانی به عنوان نماینده شرکت تعیین شده بود.<sup>۲</sup> چندی بعد در ربیع الثانی ۱۳۲۰ق فخیم‌الملک، نماینده دولت ایران در آن شهر، از تاجر و ایرانیان مقیم بادکوبه دعوت کرده و با برگزاری مجلسی حصار را تشویق به خرید محصولات شرکت اسلامی کرد. امین‌التجار تاجر رشتی قصد داشت محصولات شرکت را در مناطق دیگر روسیه نیز عرضه کند. میرزا محمد، وکیل شرکت اسلامی، مقیم بادکوبه خطاب‌ای در حمایت از محصولات شرکت قرائت کرد.<sup>۳</sup>

**بغداد:** سه تن از تاجر و نمایندگان دولت ایران در بغداد یعنی حاجی سیدحسین مشهور به حکاک اصفهانی و معروف به سیدحسین افندی (یا حسنی افندی)، میرزا سیدمحمدکاظم طباطبائی (تاجر اصفهانی) و مشاورالملک کارپرداز دولت ایران در بغداد، وکالت و نمایندگی شرکت اسلامی را داشتند. به مناسبت آغاز کار شرکت مشاورالملک مجلسی از اعیان و اکابر ایرانی و غیر ایرانی برپا کرده و محصولات شرکت را به متقاضیان عرضه کردند<sup>۴</sup> در این جلسه حاجی سید محمد حسین حکاک اصفهانی خطبه‌ای قرائت کرد.<sup>۵</sup>

**بمبئی،** حاجی سلطانعلی شوشتری و حاجی محمدجواد عرب تاجر کرمانی و کلای شرکت در بمبئی بودند.<sup>۶</sup>

**قاهره:** آقا میرزا محمدجواد تاجر مشکی و میرزا علی‌محمدخان کاشانی مدیر روزنامه ثریا وکیل شرکت بودند.<sup>۷</sup> همچنین نمایندگی روزنامه ثریا در اصفهان بر عهده دفتر شرکت اسلامی بود.<sup>۸</sup> شعبه شرکت اسلامی در قاهره با حضور مستنصر السلطنه وزیر مقیم و ژنرال کنسول دولت ایران افتتاح شد.<sup>۹</sup>

۱. ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.

۲. ثریا، شماره ۴، سال ۳ (شوال ۱۳۱۸ق)، ص ۴.

۳. حیل‌المتین، شماره ۴۳، سال ۹ (جمادی الاول ۱۳۲۰ق)، ۱۷-۱۹.

۴. حیل‌المتین، شماره ۲۵، سال ۷ (محرم ۱۳۱۸ق)، ص ۲۴؛ ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.

۵. ثریا، شماره ۲۷، سال ۲ (صفر ۱۳۱۸ق)، ص ۶.

۶. ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.

۷. ثریا، شماره ۲، سال ۲ (جمادی‌الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۱؛ ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.

۸. ثریا، شماره ۱۲، سال ۲ (رمضان ۱۳۱۷ق)، ص ۱۴.

۹. ثریا، شماره ۴۴، سال ۲ (شعبان ۱۳۱۸ق)، ص ۵.

**کلکته، مویداالاسلام** مدیر روزنامه *حبل‌المتین* وکیل شرکت بود.<sup>۱</sup>  
**لندن، حاجی میرزا اسدالله** صاحب تاجر کاشانی و حاجی علی‌اکبر صاحب تاجر کاشانی  
وکیل شرکت در لندن بودند.<sup>۲</sup>  
**مسکو، امیرزا نعمت‌الله** تاجر اصفهانی و آقا محمدباقر تاجر اصفهانی وکلای شرکت  
بودند.<sup>۳</sup>  
**سمرقند:** در سمرقند میرزا اسدالله تاجر کاشانی اظهار تمایل کرده بود که از محصولات  
شرکت خریداری کند.<sup>۴</sup>

### پرداخت سود سهام به شرکا و عاقبت کار شرکت اسلامی

شرکت اسلامی در چند نوبه به صورت شش ماه و سالانه سود سهام را به شرکاء پرداخت  
کرد و صورت دخل و خرج خود را در روزنامه‌های آن زمان منتشر کرد. در ماه رجب ۱۳۱۷ق  
سود شش ماه شرکت به قرار صدی بیست و هفت پرداخت شد.<sup>۵</sup> نیز در آخر ذی‌حجه همان  
سال محاسبات ۶ ماه به قرار صدی شانزده و نیم [در مقیاس سالانه] پرداخت شد.<sup>۶</sup> بنا به  
گزارش روزنامه *چهره‌نما*<sup>۷</sup> این شرکت صورت حساب دخل و خرج خود را در سال ۱۳۲۱ق  
منتشر کرد. اما به تدریج کار شرکت از رونق افتاد و زبان روزنامه‌ها به کنایه باز شد که  
«اول عجب عرابه راه انداختند و بی‌علمی و بی‌همتی مردم نگذاشت قسمی که می‌خواستند  
بشود».<sup>۸</sup> شرکت اسلامی آخرین صورت جمع و خرج سالانه خود یعنی سال هفتم را از آغاز  
محرم ۱۳۲۲ق تا آخر جمادی الاخر ۱۳۲۳ق یعنی به مدت ۱۸ ماه در روزنامه *چهره‌نما*  
منتشر شد. در پایان این صورت حساب آمده است:

«شرکای هر نقطه، در عرض این مدت سهام خود را فرستاده و جوهات خود را دریافت  
نمودند. چندان شریکی باقی نیست الا چند نفر از آشنایان مخصوص داخل و خارج و چند  
نفر معدودی متفرقه که *إن شاء الله* در غره محرم الحرام سنه ۱۳۲۴ کل حساب تفریق و طبع  
و توزیع و اعلان خواهد شد که اگر چهار نفری دیگر هم باقی است، سهام خود را تبدیل به

۱. ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.
۲. ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۱-۱۲، علاوه بر این نگاه کنید: حکمت، شماره ۱۳، سال ۸ (جمادی الثانی ۱۳۱۷ق)، ص ۵-۶.
۳. ثریا، شماره ۴۹، سال ۱ (جمادی الاولی ۱۳۱۷ق)، ص ۱۲.
۴. *حبل‌المتین*، شماره ۴۴، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۱.
۵. *حبل‌المتین*، شماره ۴۴، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۱.
۶. *حبل‌المتین*، شماره ۴۴، سال ۷ (جمادی الاولی ۱۳۱۸ق)، ص ۱۱.
۷. *چهره‌نما*، شماره ۴، سال ۱ (ربیع الاول ۱۳۲۲ق)، ص ۷.
۸. *چهره‌نما*، شماره ۴، سال ۱ (ربیع الاول ۱۳۲۲ق)، ص ۷.

نقدی نموده ما را آسوده نمایند و بعد از تفریق حساب سابق اسلامیة و رفع مداخله معاندین امید است به لطف الهی منسوجات اسلامیة را ترقی دهم و هم نگذارم این نام مبارک به ننگ سمر شود. امضاء حاج محمد حسین کازرونی»<sup>۱</sup>.  
به این ترتیب شرکت اسلامیة در پایان سال ۱۳۲۳ ق به فعالیت خود پایان داد.

### کتابچه قواعد یا نظامنامه شرکت

شرکت اسلامیة نخستین نظامنامه خود را با عنوان «کتابچه قواعد شرکت اسلامیة» که در ذی‌قعدة ۱۳۱۶ ق تنظیم شده بود، در اوایل سال ۱۳۱۷ ق و حدود ۲ ماه پس از انعقاد شرکت منتشر کرد.<sup>۲</sup> نظامنامه نخست ۱۴ فصل داشت و در آن شرکت اسلامیة، مدیر و رئیس و وکلای آن معرفی شده بودند. سرمایه شرکت به میزان ۱۵۰ هزار تومان تعیین شده بود و شرکت قصد داشت کارخانه ریسمان تابی راه‌اندازی کند. شرکت اسلامیة پس از این هم دست کم دو بار اقدام به انتشار نظامنامه و کتابچه قواعد شرکت کرد. عکسی از نظامنامه دوم با عنوان «کتابچه نظامنامه شرکت اسلامیة اصفهان» در مجموعه قبالة تاریخ به کوشش مرحوم ایرج افشار منتشر شده است و همین متن به صورت کامل در روزنامه‌های حکمت<sup>۳</sup> و ثریا<sup>۴</sup> نیز به چاپ رسیده است. در نظامنامه دوم مقدمه‌ای نسبتاً مفصل وجود دارد که در آن به اهمیت تشکیل شرکت برای رفع نیاز از محصولات نساجی وارداتی تأکید شده است. سومین نظامنامه شرکت با عنوان «قانون نامچه جدید شرکت اسلامیة» در روزنامه حبل‌المتین، شماره‌های ۳۰ تا ۳۷ از سال ۹ آن، منتشر شده است.  
متن نظامنامه نخست که در حبل‌المتین منتشر شده، به شرح زیر است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. چهره نما، شماره ۱۶، سال ۲ (ربیع الاول ۱۳۲۴ ق)، ص ۱۱-۱۲.
۲. حبل‌المتین، شماره ۲۹، سال ۶ (محرم ۱۳۱۷ ق)، ص ۳۴۳؛ و ادامه آن در حبل‌المتین، شماره ۳۰، سال ۶ (صفر ۱۳۱۷ ق)، ص ۳۵۴.
۳. حکمت، شماره ۱۳، سال ۸ (جمادی الثانی ۱۳۱۷ ق) ص ۳-۶.
۴. ثریا، شماره ۳۳، سال ۱، ص ۱۲-۱۴.

## کتابچه قواعد شرکت اسلامیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ

بر ارباب دانش و اصحاب بینش آشکار است که قوام و ترقی دولت و ملت و رفاه ارکان و رعیت منوط به اتحاد و اخوت و جلب منافع و سلب مضرت است و اعمال آن مربوط به اتفاق عمومی و تجارت است که به مصداق آیه وافی هدایه: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ به معاونت یکدیگر اقدام به بر و احسان نمایند تا از نتیجه آن فایده برند و از عصبانِ عداوت کناره گیرند تا از شرور نفاق صدمه نخورند سعادت ابدی حاصل از حفظ حقوق یکدیگر است که در حزن و سرور و اندوه و سور شریک هم باشیم و به اقتضاء و استظهار یکدیگر از شر اندراس و خرابی محفوظ بمانیم کما قال النبی(ص) «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» ولی این لطیفه شریفه صورت نیندد مگر به حفظ حقوق نوع و تحصیل نفع عموم و مراتب مزبوره ممکن نشود جز به اتفاق افراد بر تشکیل شرکت اتفاقیه و تأسیس تجارت اتحادیه و ترقی صنایع و ترویج اختراعات و ابداع کارخانجات لازمه که اسباب اشتغال بیکارهای مملکت و هم تشویق اهل حرف و صنایع گردد و سبب احتیاج از غیر و صرف نقود که ناموس ملک است در داخل مملکت شود و ضمناً اصلاح مفاسد احوال برادران وطن گردد که به مصداق إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ در موقع رحمت ایزدی واقع شویم و هم بعضی که از راه الجاء بمعامله ربا گرفتارند در ادخال به این شرکت از منافع محرمه آسوده باشند نظر به فرمایشات شرع شریف و اشارات عقل منیف جمعی از غیرتمندان با فتوت و وطن پرستان با مروت محضاً لله و خدمت به عوالم اسلامیة از اهالی دارالسلطنه اصفهان که قبه الاسلام ایران است دامن همت بکمر زده رفاه حال فقرا را خواستار شده از بذل مال و صرف اوقات شریفه مضایقه نکرده تأسیس اداره شرکت اسلامیة را که شامل خیر کثیر و آسودگی جم غفیر و به منطوقه «البركة للجماعة»<sup>۱</sup> است نمودند مبنی بر یک مقدمه و چهارده فصل و خاتمه و از روز پنجشنبه بیست و ششم شوال سنه ۱۳۱۶ اداره مفتوح و بدوا مشغول خرید منسوجات داخله شده بیک درجه هم در ظرف این مدت قلیل کامیاب شده تمام اهالی اصفهان با کمال شوق و جوشش برادری در اجرای مقاصد شرکت اظهار مشرت و خوشوقتی می نمایند از بلاد قریبه و بعیده تاکنون چند خط تبریک به اداره رسیده و ضمناً طالب شرکت اسلامیة گردیده خود را شامل شرکاء فرموده اند و از اداره مذبوره ملبوس و غیره از هر قبیل خواسته اند و به جهت ایشان فرستاده شد.

۱. متن حدیث نبوی به دو صورت «البركة في الثلاثة في الجماعة والثريد والسحور» و «كلوا جميعاً ولا تفرقوا فإن البركة مع الجماعة» در دفاتر حدیث آمده است.



**مقدمه،** عقد شرکت واقع شد فیما بین علمای اسلام و امرای گرام تجار ذوی المجد والاحترام و کسبه عالی مقام و غیره از خواص و عوام در دار السلطنه اصفهان به شرایط فصول چهارده‌گانه ذیل که در ضمن عقد خارج لازم شرعی با شرکا و وکلا و رئیس شرط شد.

**فصل اول،** اسم و مهر و عنوان مکاتبات و مخابرات تلگرافی این شرکت (شرکت اسلامیة اصفهان)

**فصل دوم،** رئیس این شرکت جناب مستطاب فخامت نصاب عمده التجار افتار الحاج حاجی محمد حسین صاحب تاجر کازرونی زید مجده میباشند.

**فصل سوم،** وکلاء این شرکت چهار نفراند به موجب ذیل: جناب حاجی میرزا محمد مشکی زیده مجده تاجر اصفهانی، جناب حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی زیده مجده، جناب حاجی میرزا اسد الله تاجر اصفهانی شهیر به نقشینه زیده مجده، جناب حاجی محمد کاظم تاجر اصفهانی شهیر به مثقالی زیده مجده. و شرط در ضمن العقد خارج لازم شد هر طور جناب رئیس کل و جنابان وکلاء مرقومه صلاح و خیر شرکا را بدانند معمول دارند.

**فصل چهارم،** مدیر این شرکت جناب حاجی میرزا علی نقشینه [ادیب التجار] را قرار دادند که به استحضار جناب رئیس کل مشغول امورات اداره و انضباط دفاتر و محاسبات بوده باشند

**فصل پنجم،** سرمایه شرکت یکصد و پنجاه هزار تومان است به پانزده هزار سهم و سهمی ده تومان قران مظفرالدین شاهی رایج ایران است که به موجب اوراق علیحده طبع و به مصرف می‌رسد.

**فصل ششم،** تجارت شرکت اسلامیة داد و ستد اجناس منسوجات اصفهان و داخله ایران و ترویج امتعه و ترقی صنایع و مهیا نمودن کارخانه ریسمان تابی است که هم رفع احتیاج شود و هم جمعی از اهل وطن مشغول کار و صنعت باشند.

**فصل هفتم،** بر حسب «وَشَاوَرَهُمْ فِي الْأَمْرِ» هر پانزده روز پنجشنبه وکلاء مرقومه به استحضار رئیس کل اداره حاضر شده به دفتر محاسبات رسیدگی فرموده مطلبی که مصلحت شرکاء باشد معین نموده به دست مدیر داده معمول دارند.

**فصل هشتم،** هر یک از وکلاء مسافر شوند رئیس کل و سه نفر دیگر هر کس به صلاح دانند به جای او نصب نمایند و چنانچه یکی را از حضور مجالس مشاوره عذری باشد در فیصل امورات سه نفر دیگر مصلحت بینی نموده معمول دارند.

**فصل نهم،** محاسبات شرکت را مدیر محترم هر ساله یک مرتبه صاف نموده منافع را بعد از وضع مخارج و خدای نخواستہ خسران با خلاصه حساب یکساله و امضای رئیس کل و وکلا و عظام به صاحبان سهام رسانیده قبض وصول دریافت و ضبط نمایند.

**فصل دهم،** چنانچه خدای نخواستہ احدی از شرکاء فوت شود تنخواه او حق وارث شرعی

اوست و شرکت او بر قرار است و هر یک از شرکاء بخواهند سهم خود را به دیگری به عنوان بیع یا صلح یا هبه یا رهن منتقل نمایند ممضی است مشروط بر آنکه به رئیس کل اطلاع دهند تا در دفتر سهم او را ثبت و در ظهر همان سهم خبر دهند که بعدها بر دهنده یا گیرنده ایرادی نباشد.

**فصل یازدهم،** هر کس از داخل و خارج مرجوع به اداره شرکت اسلامیة نماید در خرید و فروش نهایت اهتمام در کار او خواهد شد و حق‌العمل آن جزء منافع شرکت است.

**فصل دوازدهم،** با عدم فروش اجناس در اصفهان، رئیس کل به اطلاع و کلاء اربعه مختارند جنس موجودی شرکت را به بلاد دیگر حمل نمایند که به فروش رسد و و کلاء بلاد ایران بعدها معلوم خواهد شد.

**فصل سیزدهم،** چون قصد شرکاء در نفس الامر اقدام به خیرات و خدمت به عوالم اسلامیة است بر خود ختم نمودند که ملبوس و مایحتاج خود را از منسوجات و غیره از اداره شرکت خریده و جهش را نقد ادا نمایند.

**فصل چهاردهم،** محل اداره کاروانسرای جناب فخامت نصاب افتخار الحاج حاجی محمد حسین صاحب کازرونی میباشد هر کس را از داخل و خارج کاری باشد رجوع به آن محل نماید و بعدها به جهت سهولت امر خرید از آن در بازار دکانی مفتوح خواهد شد و به فروشندگان امین واگذار خواهد شد که از هر قبیل منسوجات و غیره در او موجود باشد به جهت فروش.

**خاتمه،** هر کس از هر شهر و هر بلد و هر قریه طالب شراکت است به اداره رجوع نماید و تنخواه سهام را هر قدر مایل باشد به اداره بفرستد سهام مسجل و ممضی به جهت او فرستاده می‌شود و از هر جا مستوره<sup>۱</sup> منسوجات و ملبوس از زرری و بنارس و ابریشمی و پشمی و ریسمن بخواهد به اداره اطلاع دهد با همان پست با عرض و طول و قیمت آن فرستاده می‌شود و هر نمونه بفرستند مطابق بافته و به قیمت مناسب ارسال می‌شود و چون اداره مبارکه شرکت اسلامیة با اداره جلیله کمپانی مسعودیه هم جوار و در یک قطار است و ریاست هر دو تحت اختیار سرکار جلالت آثار حاجی محمدحسین صاحب تاجر کازرونی است و ترقی کمپانی مسعودیه از توجه جناب معظم‌الیه است چنانچه ضرب‌المثل بین الاقران می‌باشد معوم داخله و خارجه اعلام می‌شود هر کسی را که به هر یک از این دو اداره رجوعی یا خواهشی باشد به گماشتگان جناب معظم‌الیه رجوع نماید به این عنوان اطلاع دهد: رئیس کل اداره شرکت اسلامیة یا رئیس کل اداره کمپانی مسعودیه.

حاجی محمد حسین کازرونی

وکان ذالک فی شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۱۶

۱. مستوره یعنی نمونه کالا.

## متن نظامنامه دوم شرکت اسلامیة

یدالله فوق ایدیهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

(اخطار و نظامنامه)

### (شرکت اسلامیة اصفهان)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، در این عصر فرخنده حصر که حضرت علی اعلیٰ تخت کیانی و اریکه جهانبانی را به جلوس سعادت مانوس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه اسلام پناه مظفرالدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه زیب بخشید و توجه اولیای دل آگاه ترقی خواه دولت علیه را به طرف ترقی ارباب صنایع و اصحاب بدایع منعطف گردانید، چنانچه شرکت اسلامیة چهار ماه است منعقد و شروع شده امروز نوای دل آرای صعودش آفاق را گرفته و روز افزون گردیده است. لهذا مجملی در اصل و مقصود از اتفاق و شراکت می‌نگاریم.

شرکت یا کمپانی مقصود تحصیل قوه مقتدری است برای موفق گشتن به مقاصد عالیہ. غالب پی به این اس اساس تعیش و زندگانی نبرده‌اند و چون نفوس جامعه توجه به امر خیری کنند به فحوای «یدالله مع الجماعة» خداوند تأیید فرماید و دست غیبی مدد کند که وسیله و انتفاع عموم است که «البركة للجماعة» چنانچه ملاحظه کنیم که حال در ممالک متمدنه عالم از هر طبقه حتی کفاش و تجار و غیره تماماً کمپانی می‌شوند و به دست آوردن فواید را به اتفاق می‌دانند تا چه رسد به تجار و سایر شعب.

حال کمی تصور کنیم که شرکت به چه کارها خواهد رسید. بلی همین است که آب رفته ما را به جوی آرد و رشته گسیخته تجارت داخله ما را محکم خواهد نمود، ملک و وطن ما را آباد و صنایع منقرض شده ما را حیات می‌دهد و ما را از دست احتیاج به امتعه خارجه می‌رهاند. قماش‌های قلب فاسد شده خارجه را که در عوضش روح و ثروت مملکت ما می‌رود موقوف دارد. صنایع استادان خود ما را که فعلاً جاذب انظار تمام صنعت‌گران عالم است و در تماشاخانه‌های خارجه به یادگار در کمال احترام نگه می‌دارند به حال اولین عود می‌دهد، راه‌های مملکت را شوسه و آهن کرده حمل و نقل ما را سهل خواهد نمود. از قحط سالی و تعدی محتکرین بی‌انصاف نجاتمان می‌دهد. اطفال ما را تربیت می‌کند. در سال که هزارها از نفوس و برادران دینی ما به خارجه مسافرت کرده در کمال ذلت به مزدوری غیر مذهب ما جان شیرین می‌سپارند به کار و شغل داخله مملکت باز خواهد داشت.

هر گاه از هزاران یکی از منافع و مفایدش را بخواهیم بر شماریم این صحیفه را گنجایش نخواهد داشت ولیک محض اطلاع عموم غیرتمندان وطن و هواخواهان عالم انسانیت عرض می‌کنیم که به حمدالله از توجه حضرت امام عصر عجل‌الله تعالی فرجه و همت و

مردانگی جمعی از مسلمانان شاه دوست و وطن پرست و ملت خواه در شهر ذوالقعدة ۱۳۱۴ در شهر اصفهان که قبة الاسلام و چون سلطان قلب ایران است شرکتی مسمی به «شرکت اسلامیة» منعقد گشته و در این چند ماه ترقیات کلیه نموده، اقمشه که بفرمایش این شرکت در آن شهر که دارالصنایع ایران است زینت افروز بازار اصفهان و طهران و غیره شده، الحق هوشیاران را دقیقه به دقیقه قلب را روشن و روح را تفریح داده است.

چون در این مدت این شرکت به یک اندازه خصوصی بود نه عمومی ولیک از ذوق و شوق کار آگاهان مملکت و هواخواهان ایرانی نژاد، عمومیت این اساس مقدسه رسمی گردید و به اشاره جزیی روزنامجات مبلغ‌های معتنابه غیرتمندان حاضر نموده مشتری اسهام گشتند. از آن جا که آراء رؤسای محترم به عمومیت این شرکت قرار گرفته، فقط محض آن که طبقات خلق مستحضر باشند این مختصر اعلام و چند فصل نظامنامه او به یاری خدا و یاری امام عصر علیه‌السلام طبع و منتشر می‌گردد که تمام هم وطنان محترم آگاه شوند. مخصوص در قیمت اسهام شرکت خیلی مختصر ملاحظه شده که از هر طبقه خلق بتوانند خود را بر این اساس داخل نموده یوسف آسا اسهام این بنا را به جان و دل خریداری نمایند. هم از منافع فوق‌العاده آن بهره‌ور گشته و هم مال خود را به امین‌تر معتبرترین صندوق امانت مملکت سپرده و در واقع نیز خدمتی به دولت و ملت نموده باشند و در صفحه تاریخ ایران نام نامی خود را از جهت افتخار اعقاب و آیندگان به یادگار گذارند و معنی کسب و تجارت و بردن فایده را بدانند.

چون تا حال نه تجار و نه کسبه ما معنی و لذت کسب را نچشیده بلکه واضح‌تر گوئیم از چهل سال به این طرف تمام تجار ما هر یک به قدر وسع و تنخواه خود مزدور و کار کن کمپانی‌های خارجه بوده‌اند که مالی از خارج آورده به ده یک و ده یک و نیم منافع که همان اجرت مزدوری خود و تنخواه خود است، بردارند و حال آن که تجار خارجه همه وقت از یک تومان پنج قران در سال منافع می‌برند به طریق یقین ان‌شاء الله به توجه امام زمان همین شرکت اسلامیة در سال اول معنی تجارت را به تجار و کسبه ممالک ما خواهد فهمانید که علاوه بر فواید روحانی دولتی و ملتی و مملکتی کمتر از تومانی دو سه قران فواید نخواهد نمود و کذالک اشخاصی که از عدم وصول به منافع تجارت گرفتار معاملات ربوی و مؤاخذ دنیا و آخرت و معاتب خدا و پیغمبر می‌باشد دلالت و راه نمایی می‌کند به فایده حلال شرکت که هم پول آن‌ها در محل معتبر گذاشته می‌شود و هم هر چه از منافعش عایدشان شود چندین برابر سود ربا است و حلال من الله است. ان‌شاء الله امیدواری به همت و مردانگی تمام ایرانی نژاد از اعلی و ادنی داریم که از روی ملت خواهی کمر همت استوار نموده هم خود را از فواید معتنابه این شرکت محروم نگذاشته و هم باعث شوند که پایه این بنا به مقامات خیلی عالی برسد.

این امر مسلم است تنخواه این شرکت هر قدر افزون باشد پیشرفت مقاصدش که صرف متوجه ترقیات داخله است بیشتر خواهد شد به اعتقاد تمام دانشمندان که از تاریخ عالم و ترقی امم کامل الاطلاع‌اند این شرکت اول بشارت نیکبختی و آبادی مملکت و ترقی ملتی خواهد بود هر کار را اولی است. این اول افتتاح ابواب سعادت این ملت قدیم و خاک قویم خواهد شد. به همت اولیاء و حق و توجه غیرتمندان مملکت چنانچه فصول مندرجه در نظامنامه خود گواه و برهانی است و محض اطلاع عموم ناس اعلان می‌شود که شعبه این شرکت در تمامی بلاد ایران به وکالت مردمان امین و معتبر کشیده خواهد شد، هم چنانچه در دارالخلافه تهران به ریاست جناب مستطاب جلالت‌مآب حاجی حسین آقا امین‌الضرب اصفهانی دام اقباله و وکالت جناب حاجی میرزا حبیب‌الله تاجر کاشانی و امانت تجار محترم کشیده شده هر کس در تهران میل به شرکت کند اسهام منطبعه ممضی در اداره شرکت در تهران موجود است مراجعت به ایشان نمایند و کلای بلاد دیگر هم در یک بند نظامنامه است هر کسی در هر شهر طالب شود به توسط همان وکلا به قدری که طالب شود وجه به اداره مرکزی اصفهان برساند سهام مسجل و ممضی به جهت او فرستاده خواهد شد.

رجای واثق است که در سال اول و دویم قیمت اسهام خیلی ترقیات کند، چنانچه اغلب کمپانی‌های معتبر خارجی سهمی که به ده تومان خریده شده از بس اعتبار و فایده شرکت فراهم گشته است، قیمت به بیست تومان رسیده است چون ملک معتبر مرغوب روز به روز بر قیمتش افزوده خواهد شد و امیدواریم این شرکت اسلامیة سال اولین آن تنخواهش بیش از این اسهام موجوده مشتری پیدا کند هر گاه ان شاء الله به یاری خداوندی چنین شد به مشورت و صلاح دید شرکاء بر تنخواه آن افزوده خواهد شد. از آنجا که غالب اسهام این شرکت را رؤسای محترم و امنای انجمن خود خریداری کرده و هر یک دارای چندین سهم معتنابه هستند و همین خود دلیلی است جهت اعتبار و قوام این شرکت که به یاری خداوندی ترقیاتی که هیچ کس منتظر نیست از برای همین شرکت مقدس خواهد شد.

### وکلائی شرکت اسلامیة در خارجه

لندن: جناب حاجی میرزا اسدالله کاشانی و جناب حاجی علی‌اکبر صاحب تاجر شیرازی

کلکته: جناب مؤیدالاسلام مدیر محترم جریده حبل‌المتین

بمبئی: جناب مستطاب حاجی محمدجواد عرب تاجر کرمانی

مصر: جناب مستطاب آقا میرزا محمدجواد مشکی تاجر اصفهانی و جناب آقا میرزا علی

محمدخان کاشانی مدیر ثریا

اسلامبول [استامبول]: جنابان اخوان جواهری‌زاده اصفهانی و جناب حاجی میرزا

محمدشفیق آقا امین‌التجار اصفهانی

**بغداد:** جناب حاجی سید محمد کاظم تاجر اصفهانی و جناب حاجی سیدحسین افندی اصفهانی  
**مسکو:** جناب آقا میرزا نعمت‌الله تاجر اصفهانی و جناب آقا محمدباقر تاجر اصفهانی  
**بادکوبه:** جناب حاجی زین‌العابدین تقی‌اف و اولاد محترم ایشان.

«يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### کتابچه و نظامنامه شرکت اسلامیة اصفهان

تجدید اخوت و عقد شراکت واقع شد فیما بین علماء اعلام و امراء کرام و تجار ذوالاحترام و کسبه خواص و عوام به یاری و یآوری حضرت امام زمان صلوات‌الله و سلامه علیه به موجب فصول ذیل الکتاب:

**فصل اول، اسم و مهر و عنوان مکاتیب و تلگرافات «شرکت اسلامیة» می‌باشد**

**فصل دوم،** بر حسب تجویز و تصویب امنای معظم لیاقت و شایستگی ریاست کل این شرکت در عهده جناب مستطاب فخامت نصاب حاجی محمد حسین تاجر کازرانی است که ریاست اداره جلیله کمپانی مسعودیه هم به عهده ایشان و ضرب المثل بین الاقران است.

**فصل سیم،** وکلا و امنای اداره مرکزی اصفهان چنانچه سابق هم بوده است به موجب ذیل است جناب مستطاب افتخار الحاج حاجی میرزا محمد مشکی تاجر اصفهانی و جناب مستطاب افتخار الحاج حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی و جناب مستطاب افتخار الحاج حاجی میرزا اسد الله نقشینه تاجر اصفهانی و جناب مستطاب افتخار الحاج حاجی محمد کاظم مثقالی تاجر اصفهانی.

**فصل چهارم،** امنای مزبور از جانب تمام شرکاء و کالت دارند هر طور خیر و صلاح شرکا را بدانند به امضای جناب رئیس کل معمول دارند.

**فصل پنجم،** مدیری کل شرکت در اصفهان به عهده جناب عمده‌التجار حاجی میرزا علی نقشینه ادیب‌التجار است.

**فصل ششم،** چون دار الخلافه تهران مرکزیت عمده دارد و فروش غالب امتعه شرکت در تهران است جناب مستطاب جلالت‌مآب حاجی حسین آقا امین‌الضرب رئیس کل شعبه شرکت اسلامیة در تهران مقرر شدند.

**فصل هفتم،** جناب عمده‌التجار و الاعاظم حاجی میرزا حبیب‌الله تاجر کاشانی به وکالت و مباشری کلیه مرجوعات شعبه تهران معین گشته که در ریاست جناب رئیس کل تهران و مشورت امنای مرقوم در کار شرکت پردازند.

**فصل هشتم،** امنای مجلس تهران از این قرار است به ریاست جناب امین‌الضرب و

جناب مستطاب عمدةالتجار والاعیان حاجی میرزا حبیب‌الله تاجر کاشانی مباشر و وکیل جناب مستطاب عمدةالاحیار فخر الحاج حاجی محمدتقی شاهرودی تاجر اصفهانی، جناب مستطاب عمدة الاعزة والارکان حاجی محمدعلی تاجر کاشانی، جناب مستطاب عمدة الاعزة والاشراف حاجی میرزا علی محمد تاجر اصفهانی.

**فصل نهم،** امنا از جانب شرکاء وکالت دارند که به امضای جناب رئیس کل در امورات تهران هر طور صلاح خیر و شر کار را بدانند معمول و معین دارند.

**فصل دهم،** مدیری و ناظمی انجمن تهران به عهده جناب معارف نصاب آقا میرزا احمد امین الصنایع است.

**فصل یازدهم،** سرمایه و تنخواه شرکت اسلامیہ یک کرور که پانصد هزار تومان قران مظفری الدین شاهی است.

**فصل دوازدهم،** به جهت سهولت و فواید عامه که همه کس بتواند شرکت کند ولو به یک سهم باشد تنخواه مذکور پنجاه هزار سهم که هر سهمی ده تومان باشد تعیین گشت چنانچه لازم شود بعدها هم تنخواه را مزید نموده اعلان به شرکاء و غیره خواهد شد.

**فصل سیزدهم،** اسهام شرکت تماماً ورقه مطبوع و ممضی به امضای رؤسای محترم و امنای معظم اصفهان و مهر مخصوص شرکت با شماره و نمره ثبت دفتر کل اداره مرکزی اصفهان خواهد بود.

**فصل چهاردهم،** اسهام در هر شهری و بلدی که در نزد وکلا و امنای شرکت خریداری شود دهنده سهم که امین شرکت است بعد از گرفتن وجه همان سهم را امضاء و مهر مخصوص نموده ثبت دفتر می‌نماید پس از آن به مشترکین محترم خواهد سپرد، فوری به اصفهان شماره و اسم و تاریخ را اطلاع داده در دفتر کل ثبت شود.

**فصل پانزدهم،** هر کس می‌تواند از یک سهم الی ده هزار سهم خریداری کند - مگر تبعه خارجی - به تمام رعایای دولت علیه ایران اعم از ساکنین داخله و خارجه فروخته می‌شود. چنانچه اوراق اسهام به دست تبعه خارجه باشد از درجه اعتبار ساقط است مگر به عنوان موروثی به دست کسی آید فوراً باید به مرکز اطلاع داده وجه آن را شرکت خواهد داد با حساب.

**فصل شانزدهم،** اصفهان هفته‌ای یک روز پنج شنبه و تهران هر ده روز یک مرتبه مدیرهای شرکت امنای محترم را در مجلس مشورتخانه حاضر کرده شروع به مذاکرات لازمه خواهد شد و نتایج مجلس را مدیر ثبت و در اداره ضبط می‌نماید.

**فصل هفدهم،** هر کس صاحب صد سهام یا امین صد سهام باشد می‌تواند در مجالس مشورت داخل شده از مذاکرات مستحضر باشد.

**فصل هیجدهم،** به ملاحظه آن که سال اول شرکاء وجوهات را دیر و زود داده و محاسبات شرکت به طور صحیح معلوم نخواهد شد شرکت در آخر سال به دارنده اسهام و شرکاء صدی شش در ظرف یک سال خواهد داد که در هر ماه صدی نیم باشد.

**فصل نوزدهم،** در آخر سال دویم از تاریخ شرکت حسابات را کاملاً رسیدگی می‌نمایند منافع یا خدای نخواستہ خسرانی روی دهد، بعد از وضع مصارف و مخارج به مشترکین اعلام می‌شود و بعد از وضع صدی شش سال اول دو ساله منافع را به صاحبان اسهام رد می‌نمایند.

**فصل بیستم،** در رسیدگی به محاسبات جزئی و کلی، عملکرد شرکت را در ورقه علیحده طبع نموده تمام شرکاء و حتی به کسیکه صاحب یک سهم باشد از آن اوراق فرستاده می‌شود که عموماً شرکاء از داد و ستد شرکت مستحضر باشند.

**فصل بیست و یکم،** این شرکت به کلی از داد و ستد متاع خارجه ممنوع است فقط هم خود را صرف به ترقی متاع داخله و آوردن چرخ و اسباب و کارخانه‌جات مفیده خواهد نمود و حمل متاع داخله را به خارجه بر حسب اقتضاء، و به موقع خود در کشیدن راه شوسه و آهن اقدام خواهد کرد.

**فصل بیست و دوم،** هر گاه صاحب سهمی بخواهد سهم خود را به دیگری منتقل کند باید به اداره مرکزی شرکت در هر جا باشد اطلاع دهد که اسم آن شخص را در دفتر شرکت ثبت نمایند.

**فصل بیست و سیم،** هر گاه و بر حسب اقتضا و کیل یا امین شهری یا از اجزاء محترم شرکت را تغییری روی دهد فوراً در ورقه اعلان نموده منتشر خواهند نمود که عموماً مستحضر شوند. هر تصرفی در اساسیه شرکت شود فوراً اعلان عمومی می‌شود.

**فصل بیست و چهارم،** تمام اجزاء از رئیس و مرئوس و امنای شرکت حسب الشرط مجبورند لباس خود را از منسوجات شرکت و متاع داخله مصرف رسانند  
«تکلیف شرکاء محترمین»

**فصل بیست و پنجم،** هر کس از رعایای ایران چه ساکن خارجه و چه ساکن داخله بخواهند شرکت نمایند از سهام خریداری کنند به واسطه پست به رئیس اصفهان یا رئیس تهران اطلاع داده به مقصود نایل خواهد شد.

**فصل بیست و ششم،** هر یک از شرکاء بخواهند وجه خود را باز یافت نمایند از صندوق شرکت باید سه ماه زودتر به اداره که وجه داده و سهم خریده اطلاع دهد که به محاسبات رسیدگی نموده و نفع و ضرر را مشخص نموده وجه او را می‌دهند ولی تا سه سال حق مطالبه سرمایه را ندارند از این تاریخ.

**فصل بیست و هفتم،** وضع محاسبات در هر سال از غره شهر محرم است که در شهر ذی حجه محاسبات شرکت معلوم و اعلان خواهد شد صاحبان اسهام خود یا امین خود را



به اداره شرکت فرستاده منافع عایدی را به صورت حساب مختصری اخذ نموده قبض رسید می‌سپارند.

**فصل بیست و هشتم،** اگر چه غالباً به واسطه اعلانات و روزنامه‌جات صاحبان سهام را از کار شرکت مطلع می‌نمایند اگر کسی بخواهد اطلاع کامل حاصل نماید رجوع به مدیرهای شرکت نموده مستحضر خواهد شد.

«وظیفه رؤساء و امناء و مستخدمین شرکت»

**فصل بیست و نهم،** رؤساء شرکت مطلقاً مختاریت تامه دارند در تمام کارهای شرکت، و اجزاء و مستخدمین شرکت محکوم به حکم ایشان خواهند بود.

**فصل سی‌ام،** امنای مجلس مشورت خانه مجبورند اصفهان هفته‌ای یک روز پنجشنبه، تهران هر ده روز یک مرتبه به مجلس مخصوص در اداره حاضر شوند در مذاکرات لازمه بپردازند و باید هر مجلس را دو روز زودتر مدیر اداره رقعہ مخصوص به جهت یادآوری حضرات رؤساء و امانا نوشته بفرستد و هر گاه فردی از ایشان به مسافرت یا مانعی دوچار شود رئیس کل می‌تواند دیگری را به جای او نصب کند.

**فصل سی و یکم،** اجزاء اداره شرکت و مستخدمین همه روزه جز روز جمعه که تعطیل است باید دو ساعت از روز گذشته‌الی یک ساعت به غروب در اداره شرکت حاضر شده به کار خود پردازند. (تعیین اجزاء مطلقاً با رئیس کل است).

**فصل سی و دوم،** هر گاه فرمایشی از جهت هر متاع به شرکت داده شود قبول شده در صورتی که فرمایش عمده باشد از قیمت معموله صدی سه تخفیف داده خواهد شد، مقصود منسوج کارخانجات شرکت است.

**فصل سی و سیم،** هر گاه از داخله یا خارجه از تبعه دولت علیه کسی اختراعی که از برای عموم ملت سودمند باشد بکند یا صنعت یدی داشته باشد قوه مالی و مشوق در انجام آن کار نداشته باشد به شرکت اطلاع دهد بعد از مشورت و تحقیق شرکت حاضر است که تدارکات او را ولو کان با آوردن چرخ و اسباب از خارجه باشد با رعایت صرفه خواهد نمود.

**فصل سی و چهارم،** کلیتاً بروات و قبوض داد و ستدی شرکت در ورقه طبع شده به علامت گنبد که نشان مخصوص شرکت است خواهد بود. احدی از مباشرین نمی‌تواند جز آن اوراق و قبض یا براتی به دست مردم دهد.

**فصل سی و پنجم،** چون مقصود از تأسیس این شرکت خدمتی به اهالی وطن و ترقیات ملتی است هر کس در هر جا چیزی که صرفه‌اش عمومی باشد در نظر آورد به شرکت اطلاع داده با رعایت صرفه با کمال امتنان قبول خواهد شد.

**فصل سی و ششم،** خدای نخواستہ در قحط سالی و تنگی تعیش و زندگانی هموطنان شرکت اسلامیہ حاضر است که حمل و نقل حبوبات و خرید از محل متفرقه ولو رعایت

صرفه تجارتنی هم نشود، بنماید در جلوگیری احتکار بی‌انصافان چیزی فرو گذار نخواهد کرد.  
**فصل سی هفتم**، امنای مشورتخانه شرکت باید هر یک اقلاً دارای پنجاه سهم از سهام شرکت باشند که علاقه شخصی نیز مزید بر امانت و دیانت ایشان شود.

**فصل سی و هشتم**، هیچ یک از وکلائی که در ولایات معین می‌شوند نمی‌تواند خارج از ترتیبات قانونیه اساسیه این شرکت عمل کند مگر با اجازه اداره مبارکه.

**فصل سی و نهم**، به وکلائی که در هر نقطه از جهت داد و ستد یا رجوع امورات شرکت تعیین می‌شوند حق الزحمه ایشان در خرید و فروش صدی دو است و اداره مبارکه نسیه و سلم فروشی را به وکلا اجازه نمی‌دهد مگر به وقت ضرورت، و سوخت که در نسیه واقع شود به عهده وکلا است.

**فصل چهلم**، وکلای بلاد که فعلاً معین شده از این قرار است بعدها هم کم و زیاد می‌شوند:

**بوشهر:** جناب آقا محمدشفیع صاحب تاجر کازرانی و جناب آقا محمدحسین صاحب تاجر دهدشتی

**شیراز:** جناب حاجی میرزا محمود کازرانی و جناب حاجی عبدالرحمن شیرازی مدیر کمپانی

**قمیشه:** جناب حاجی محمدباقر تاجر اصفهانی و جناب مستطاب آقا عبد الله تاجر قمیشه‌ای

**کرمان:** جناب مستطاب سلیل الاطیاب آقا سیدمحمدهاشم معین‌التجار و جناب حاجی ملا محمدکریم دارابی

**یزد:** جناب حاجی آقا محمدعرب تاجر کرمانی و جناب حاجی میرزا محمد مهدی طبسی  
**مشهد:** جناب جلالت‌مآب آقا رضا ملک‌التجار و آقا عبد‌الکریم تاجر کاشانی

**سمنان:** جناب حاجی محمد مهدی تاجر کاشانی  
**تهران:** اداره مرکزی شرکت اسلامیة تهران

**قم:** جناب آقا مشهدی عبدالرضا تاجر تبریزی و جناب آقا میرزا محمدباقر فرزند ارجمند حاجی محمدهادی تاجر قمی

**کاشان:** جناب حاجی محمدتقی کاشانی و جناب آقا فرج‌الله قزوینی  
**سلطان آباد:** جناب حاجی محمدحسن خوانساری و جناب آقا محمدآقا تاجر تهرانی

**رشت:** جناب حاجی آقا تاجر رشتی و جناب آقا میرزا محمدکاظم نقشینه تاجر اصفهانی  
**قزوین:** جناب حاجی سیدابو القاسم تاجر اصفهانی و جناب آقا میرزا احمد نقشینه تاجر اصفهانی

**بارفروش و کل مازندران:** جناب آقا محمدجواد وارث تاجر اصفهانی

**اشرف:** جناب حاجی نصرالله تاجر اصفهانی  
**کرمانشاه:** جناب حاجی محمدتقی و جناب حاجی عبدالعظیم تاجران اصفهانی  
**تبریز:** جناب حاجی میرزا علی‌اکبر آقا معتمدالتجار و آقا محمدعلی اعیان تاجر اصفهانی  
**همدان:** حجره جنابان معظمان حاجی عبدالمحمود و حاجی محمدحسین ناظم‌التجار اصفهانی

**سنندج کردستان:** جناب جلال‌مآب آقای احمدخان مستوفی ایلخانی  
**فصل چهل و یکم،** هر کسی از هر جا نزدیک به هر یک از این بلاد است رجوع به و کالا نماید یا وجه به توسط و کالا به ادارات مرکزی برساند سهام مسجل ممضی فرستاده خواهد شد.

**فصل چهل و دوم،** اداره شرکت اسلامیة قبول رجوعات هر کسی و هر جا را می‌کند و در نهایت اهتمام را انجام داده حق العمل بر می‌دارد.

**فصل چهل و سیم،** شرکت اسلامیة یک رشته عمل صرافیة دایر می‌نماید و داد و ستد بروات معتبر به هر نقطه داخله و خارجه خواهد کرد به توسط و کلای مرقومه هر بلاد که ضمنا وجوهات موجوده او لایتنفیع نماند تا کارهای عمده مهیا شود و کارخانجات لازمه نافعہ طلبیده شود.

**خاتمه،** هیئت شرکت اسلامیة از تمامی و کلای مخصوص محض ترقی و رفاهیت عموم هموطنان خواهشمند است که در مرکز خود اداره دایر نموده شعبه از شرکت اصفهان مفتوح نمایند. چنانچه در تهران به همت غیرت مندی حضرت بندگان آقای امین‌الضرب دام اقباله شعبه کشیده و اسباب افتخار و امتنان شد. فی شهر ربیع المولود ۱۳۱۷ «صحیح است شرکت اسلامیة».

### نظامنامه سوم شرکت اسلامیة

شرکت اسلامیة در سال ۱۳۲۰ق نظامنامه خود را بازنویسی کرد. در این نظامنامه سرمایه مورد نیاز شرکت برای تأسیس کارخانه معادل با یک کرور تومان پیش بینی شده بود. ولی شرکت تصریح داشت که تا عملی نشدن این پروژه سرمایه در گردش شرکت همان ۱۵۰ هزار تومان قبلی خواهد بود و هر گاه مقدمات راه‌اندازی کارخانه فراهم شد، سهام جدید به فروش خواهد رسید. در این نظامنامه گفته شده بود که سهام شرکت علاوه بر این که به ایرانیان فروخته می‌شود به مسلمانان اتباع سایر کشورها نیز فروخته خواهد شد. ظاهراً منظور از این گروه بیشتر مسلمانان ساکن روسیه و قفقاز بودند. شرکت اسلامیة امید داشت پس از گذشت مدتی از فعالیت شرکت ارزش سهام آن افزوده شود و سهام داران علاوه بر سود

سالانه از طریق افزایش ارزش سهام نیز سود کنند. شرکت اسلامی در این نظامنامه عملاً همه اخباری را که در روزنامه‌ها در بارهٔ دامنه فعالیت شرکت منتشر می‌شد، تأیید می‌کرد یعنی گفته بود در صورت امکان راه شوسه، راه آهن خواهد کشید و از اختراعات حمایت خواهد کرد و حتی در زمان قحطی تلاش خواهد داشت آذوقه مورد نیاز مردم را تهیه کند تا برای محترکان امکان سودجویی نباشد. متن نظامنامه جدید شرکت اسلامی در روزنامه *حبل‌المتین* شماره‌های ۳۰ تا ۳۷ از سال ۹ آن منتشر شده است و صورت مشروح آن در ذیل می‌آید:

### قانون نامه جدید شرکت اسلامی

#### فصل اول - در مواد اساسیه شرکت مقدسه اسلامی دام بقائها

۱- اسم، مهر و عنوان مکاتبات و اسناد و امضای نوشتجات از داخل و خارج عموماً: (اداره مرکزی شرکت اسلامی اصفهان)

۲- عنوان و امضاء مخابرات تلگرافی فقط اسلامی در هر بلد همین عنوان با و کلا مخابره می‌شود

۳- تنخواه سرمایه آن یک کرور است که عبارت از پانصد هزار تومان رایج خرانه عامره مظفرالدین شاهی خلدالله ملکه و سلطانه است.

۴- سرمایه مزبور پنجاه هزار سهم و سهمی مبلغ ده تومان که عبارت از یکصد قران رواج است.

۵- محض سهولت عموم غیرتمندان که هر کس بتواند همراهی و شرکت نماید ولو به یک سهم باشد سهام را مختصر و مناسب معین کردند و تا کنون ۱۵۰۰۰ سهم آن طبع شده و هرگاه به جهت آوردن کارخانجات و غیره لازم شود ۳۵۰۰۰ سهم دیگرش طبع و مصرف خواهد شد اگر چه خواهان و مشتری اسهام این شرکت محترم از حد حصر افزون است و غیرتمندان وطن مقدس همه طور در بذل مال و اموال خود حاضرند و هر گاه بقیه اسهام را رؤسا و امناء شرکت صلاح دانسته طبع شود یقین است در مدت چند روز خریداران فرصت نداده می‌برند ولی چون عجالاً رؤسا و امناء صلاح را در این دانسته با همین مقدار سرمایه اطلاعات خود را تکمیل نمایند و طریق اسهل را در پیشرفت امور شرکت اسلامی به دست آورند این است که زیاده از مبلغ مزبور طبع اسهام را اجازه ندادند تا بوسیله عدم گردش تنخواه و موجود ماندن در صندوق شرکت که اسباب عدم حصول فایده است خجالت از صاحبان تنخواه کشیده نشود.

۶- این اسهام تماماً اوراق مطبوعه ممضی است به امضای رئیس مفخم و وکلای معظم و مهر مخصوص اداره مرکزی اصفهان که پای هر سهمی را مهر و امضاء فرموده با شماره

و نمره و ثبت دفتر کل اداره مرکزی هر سهمی که فرداً فرد بقرار مراتب مزبوره نباشد از اعتبار ساقط است.

### فصل دوم - ترتیب خرید و فروش و نقل و انتقال و استرداد سهام

۷- سهام ساده در هر شهری که از وکلا و امنای اسلامی خریداری می‌شود اسم خریدار و پدر و لقب ایشان در محل مخصوص همان سهم با تاریخ و نمره و مهر و امضای وکالتخانه به مشترکین سپرده وجه آن را دریافت نموده به اداره مرکزی می‌رسانند و اطلاع می‌دهند که ثبت و ضبط دفتر کل مرکزی شود و در دفاتر وکالتخانه هم به همین ترتیب ثبت می‌نمایند.

۸- هر یک از شرکاء محترم از بلدیکه سهم خریده‌اند نقل به بلد دیگر به جهت اقامت یکسال علاوه می‌نمایند به اطلاع وکالتخانه مذکور اسم و لقب و عده سهام و نمره آن را به اداره مرکزی اصفهان اعلام فرمایند که ثبت دفتر بلد مقام ایشان نموده و هنگام تصفیه محاسبات و رسانیدن صورت حساب و سهمیه منافع و اخبارات اسلامی سهل باشد و به توسط وکالتخانه محل اقامت ایشان رسانیده شود.

۹- همه کس می‌تواند از یک سهم الی هر قدر بخواهد از سهام خریداری نماید و شراکت کند از تبعه داخله و خارجه عموماً چه در ایران و چه در سایر ممالک

۱۰- هر کس از داخله یا فقط مسلمانی که رعیت خارجه باشد بخواهد شرکت نماید و خریدار سهام اسلامی باشد و در محل ایشان وکالتخانه و سهام موجود نباشد به توسط چاپار یا تلگراف به اداره مرکزی اصفهان اطلاع دهد به مقصود می‌رسد و سهام به نام ایشان نوشته فرستاده می‌شود.

۱۱- اشخاصی که مقدمتاً وجه می‌دهند یا می‌فرستند به جهت خرید سهام و بعد سهام به جهت ایشان فرستاده یا داده می‌شود از تاریخ وصول وجه به صندوق شرکت اسلامی مستحق نفع و ضرر خواهند بود اگر چه مدتی بعد سهام ایشان داده یا فرستاده شود.

۱۲- کذالک کسانی که از سهام خواستند و به نام ایشان نوشته و فرستاده شود و بعد از تاریخ ذیل سهام وجه می‌رسانند هم از وصول وجه به صندوق شرکت اسلامی حق نفع و ضرر دارند.

۱۳- هرگاه خدای نخواستہ احدی از شرکاء به رحمت‌اللہی واصل شود و متوفی گردد تنخواه او حق وارث شرعی اوست و به موجب فصول این قانون در حق وارث او معمول می‌شود.

۱۴- هرگاه وارث او منحصر یا متعدد باشد به اطلاع حاکم شرع آن بلد به اداره مرکزی اطلاع دهند که اسامی مالکین حالیه سهام در ظاهر و ذبی هر یک از سهام و دفتر کل اداره مرکزی به اسم و رسم ثبت و ضبط گردد تا هنگام وصول منافع ایشان سهل باشد.

۱۵- هر کس هر زمان هر قدر وجه داد و از سهام اسلامی خرید و شراکت کرد به قدر گنجایش همان قدر از سهام که به نام ایشان نوشته شده است مالک موجودی نقد و جنس است و مطالبات آن که در راس همان سال به قیمت عادلانه<sup>۱</sup> روز مسعر شده و سهیم نفع و ضرر آن خواهد بود و شراکت او بر قرار است و روسا و کالتاً از هر یک به قدر گنجایش شرعاً به او منتقل می‌نمایند.

۱۶- غیر مُسَلِّم از تبعه خارجه حق شرکت به اسلامی ندارد و هرگاه به عنوان موروثی به دست احدی از ایشان برسد فوری به مرکز کل که اصفهان است اطلاع داده وجه خود را گرفته و سهام را رد کند.

۱۷- هرگاه صاحب سهمی خواست سهام خود را به دیگری منتقل نماید باید ظهر سهام را فرداً فرد مهر و امضاء نماید و به اداره مرکزی یا وکالتخانه معتبری که در محل است اطلاع دهد که در ورقه سهم مذبوره را مهر نموده و اسم شریک ثانی را در دفتر ثبت نماید.

۱۸- هرگاه صاحبان سهام را وجهی لازم سود ممکن است به قدر لزوم از همان سهام را در اداره مرکزی اصفهان یا وکالتخانه طهران یا غیره به عنوان مرآهنه بگذارند و هر سهمی ده تومان بگیرند به چهار شرط: شرط اول مدت استقراض کمتر از شش ماه نباشد، شرط دوم شرکت اسلامی برای تفاوت شش ماه تومانی یک قران از وجه استقراضی موضوع نموده<sup>۲</sup> باقی را می‌دهد زیرا اگر این وجه در اداره باشد مبلغی فایده خواهد داد. شرط سیم هرگاه زودتر از شش ماه بخواهد تنخواه را رد کند و بلیط خود را بگیرد شرکت قبول می‌کند و تفاوت مأخوذه را هم نسبت به مدتی که زودتر تنخواه را رد کرده به صاحب بلیط خواهد داد. شرط چهارم هرگاه پنج روز بعد از شش ماه تنخواه را نیاورد به اداره و داخل صندوق شرکت نکرد شرعاً از جزو شرکاء خارج است و اولیای شرکت به موجب وکالت شرعی او را خارج می‌نماید مگر آنکه به اداره مبارکه حاضر شود و موجبات رضایت و قبول امنا و وکلا را فراهم آورد.

۱۹- هرگاه سهام شرکاء کلاً ام بعضاً به سرق و غرق و حرق مفقود گردد فوری به اداره مرکزی اصفهان اطلاع دهد به همان نمره و تاریخ ممکن است لثانی به او داده شود.

۲۰- سهام انتقالی که در متن آن به نام شریک اول و در ظهر یا حاشیه به نام دیگری نوشته و در دفتر کل ثبت می‌شود و مجدداً به مهر و امضای اسلامی می‌رسد در کمال اعتبار و متعلق به صاحب اسم آخر است و ضرر و نفع به او پرداخته می‌شود و از تملک شریک اولی خارج است.

۲۱ بعد از انقضای مدت شش سال از غره محرم سنه ۱۳۲۰ هر یک از صاحبان سهام بخواهند وجه خود را از صندوق شرکت دریافت دارند باید سه ماه زودتر به اداره مرکزی

۱. عادلانه یا مظنه یومیه یعنی نرخ معمول بازار.

۲. موضوع نمودن یعنی کسر کردن.

اطلاع داده که به محاسبات رسیدگی نموده ضرر و نفع را تشخیص داده وجه او را بعد از گرفتن سهام به استثنای منافع سه ماه به او می‌دهند.

### فصل سوم - در خصوص تعیین محاسبات سالیانه

۲۲- وضع محاسبات در سال یک مرتبه از غره محرم لغایت سلخ ذیحجه است که از غره محرم شروع به تشخیص دوازده ماه گذشته می‌شود و در شهر ربیع الاول یا زودتر که کتابچه آن تمام شده باشد، ختم و صاف و بعد از رسیدگی و تصدیق [=تصدیق] امنای عظام و امضای رئیس کل اسلامیة اصفهان که هر یک در دفتر خلاصه حساب اداره مرکزی مزین می‌فرمایند عیناً سواد صافی حساب را در ورقه مطبوعه اعلان و اعلام می‌دارند.

۲۳- شرکت اسلامیة در تصفیه محاسبات اجناس موجوده را به عادلۀ روز غره محرم الحرام که نقد داد و ستد می‌شود قیمت نموده از دفتر قدیم به دفتر سال جدیدش ثبت می‌نمایند.

۲۴- مطالبات محتمل النقصان و بعیدالوصول را هم در دفتر لاوصولی ثبت نموده و از جمع کل موضوع می‌نمایند.

۲۵- به ملاحظه مخارجی که تعلق به مطالبات بعیدالوصول می‌گیرد و در خرج سال جدید می‌آید لہذا هر چه از لاوصول دریافت و وصول شود جز منافع همان سال جدید می‌آورد و راجع به سال گذشته نیست و تقسیم شرکائی می‌شود که در آن سال سهام اسلامیة دارند اعم از انتقال یا خرید بالاصالہ.

۲۶- اسباب حجره و آفیس و مخلفات که داخل داد و ستد نیست جزو ملزومات اداره است در سال ده یک از قیمت آنها به جهت کسر و فقدان موضوع نموده تتمه را جزو موجودی به جمع حساب می‌آورد.

۲۷- در رسیدگی به محاسبات جزئی و کلی عملکرد یک ساله شرکت را در ورقه اعلان طبع نموده با صورت حساب مخصوص مختصری به جهت تمام شرکاء محترم دور و نزدیک فرستاده می‌شود و لوکان صاحب یک سهم بوده باشد که عموماً شرکاء از داد و ستد اسلامیة مستحضر و از مقدار سهم منافع خود مطلع باشند.

۲۸- تمام شرکاء محترم از رؤساء عظام و علمای اعلام و رجال فخام و امنای ذوالاحترام و سایرین از خواص و عوام در قوانین و اعمال و تکالیف و شرایط از صاحب یک سهم الی دو هزار سهم مساوی و در حکم واحداند و به موجب همین نظامنامه با هر یک دون الامتیاز معمول خواهد شد.

۲۹- به جهت هر یک از شرکاء محترم که اعلان عمومی و صورت حساب مخصوص فرستاده می‌شود یک ورقه هم قبض مطبوعه که عدد اسهام و مقدار منافع ایشان در آن ثبت

شده با نمره مخصوص در لف پاکت می‌فرستند که بعد از ملاحظه حساب فقط همان قبض رسید را امضاء و مهر نموده اسام مبارک خود را در محل مخصوص معین قبض نوشته به اداره مرکزی یا وکالتخانه معتبره فرستاده منافع و عایدی خود را دریافت دارند.

۳۰- هر یک از شرکای محترم از اصفهان خارج باشند بعد از تصفیه محاسبات سالیانه زودتر از زمان ورود چپار اول به همان نقطه منتظر نخواهند ماند و رأساً به صحابت چپار سفارشی یا به توسط وکالتخانه معتبره صورت محاسبات و اعلان عمومی و قبض چاپی در پاکت مخصوص به ایشان ان شاء الله خواهد رسید.

۳۱- هر یک از شرکای محترم که عوض منافع خودشان مجدداً از سهام اسلامیہ طالب باشند در محرم الحرام و شهر صفر که مشغول تصفیه محاسبات هستند به مرکز اطلاع دهند که به قدر رسید ایشان سهم به نام مبارکشان نوشته با صورت حساب فرستاده شود.

۳۲- اداره مرکزی اصفهان بعد از تعیین محاسبات تمام منافع و فواید سال گذشته را از دفتر داد و ستد تجارتهی خارج می‌نمایند و در صندوق صراف خانه خود امانت می‌گذارد که هر زمان قبض مخصوص مزبور را دادند بلا تأمل کار سازی دارد.

۳۳- کسانی که عوض منافع از سهام اسلامیہ طالب باشند و در شهر محرم و صفر اطلاع دهند سهام ایشان از شهر ربیع‌الاول نوشته می‌شود که تمام مساوی باشند و هرگاه بعد از تصفیه محاسبات طالب شدند از تاریخ اطلاع اداره نوشته خواهد شد و در همان تاریخ به منافع ایشان از صندوق صرافخانه دریافت و تحویل تجارت خانه خواهد شد که ستم بر یکی نشده باشد.

۳۴- شرکت اسلامیہ به هر نقطه صورت حساب مخصوص و اعلان عمومی و قبض رسید چاپی به جهت شرکاء می‌فرستد معادل جمع منافع ایشان هم بوکالتخانه خود که در آن محل یا نزدیک به آن باشد حواله می‌دهد که فوری منافع هر یک را کارسازی نموده قبض رسید را از ایشان ممه‌ور و ممضی دریافت دارند.

۳۵- اگر در نقطه‌ای شریک داشته باشد و وکالتخانه مخصوص نداشته باشد در همان ورقه محل اخذ منافع را معین می‌نمایند که احدی از شرکاء در گرفتن منفعت خود منتظر و معطل نباشند.

### فصل چهارم - در تعیین سرمایه طرف احتیاط است

چون غالب اعتبار کمپانی‌ها و شرکت‌ها و ترقی قطعات سهام آن بسته به سرمایه طرف احتیاط است که اگر خدای نخواسته در بین سال جکامی وارد شود منافع شرکاء محترم مقطوع نشود. لهذا هر سال باستصواب امنای عظام و تصدیق رئیس کل دام اقباله به موجب اقتضای وقت مقداری بابت منافع به شرکاء پرداخته اضافه را به جهت سرمایه طرف



احتیاط منظور می‌دارند و این رسمی است که عقلای دانشمند به جهت قوام و ثبات و ترقی کمپانی‌های متمدن احداث نموده‌اند و در همه جا معمول و جاریست.

۳۷- در هر سال و تصفیه حساب هر قدر حسب الاقتضاء به جهت سرمایه طرف احتیاط منظور آورند در همان ورقه صورت حساب و اعلان اظهار خواهد شد (که تمام شرکاء از ترقی سهام و مقدار سرمایه طرف احتیاط نسبت به خودشان واقف شوند)

۳۸- بعد از تشخیص سرمایه مزبور گاهی قیمت سهام را هم در آن ورقه به جهت استحضار شرکاء معین می‌نمایند که در خرید و فروش و نقل و انتقال سهام خود که در آن سال اتفاق می‌افتد ملتفت باشند.

۳۹- تمام شرکاء از سرمایه طرف احتیاط نسبت به سهام خود شرکت دارند و در مبادله و انتقال مستحق سهمیه طرف احتیاط هم خواهند بود مثلاً هر کس سهام خود را بخواهد بفروشد یا بموجب بند ۲۱ خواست به اداره مرکزی مسترد داشته تنخواه خود را دریافت کند منافع سرمایه طرف احتیاط ایشان نیز معین و علاوه بر منافع سالیانه که گرفته‌اند داده خواهد شد.

۴۰- کسانی که در سال ۱۳۲۰ و بعدها از سهام اسلامی خریداری می‌نمایند از سرمایه طرف احتیاط هم به قدر عدد سهام حق دارند و باید قیمت سهام مظنه عادلانه یومیه از خریدار گرفته شود چرا که ما امیدواریم قیمت سهام خیلی ترقی کند که مثلاً یک قطعه ده تومانی به پانزده تومان و زیاده متداول باشد در اینصورت قیمت بلیط که فروخته می‌شود به همان عادلانه و مظنه یومیه از خریدار گرفته می‌شود و اضافه آن مال خود خریدار است نسبت به سهام خودش که با سایرین در شراکت مساوی باشند.

#### تبصره:

۴۱- جناب (حاجی) عبدالرحمن شیرازی مدیر کمپانی تجارت فارس در شیراز که خدایش سالیان دراز عمری پاینده و عزتی ممتاز ده‌دهاد در ابتدای تشکیل کمپانی سهام شراکت خود را شیری بیست و پنج تومان طبع و مصرف نموده و از سال اول تا امسال که نهمین سال ایشان است هر سال را ده یک که سهمی بیست و پنج قران است در دو قسط به شرکاء پرداخته و هرچه اضافه بوده است به جهت سرمایه طرف احتیاط هر سال در صورت حساب شرکاء مشخص نموده و در صندوق تحویلخانه کمپانی جزو داد و ستد نگاه داشته امسال که سال نهم بود در یکصد هزار تومان سرمایه چهل و چهار هزار تومان تقریباً از سرمایه طرف احتیاط اضافه و موجود داشتند که اگر امروز احدی از شرکاء بخواهد سهم خود را که بیست و پنج تومان روز اول خریده بفروشد مشتری بسیاری در سهم سی و شش تومان دارد بلکه امروز به جهت اعتبار سرمایه طرف احتیاط شیره‌های کمپانی ایشانرا در سی و هشت تومان

می‌خرند و احدی از شرکاء اقدام به فروش ندارد. بلی سرمایه طرف احتیاط ضامن بزرگی به جهت رفع ضرر و نقصان و اسباب اطمینان عمده به جهت کمپانی است.

### فصل پنجم - تفصیل معاملات و ارجاع زحمات به وکلاء

۴۲- شرکت اسلامی به کلی از داد و ستد متاع خارجی به جهت خالصه خود ممنوع است مگر به قدر لزوم که از اجناس روشن بوده باشد فقط هم خود را مصروف ترقی امتعه داخله و آوردن چرخ و اسباب کارخانجات لازمه مفیده خواهد نمود.

۴۳- شرکت اسلامی حسب الاقتضا در کشیدن راه شوسه و آهن به بیلابد و قصبات دور و نزدیک اقدام خواهد کرد.

۴۴- شرکت اسلامی امتعه داخله را که مصرف زیاد ندارد به مقتضای وقت حمل به خارجه به جهت جلب منافع می‌نماید و هرچه در عوض مقرون به صرفه و نزدیک به فروش و محل حاجت عمومی است طلبیده در داخله مصرف می‌نماید یا وجه نقد می‌آورد.

۴۵- شرکت اسلامی غالب اوقات خود را صرف ترقی صنایع و امتیاز منسوجات داخله ایران و انتشار آن می‌نماید که همه کس در هر جا از انواع مصنوعات و منسوجات طیبه وطنیه مستحضر باشد و کمتر پول و روح و ثروت مملکت را به بهای منسوجات خارجه از کیسه خود خارج نمایند و مسلم است هر قدر اقبال غیرتمندان وطن دوست به جلب مصنوعات و لبس منسوجات نفیسه وطن بیشتر شود بیشتر اقدام خواهد شد و زیادتر ترقی می‌نمایند و به مرور سلب احتیاج از اجانب می‌شود آری آری. (مستمع صاحب سخن را بر سرکار آورد)

۴۶- شرکت اسلامی با همت غیرتمندان و اقدام هموطنان به جهت سهولت و مناسی البسه و اقمشه و رفع بیکاری ابناء وطن عزیز کارخانجات ریسمان‌بافی و پارچه‌بافی و کاغذگری که الزم امورات است در موقع خود از خارجه طلبیده در هر نقطه ایران که اصلح و اسرف است دایر می‌نماید.

۴۷- از منسوجات داخله ایران هر چه به مهر دستی و مهر چاپی اداره اسلامی نباشد ذمه‌دار حسن و قبحش نیست کذا لک چون متقبل انجام ملبوس عساکر مظفر مآثر دولت جاوید آیت ایران است از هر قسم آن که از دیگری خریداری نمایند و دارای مهر اداره نباشد در عیب و نقص آن بری الذمه است.

۴۸- منسوجات اسلامی چه در اصفهان و چه در سایر بلاد ایران چون نقد و مناسب خریده می‌شود و همیشه پول پیشکی و مساعده به بافنده‌ها می‌دهد و کلی موجود دارد در اصفهان از قرار رأس‌المال<sup>۱</sup> ده یک اضافه می‌فروشد و اگر خریدار کلی بخواهد تخفیفی به

۱. رأس‌المال یعنی برپایه قیمت خرید و سود معین.

او داده می‌شود.

۴۹- اشخاصی که در اصفهان از اسلامیة منسوجات را به جهت فروش اصفهان یا حمل به جای دیگر خریداری می‌نمایند ملاحظه منافع و حق السعی ایشان هم از همان ده یک می‌شود و حق ندارند از رأس‌المال اسلامیة ده یک اضافه بفروشند که اسباب عدم رواج منسوجات شود.

۵۰- مغازه مخصوص اسلامیة که در بازار اصفهان مفتوح شده به جهت سهولت و ترغیب خریداران حاضر است که کمتر از ده یک بفروشد یعنی قیمت منسوجات به تراضی<sup>۱</sup> با مشتری خواهد بود ولی خرید از اداره به قرار همان بند ۴۸ می‌باشد.

۵۱- شرکت اسلامیة از هر قسم منسوجات قدیمه و جدیده دفتر مستوره به هر جا می‌فرستد با نمره و عرض و قیمت هر کس طالب باشد رجوع نماید حاضر است که فوری به موجب همان نمره که معین شده به جهت او ارسال نماید و اگر کلی باشد تخفیفی هم دارد. ۵۲- چون هنوز کارخانجات لازمه مهیا نیست قیمت منسوجات بسته به ترقی و تنزل مخارج و ریسمان است گاهی هم در قیمت مستوره کم و زیاد می‌شود و در سر هر سال قیمت مستوره جات تعدیل خواهد شد.

۵۳- شرکت اسلامیة غیر از اداره طهران که مخصوص خودش می‌باشد از منسوجات به طریق امانت و حق السعی فروش به جهت خودش به هیچ بلدی نخواهد فرستاد و هر کس توقع نماید کامیاب خواهد شد.

۵۴- هر غیرتمندی به جهت رفاه فقراء و ضعفا و انتشار منسوجات طیبه و وطنی از همت بلند و حمیت اسلامیة و نوع‌پرستی بخوهد در مرکز اقامت خودش از منسوجات داخله رواج دهد یا به طور شرکت جمعی را در محل خودش با خود متفق نماید و اقدام به این کار خیر که خیر ملت و دولت است فرمایند و دکانی یا مغازه به جهت فروش و تعمیم البسه طیبه و وطن مفتوح کند و از منسوجات هر جا از وکلای اسلامیة یا غیره خواهش نموده و از منسوجات اصفهان هم طلبیده به ضمیمه منسوجات داخله به جهت خودش مصرف کند شرکت اسلامیة کمال همراهی و مساعدت و معاضدت را با او خواهد کرد و از قیمت فروش اصفهان هم به او تخفیفی خواهد داد بلکه در گرفتن وجوهات هم به جهت تقویت این نیت خیر تأمل و مسامحه می‌نمایند ولی هر جنسی مهر اداره مرکزی را ندارد شرکت اسلامیة ذمه دار اصل و بدل آن نیست.

۵۵- هر کس از خارج اصفهان به موجب دفتر مستوره دستور العمل و فرمایش دهد فوری به جهت او انجام داده، ارسال می‌شود و از تاریخ حمل به انضمام ده یک منافع از روی اصل

۱. تراضی یعنی خشنودی.

خرید در حساب ایشان ثبت می‌شود ولی مقدمتاً باید تومانی دو ریال بفرستد.  
۵۶- هرگاه فرمایش کلی باشد ده یک منافع مزید می‌شود و دو ماه و نیم مدت تخفیف داده خواهد شد که هر چه از دو ماه و نیم بعد از حمل وجه زودتر برسانند به قرار صد یک در ماه تخفیف داده می‌شود.

۵۷- اگر تمام وجه آن نقد است یا پیش فرستاده فقط تومان هفتصد دینار و به جهت منافع مزید رأس المال نموده در حساب خریدار محسوب می‌دارند خسران و جکام راه بر عهده خریدار است مطلقاً.

۵۸- چون در غالب نقاط داخله و خارجه و کالتخانه شرکت اسلامیة دایر است به جهت هر کس و هر جا جنس فرستاده می‌شود یا مطلب دیگر در میان باشد اداره مرکزی به توسط همان و کالتخانه مزبوره فیصل می‌دهد مگر آنکه طرف مقابل معروفیت تامه به اداره مرکزی داشته باشد ولی بدون استحضار و کالتخانه نخواهد شد.

#### فصل ششم - در قبول رجوعات از هر کس و هر جا

۵۹- اسلامیة در اصفهان و طهران از هر جا و هر کس قبول رجوعات می‌نماید و در کمال اهتمام انجام می‌دهد و در خرید و فروش مال امانت و ارسال مرسول و حمل و نقل آن نهایت اقدام را نموده حق العمل به قرار معمول برمی‌دارد.

۶۰- شرکت اسلامیة به هر کس و هر جا رجوع تجارتي و برواتی می‌نمایند، اعم از وکلای محترم و غیره و حق العمل خرید و فروش و حمل و نقل به قرار معین که قطع نماید می‌دهد.

۶۱- هرگاه از بلدی به اداره اسلامیة اصفهان و طهران مال التجاره روشن از قبیل قند و شکر و مس و تخته و قماش و نیل<sup>۱</sup> و غیره بفرستند و صاحب مال را قبل از فروش اجناس وجهی لازم شود و برات نماید علی الحساب الی تومان هشت هزار دینار وجه می‌دهد و تنخواه را به عادلۀ وقت و اجازه صاحب مال می‌فروشد بعد از فروش تنخواه خود را با تفاوت گذشتگی و حق العمل برداشته تتمه را به جهت صاحبش می‌فرستد که اسباب سهولت ارباب رجوع باشد.

۶۲- ایضاً به جهت اجزای امورات ارباب رجوع هر کس جنسی به حواله در اداره اسلامیة به اصفهان و طهران بفرستند و روی مدت مرسوم مصرف شود و صاحبش وجه آن را لازم داشته باشد شرکت اسلامیة مدت را به قرار معمول صدی ده در مال موضوع داشته با استثنای قدری از اصل به جهت طرف احتیاط فوری به جهت صاحبش می‌فرستد یا در مقابل

۱. نیل ماده گیاهی و آبی رنگ برای رنگ رزی پارچه است.

برائش می‌دهد و سوخت و زیانش راجع به صاحب مال است فقط تفاوت مدت و سعی آن حق اسلامی است که وجه پیشکی داده شده است مگر اینکه در نوشتجات و مکاتیب سوخت را ملتزم شود در این صورت حق العمل اسلامی از قرار معاونت زیادتر برداشته نمی‌شود و این فقره موکول به جواب و سؤال و قرارداد علیحده است.

۶۳- رجوعات عمده که از کمپانی‌ها و تجار معتبر به ادارجات شرکت اسلامی می‌شود سعی و حق‌الزحمت خرید اجناس و فروشش صدی یک که از خرید تومان یک صد پنجاه و فروش هم تومان یک صد باشد مگر در بعضی اجناس معینه که موقوف به قرار داد است و حق العمل وصول و ایصال بروات تجارتی صد تومان دو و نیم قران که صدی ربع باشد و بروات مستمری و دیوانی به موجب قرار داد علیحده است و در این حق‌العمل ابداً ملتزم سوخت و جکام نیست و ضرر نقصان راجع به صاحب مال است.

۶۴- شرکت اسلامی یک رشته عمل صرافیه تحت موازین شرعیه به هر جا دایر نموده امتداد می‌دهد و داد و ستد بروات معتبره به هر نقطه از داخله و خارجه می‌نماید که وجوهات موجوده او لایبغ نماند تا کارهای عمده مهیا و کارخانجات لازمه طلبیده شود.

۶۵- شرکت اسلامی در اصفهان و طهران بروات معتبره تجار را بعد از قبولی نوشتن و تعیین حق‌الجعاله و تفاوت مدت بتراضی طرفین و قوانین شرعیه برمی‌دارد و وجه می‌دهد و رأس مدت تنخواه را دریافت نموده خدای نخواستہ سوخت و نقصانی روی دهد گیرنده وجه ضامن است.

۶۶- کل بروات و قبوض داد و ستدی و نوشتجات اسلامی در ورقه مطبوعه دارای آیه وافی هدایه «يُدُ اللَّهُ فَوْقَ أَيُّدِيهِمْ» و نشان شیر و خورشید که نشان دولت جاوید آیت ایران است و علامت گنبد که نشان مخصوص اسلامی است خواهد بود به امضای مخصوص که در ذیل نوشتجات به قلم نوشته می‌شود.

۶۷- احدی از مباشرین حق ندارند غیر از آن اوراق قبض یا برات یا سندی بدست مردم دهند و امید که بیرکت این آیه مبارکه که از الهامات غیبیه است همه وقت چنانچه مکرر شده است در امورات اسلامی دست غیبی همراه و پای غرض از زلل و خطا کوتاه باشد.

### فصل هفتم - در متفرقات اتفاقیه

۶۸- هر گاه از داخله و خارجه کسی اختراعی که به جهت عموم ملت سودمند باشد بکند یا صنعت یدی داشته باشد و قوه مالی و مشوق در انجام آن کار نداشته باشد به شرکت اسلامی اطلاع دهد بعد از تحقیق و ثبوت و مشورت امنای عظام حاضراند که تدارکات او را ولو کان به آوردن چرخ و اسباب باشد با رعایت صرفه مهیا نمایند.

۶۹- چون مقصود شرکت اسلامی خدمت به عموم نوع و ترقی ملت و اهالی وطن است

هر کس از هر جا چیزیکه صرفه‌اش عمومی باشد در نظر آورد به مرکز اطلاع دهد در صورت صرفه در کمال امتنان قبول خواهد شد.

۷۰- خدای نخواستہ در قحط سالی و تنگی معیشت و زندگی هموطنان اسلامیہ حاضر است کہ حمل و نقل حبوبات از محال متفرقه دور و نزدیک در سد خیال محترکین اقدام نماید.

۷۱- اگر چه شرکاء شرکت اسلامیہ از روی غیرت وطنی و حمیت ملی بر خود حتم نموده‌اند کہ به قدر امکان از متاع داخله به مصارف خود برسانند ولی چون هنوز اداره مبارکه اسلامیہ در رفح تمام احتیاج اهالی وطن، کہ در نظر دارد، کامیاب نشده غالب امتعه کہ محتاج الیه شرکا است از وکلای خود و مسلمانانی کہ در بلاد خارجه هستند طلبیده و مهیا می‌نمایند و به قیمت مناسب‌تر از دیگران کہ در چند ولایت دست به دست و تبدیل صاحب می‌شود به شرکاء می‌فروشد و هر چیزی دیگر هم بخواهند اطلاع دهند به فاصله کمی حاضر می‌نمایند.

### فصل هشتم - تکلیف اجزاء و مستخدمین اسلامیہ

۷۲- تعیین اجزا و مستخدمین اداره‌جات شرکت اسلامیہ مطلقاً با حضرت رئیس کل دام اقباله و امنای عظام است کہ در مرکز می‌باشند.

۷۳- هر کس از مستخدمین و اجزای دور و نزدیک باید سرخطی به امضای رئیس کل و امنا در دست داشته باشد کہ مدت و خدمت و اجرت ایشان در آن مشخص و در دفتر کل ثبت باشد و بعد از انقضاء مدت اگر سر خدمت است تجدید نمایند.

۷۴- هر یک از اجزا در خدمات اسلامیہ، کہ در سر خط ایشان نوشته شده است و قبول نموده‌اند، کوتاهی نمودند یا خیانتی از ایشان به ظهور رسید یا خلاف دیانتی از ایشان مشاهده شود زودتر از انقضاء مدت عزل است و حق اجرت ندارد و دیگر قبول نخواهد شد.

۷۵- اجزای اسلامیہ همه روزه غیر از جمعه و ایام محترمه دو ساعت از روز گذشته الی یکساعت به غروب باید سر خدمت خود حاضر باشند.

۷۶- اجزای اسلامیہ کلاً مسؤل ابواب جمعی خودشان هستند و اگر صرفه اسلامیہ را منظور ندارند غرامت از ایشان دریافت می‌شود.

۷۷- اجزای اسلامیہ هر یک باید به قدر گنجایش ابواب جمعی خود سهمی در شرکت اسلامیہ داشته باشند کہ مزید اطمینان از ایشان باشد.

۷۸- اجزای اسلامیہ سوای اجرت معین مکفی متوسط حق هیچگونه تعارف و تکلف و هدیه به هیچ اسم و رسم ندارند و اگر از هر جا چیزی به ایشان برسد باید تحویل اداره داده جزو عایدی و در دفتر منافع شرکت اسلامیہ ثبت شود و از احدی به هیچ عنوان حق تعارف

و غیره ندارند.

۷۹- اجزای اسلامیة حق هیچگونه توسط و ضمانت به جهت هیچ کس در معاملات و غیره ندارند و هیچوقت ضمانت ایشان قبول نخواهد شد.

۸۰- تمام اجزا و امان از رئیس و مؤسس و مستخدمین شرکت اسلامیة حسب الشرط مجبورند لباس خود را از منسوجات اسلامیة و متاع داخله تحصیل نمایند و مصرف رسانند.

۸۱- هر یک از اجزاء مأمور سفری شوند سواى ملبوس خودشان سایر مخارج ایشان از قبیل کرایه و متفرعات و مواجب نوکر و چاپاری و تلگراف تا مدتیکه معین شده به عهده اداره مبارکه است و اجرت ایشان کما فی السابق برقرار است.

۸۲- اجزای اسلامیة مطلقاً حق معامله و داد و ستدی به هیچ اسم و رسم به جهت خالصه خودشان ندارند و هرگاه معلوم شد در خفیه به اسم دیگری داد و ستدی کردند نفع آن با اسلامیة و ضررش با خودش می‌باشد و اعتبارش در اداره هدر است و فوراً عزل خواهد شد.

۸۳- اجزای اسلامیة حق معامله و داد ستد حوائج خودشانرا از اشخاصیکه به اداره طرف هستند ندارند خصوص نسیه خریدن را.

۸۴- تمام امورات اداره باید توسط اجزاء در نفس اداره مبارکه اسلامیة اجرا شود ولو کان بماندن شبها باشد.

۸۵- اجزای اسلامیة مطلقاً حق ایاب و ذهاب غیررسمی با یکدیگر و با اشخاصیکه طرف معامله با اسلامیة می‌باشند ندارند مگر به امر و اجازه و اطلاع اداره مبارکه عنداللزوم.

۸۶- مکاتبات و مراسلات و قرار دادها و محاسبات که در دفتر دارها و منشیان اداره مرکزی حفظهم الله تعالی می‌نویسند کلاً باید به اجازه و دستورالعمل و استحضار حضرت رئیس باشد و بعد به امضای مدیر کل برسانند غیر از این باشد از درجه اعتبار ساقط است غرض از امضای مدیر همان امضایی می‌باشد که به قلم مدیر نوشته می‌شود.

### فصل نهم - تعیین رؤسا و امنای اصفهان و طهران و خراسان و تکلیف ایشان

۸۷- برحسب تجویز و تصویب و انتخاب علمای اعلام و رجال عظام و وجوه اکابر و اعیان و حسن کفایت و شایستگی و استحقاق مقرونا به قبوله رئیس کل شرکت اسلامیة مرکزی در عهده جناب فخامت نصاب افتخار الحاج حاجی محمد حسین تاجر کاررونی مقرر شد که حسب‌الریاسه در رتق و فتق و انجام کلیه امورات شرکت اسلامیة اقدام مجدانه فرمایند چنانچه از ابتداء الی حال هم فوق‌العاده اقدامات فرموده اند.

۸۸- چون تشیید و قوام و استحکام هر بنا به وجود حصون محکمه و ارکان متقنه و اوتاد اربعه است و کلاى شرکت اسلامیة مرکزی چنانچه از ابتداء هم بوده اند چهار نفر را مقرر داشتند که روزهای پنجشنبه عصری در مرکز اداره تشریف فرما شده به امورات رسیدگی

فرمایند.

۸۹- اسامی وکلای عظام از این قرار است: ۱- جناب مستطاب حاجی میرزا محمد مشکی تاجر اصفهانی، ۲- جناب مستطای حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی، ۳- جناب مستطاب حاجی میرزا اسد الله نقشینه تاجر اصفهانی، ۴- جناب مستطاب حاجی محمد کاظم مثقالی تاجر اصفهانی.

۹۰- وکلای عظام از جانب تمام شرکاء وکالت دارند هر طور خیر و صلاح ایشان را در امورات شرکت اسلامیة دانند به امضای رئیس کل معمول دارند.

۹۱- مدیر کل شرکت اسلامیة به عهده جناب حاجی میرزا علی نقشینه ادیب‌التجار است که به موجب صلاح و دستورالعمل رؤسای عظام اقدام در امورات اسلامیة نمایند.

۹۲- رؤسا و امنای عظام مطلقاً مختاریت نامه دارند در تمام امورات شرکت اسلامیة و اجزا و مستخدمین محکوم به حکم ایشان خواهند بود.

۹۳- شرکت اسلامیة در اداره مرکزی مجلس مشورتخانه مخصوص در عصر هر پنجشنبه منعقد می‌نمایند که امنای عظام با حضور حضرت رئیس کل دام اقباله حاضر شده مشغول رسیدگی امورات سابق و لاحق بوده باشند.

۹۴- امنای مجلس مشورتخانه مجبورند حسب‌الوکاله هفته یک روز که پنجشنبه عصری باشد در مجلس مذکور حاضر شوند و به مذاکرات لازمه و جرح و تعدیل امورات و تعیین تکلیفات بپردازند که هیچ یک از مطالب اسلامیة در عهده تعطیل و تعویق نماند.

۹۵- هرگاه مهم عمده‌ای رو دهد یا در اساسیه آن مذاکره لازم شود یا بنای جدیدی از قبیل آوردن کارخانجات و غیر شود، از وجوه اعاضم و اعیان که شرکت عمده هم داشته باشند گاهی در آن مجلس وعده خواهی و حاضر می‌شوند که به اغلیت آراء اقدام در آن شود.

۹۶- باید هر مجلس را دو روز زودتر از پنجشنبه منشی اداره رقعہ مخصوص مطبوع به جهت یاد آوری و کلا نوشته بفرستد و هر یک از امنا و کلا را عذری باشد یک روز قبل از پنجشنبه در جواب رقعہ اداره اطلاع دهند که تکلیف معلوم باشد.

۹۷- هر یک از رؤساء و امنای عظام به مسافرت یا مانعی دچار شوند هرکس را نائب مناب خود معین فرمودند با تصویب سایرین و تصدیق رئیس کل منصوب و ممضی است والا سایرین با امضای رئیس کل می‌توانند دیگری را به جای او نصب نمایند.

۹۸- دستورالعمل روز مشورت را که امنای عظام می‌دهند منشی اول اداره در دفتر علیحده یاد داشت می‌نماید که هنگام اقتضا اجرا شود و مطالب مهمه را امنای عظام و رئیس کل دام اقباله در دفتر امضا می‌فرمایند.

۹۹- منشی اول اداره و دفتر دار باید مطالب کلی و وقایع مهمه اداره را که در ظرف هفته رخ می‌دهد در همان دفتر با تاریخ یادداشت نموده روز پنجشنبه به نظر امنای عظام رسانیده



کسب تکلیف شود و تکالیف را در همان ستون ثبت نموده معمول دارند.  
۱۰۰- مجلس مشورتخانه را دو دفتر مخصوص است یکی به جهت وقایع و دستورالعمل به موجب بند ۹۹ که مسطور شد و دیگری تاریخ شرکت اسلامیة و قضایای متفرقه اتفاقیه و مراعات مردم که در مجلس مشورت تصفیه می‌شود با تاریخ و نمره در آن ثبت می‌شود و اسامی طرفین.

۱۰۱- امنای مشورتخانه و وکلای عظام داخله و خارجه باید هر یک دارای سهمی معتنا به باشند که علاقه شخصی هم مزید بر امانت و دیانت ایشان باشد.

۱۰۲- هیچیک از امنای عظام و وکلای بلاد که در داخله و خارجه هستند و اجزاء از رئیس و مرؤس نمی‌توانند خارج از ترتیبات قانونیه اساسیه این شرکت مقدسه عمل نمایند یا تصرفی کنند مگر به اجازه اداره مبارکه و اغلیت آراء امنای عظام مرکزی.

۱۰۳- هرگاه میان چهار نفر وکلای مرکزی اختلافی روی نماید جناب رئیس کل طرف اغلیت را امضا خواهند کرد و اگر دو نفر در امری رای دادند و دو نفر دیگر صلاح ندانستند به هر طرف رای جناب رئیس کل متفق شود مجری خواهد شد.

۱۰۴- مهماتیکه در ظرف هفته رخ می‌دهد و تا پنجشنبه و مجلس مشوره و اجتماع وکلا تعویق پذیر نیست و بسا هست تعطیل آن اسباب نقصان می‌شود مثل جواب تلگرافات و معاملات متعارفه و غیره فقط به موجب دستور العمل رئیس کل دام اقباله اجری می‌شود.

۱۰۵- وکلائیکه در هر نقطه از داد و ستد یا رجوع امورات شرکت اسلامیة هستند حق الزحمت ایشان در خرید و فروش مال التجاره صدی دو، صرافی از یک طرف صدی نیم است و اداره مبارکه مرکزی نسبه و سلم فروشی<sup>۱</sup> را بوکلا اجازه نمی‌دهد مطلقاً مگر به وقت ضرورت سوخت که در نسبه واقع شود به عهده آن وکیل است مطلقاً.

۱۰۶- چون طهران مرکزیت عمده دارد و محل فروش غالب امتعه شرکت اسلامیة و اخذ و عطایای حواله جاتش در طهران است به تصویب علمای اعلام و رجال فخام و امنای عظام و رئیس کل شرکت اسلامیة اصفهان و لیاقت و احترام مقروناً به قبوله چنانچه از ابتدا هم بوده‌اند جناب جلالت مآب افتخارالحاج حاجی محمدحسین آقا امین‌الضرب دارالضرب تاجر اصفهانی به ریاست کل شعبه شرکت اسلامیة مقرر شدند و به حمدالله هیئت مقدسه اسلامیة از اقدامات مجدانه ایشان کامل تشکر دارد.

۱۰۷- جناب مستطال فخامت نصاب حاجی میرزا حبیب‌الله ناظم‌التجار تاجر کاشانی که در حسن کفایت معروفیت تامه دارند به وکالت و مباشری کل امورات اسلامیة طهران باستصواب رئیس کل طهران قرار یافتند چنانچه از ابتداء هم زحمات اسلامیة را خیلی تحمل

۱. سلم فروشی یعنی پیش فروش کردن.

فرموده اند.

- ۱۰۸- مدیر و دفتر دار کل در اداره اسلامیة طهران جناب مستطاب معارف نصاب آقا میرزا علی اکبر مقرر شدند چنانچه از سابق هم بوده‌اند و دفتر کل طهران ابواب جمع ایشان است.
- ۱۰۹- امنای طهران از جانب امنای اصفهان و شرکاء و کالت دارند که به امضای رئیس کل در امورات طهران هر طور صلاح دانند و صواب شمرند معمول دارند و وقایع را هر هفته مکتوبی و اگر مهم است تلگرافی به اداره مرکزی اطلاع دهند.
- ۱۱۰- راپورت هفتگی از قضایای اسلامیة و سواد روزنامه‌چہ طابق النعل بالنعل به عهده مدیر است که هر هفته به اصفهان برسانند.
- ۱۱۱- اجزای اسلامیة طهران با اجزای اصفهان به موجب فصل هشتم مساوی می‌باشند.
- ۱۱۲- اگر چه رؤسای عظام و وکلا و امنای فخام نظر به رعایت شرکاء و رفاه فقرا و ضعفا در این مدت از بابت حق الزحمت اعم از حق الریاسه یا حق الجعالة و الوکاله چیزی منظور نداشته و الحق شأن ایشان هم اجل از این مطلب بوده و می‌باشد به علاوه مبالغی زیاد در سال چه اصفهان و چه طهران متحمل مخارج فوق العاده اسلامیة شده و از کیسه فتوت و حمیت و اسلامیة و نوع پرستی خودشان داده‌اند خاصه دو رئیس محترم مفتخ که اسباب رو سفیدی ملت و شکوه دولت شده‌اند ولی بعد از این سهمی از منافع به اسم حضرات در خرج دفتر نوشته می‌شود.
- ۱۱۳- هرگاه خواستند از مناعت فطری و فتوت جبلی به شرکاء ایثار نمایند در ضلع منافع یادداشت خواهد شد و اگر خواستند بذل به فقرا نمایند خود دانند.

### فصل دهم - تعیین رؤسا و وکلای بلاد داخله و خارجه و تکالیف ایشان به حذف القاب

- ۱۱۴- وکلای بلاد از سال ۱۳۲۰ باید وکالت نامچه مخصوص با تعیین مدت و حق الزحمت از اداره مرکزی اصفهان به امضای امنای عظام و تصدیق رئیس کل داشته که بر تکالیف خود واقف باشند و بند ۱۰۵ را از نظر محو نفرمایند.
- ۱۱۵- در هر جا که دو وکیل یا علاوه تعیین شده است در تمام امور اسلامیة باید به اطلاع یکدیگر اقدام نمایند مگر آنکه مخصوص از اداره بعضی رجوعات به یک نفر شود که در واقع شرکت اسلامیة مختاریت باو داده است که بالانفراد آن امور مخصوص را فیصله نماید.
- ۱۱۶- وکیلی را که به هر جا از اصفهان روانه می‌نمایند به موجب وکالت نامچه مضبوطه مخارجش با اسلامیة و ضرر و نفعش هم به عهده اسلامیة است اگر شراکت مخصوص نداشته باشد.
- ۱۱۷- وکلای خارجه را سفارت علیه ایران حق رسیدگی در امورش دارد به اجازه اداره مرکزی اصفهان و هر یک از وکلای خارجه که از سال ۱۳۲۰ ق انتخاب می‌شوند باید

تصدیق نامچه از سفارت ایران بر درست کاری خود به اسلامیه بفرستند.  
۱۱۸- مشهد مقدس که مرکزیت دارد و وکالتخانه اسلامیه تشکیل یافته به ریاست جنابان فخامت نصاب آقا رضا رئیس‌التجار و آقا محمدتقی ملک‌التجار اصفهانی است که الحق در این مدت از بذل جهد در هیچ موردی از موارد اسلامیه در جلب منسوجات و فروش سهام و ایصال منافع منسوجات دریغ نفرموده‌اند لهذا در تمام امورات اسلامیه در حدود خراسان مختاریت تامه دارند و سایر بلاد خراسان و وکلای آن در تحت ریاست ایشان است و در مطالبی که به اصفهان درسترس نمی باشد به ایشان رجوع فرمایند.  
۱۱۹- کسانیکه در خارجه از اسلامیه هر گونه جنس میطلبند باید مقدماً وجهی به مرکز برسانند فوری فرمایش ایشان انجام و حمل می‌شود تتمه وجه را در سرحد تحویل وکیل اداره نموده جنس را تصرف می نمایند.

۱۲۰- اسامی وکلای بلاد داخله و خارجه به ترتیب حروف تهجی

اسلامبول: آقا میرزا علیرضا اصفهانی

بادکوبه: جناب حاجی زین‌العابدین آقا تقی اوف و جناب آقا محمدحسین تاجر یزدی

وکیل‌التجار

باطوم: جناب آقا محمدمهدی اوف امین‌التجار

بروجرد: جناب حاجی میرزا ابوالقاسم نقشینه اخوان

بصره: جناب آقا محمدعلی و اخوان تاجران دهدشتی و حاجی محمد حاجی بمانعلی بهبهانی

بغداد: جناب حاجی میرزا محمدکاظم ناظم‌التجار اصفهانی و حاجی سیدحسین شهیر به

حسنی افندی

بمبئی: جناب آقا محمدمهدی معتمد‌التجار و آقا میرزا محمدباقر افشار تاجر یزدی

بوشهر: جناب آقا سیدمحمد رضا تاجر کازرونی و آقا محمدحسین تاجر دهدشتی

تبریز: جناب حاجی میرزا علی‌اکبر معتمد‌التجار و حاجی علی قنادی معتمد‌التجار و

برادرانش

تفلیس: جناب حاجی محمدباقر رضا اوف و برادران

تمرخان: شوره حاجی ملاعبدالرحیم طالب اوف

سمرقند و کابلستان و بخارا: جناب حاجی اسدالله ابراهیم‌اوف تاجر کاشانی مقیم سمرقند

خراسان: جنابان آقا رضا رئیس‌التجار و آقا محمدتقی ملک‌التجار اصفهانی مقیم مشهد

دزفول: جناب خواجه محمدتقی علم تاجر شوشتری

رشت و تمام گیلانات: جناب حاجی محمدعلی امین‌التجار و جنای حاجی آقا تاجر رشتی

ساری و کل مازندران: جناب حاجی نصرالله رئیس‌التجار اصفهانی مقیم اشرف

سنندج و کردستان: جناب آقا میرزا ابوالقاسم تبریزی وکیل‌التجار

سوریه، بیروت، شامات و اسکندریه: حاجی یوسف مقیم بیروت  
شنکائی: آقا میرزا محمدباقر افشار  
شوشتر: حاجی محمدحسین علم تاجر شوشتری  
شیراز: جناب آقا میرزا محمدشفیع ملک‌التجار اصفهانی و حاجی عبدالرحمن شیرازی  
مدیر کمپانی فارس

طهران: اداره مقدسه شرکت اسلامیة دام بقاها  
عراق: جنابان آقا سید محمدتقی و آقا سیدمحمد مهدی مهاجرانی  
عشق آباد: آقا مهدی عسکراف تاجر یزدی  
قزوین: جناب حاجی سیدابوالقاسم تاجر اصفهانی  
قم: جناب آقا مشهدب عبدالرضا تاجر تبریزی  
کاشان: حاجی محمدتقی تاجر کاشانی و آقا میرزا فرج‌الله قزوینی  
کربلا: جناب حاجی عبدصراف

کرمان: جناب آقا سید محمدهاشم معین‌التجار  
کرمانشاهان: جناب حاجی عبدالعظیم اصفهانی  
کلکته: جناب آقا میرزا عبدالصادق شیرازی  
لندن: حاجی علی‌اکبر و پسران تاجران شیرازی و حاجی میرزا اسدالله تاجر کاشانی  
محمرة: جناب آقا میرزا ابوالحسن مشیرالتجار بهبهانی و کل عربستان در وکالت ایشان است  
مارسیلیا: جناب آقا محمدامین‌التجار اصفهانی  
مسکو: جناب آقا میرزا نعمت‌الله هاشم‌اف و آقا میرزا عبدالجواد حسن‌اف تاجران اصفهانی  
مصر: جناب مستطاب عمدةالتجار آقای آقا میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی  
نائین: جناب آقا میرزا محمدرضا مالک نائین

ناصری: کربلا یوسف معتمدالتجار  
نجف: سرکار شریعتمدار آقای آقا شیخ محمدرضا مدظله و حاجی عبود شلاش رئیس‌التجار  
و اولاد محترمین

ویانه: جناب آقا محمدباقر حسین‌اف تاجر اصفهانی  
هشتدرخان: جناب ملا زین‌العابدین صفراوف اردبیلی رئیس‌التجار و آقا میرزا علی‌آقا  
تاجرباشی

همدان: آقا محمدصادق اصفهانی حجره جناب ناظم‌التجار اصفهانی  
هنکانگ [هنگ کنک]: جناب حاجی محمدحسن نمازی تاجر شیرازی  
یزد: جناب حاجی شیخ محمد مهدی طهرانی و جناب آقا میرزا محمدباقر افشار تاجر  
یزدی.

## مآخذ و کتابشناسی

- اختر، مدیر مسئول محمدطاهر تبریزی، استانبول، ۱۲۹۲-۱۳۱۴ ق.
- ادب، مدیرمسئول میرزاصادق خان ادیب‌الممالک، تبریز، تهران و مشهد، ۱۳۱۶-۱۳۲۴ ق.
- اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران، ۱۳۵۹ ش.
- ایران، روزنامه، تهران، افسس کتابخانه ملی، ۱۳۷۵ ش.
- ایران سلطانی، صاحب امتیاز ندیم‌السلطان، تهران، [سال ۵۶ به بعد]، ۱۳۲۱-۱۳۲۴ ق.
- پرورش، مدیرمسئول علیمحمد پرورش، قاهره، ۱۳۱۸ ق.
- پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹ ش.
- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۰۷ - ۱۳۳۷، تهران، بانک ملی ایران، ۱۳۳۸ ش.
- ترابی فارسانی، سهیلا، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- تربیت، مدیرمسئول محمدحسین فروغی، ذکاءالملک، تهران، ۱۳۱۴-۱۳۲۵ ق.
- ثریا، مدیرمسئول علی‌محمدخان کاشانی، قاهره، ۱۳۱۶-۱۳۲۲ ق.
- جمال‌زاده، محمدعلی، گنج شایگان، برلین، ۱۳۳۵ ش.
- چهره‌نما، مدیرمسئول عبدالمحمد ایرانی، مؤدب‌زاده، اسکندریه، ۱۳۲۲-۱۳۴۱ ق.
- حبل‌المتین، مدیر مؤیدالاسلام، کلکته، ۱۳۱۱-۱۳۴۵ ق.
- حسینی کازرونی، سیدمحمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر و نهضت جنوب تهران، ۱۳۸۴ ش.
- حکمت، مدیرمسئول میرزا محمد مهدی بیگ تبریزی، قاهره، ۱۳۱۰-۱۳۲۷ ش.
- خلاصه‌الحوادث، روزنامه، تهران، ۱۳۱۶-۱۳۱۹ ق.
- خلافت، روزنامه، لندن، ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ق.
- سالنامه دبیرستان رهنما، تهران، ۱۳۳۵ ش.
- سعادت، محمدحسین، تاریخ بوشهر، به کوشش عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰ ش.
- سیاح محلاتی، محمدعلی، خاطرات حاج سیاح، به کوشش حمید سیاح و سیف‌الله گلکار، تهران، ۱۳۵۶ ش.
- قباله تاریخ، نمونه‌ای از اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، شب‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و فوق‌العاده‌های دولتی، حزبی، سیاسی، بازرگانی، فرهنگی در دوره مشروطیت تا پایان سلطنت احمدشاه، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات طلایه، ۱۳۶۸ ش.
- کاتوزیان، محمدعلی، ایرانی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- مشروح مذاکرات مجلس، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۲۸۵-۱۳۵۹ ش.

ناصری، مدیرمسئول میرزا محمد ندیم‌باشی، تبریز، ۱۳۱۱-۱۳۱۲ق.  
ناطق، هما، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، تهران، انتشارات توس،  
۱۳۷۳ش.

یغمائی، اقبال، شهید راه آزادی سیدجمال واعظ اصفهانی، با مقدمه سیدمحمدعلی  
جمال‌زاده و دکتر باستانی پاریزی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۷ش.  
یغمائی، اقبال، «مدرسه علمیه»، آموزش و پرورش، اسفند ۱۳۵۴ش، ش ۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱۶۹۹۸۹

# بسم الله الرحمن الرحيم

این کتابچه مقدره محاسبه تخصیص یافته شرکت عمومات که در واقع خیر عظیم حساب شده  
 و در بقیه حساب هم چون جدا مشمول رسیدگی و تخصیص شده بعون الله و توفیق عماد  
 تخصیص خواهد یافت و چون مسلم است که پس از طبع و نشر این کتابچه که سائیکه قرضان تخصیص  
 یافته و معین گنجد است که تاکنون بر اقرار نموده و هر فرته وارد آورده اند  
 مبتم که اثن حساب و طفره از دیون شخیصه بوده است به مظهر ایرادات غیر وارد  
 و جوابها مشخس بود که بعضی را اساقا بر بط جواب نوشته آنچه میدارند با هم و هم  
 بطبع بر نته و برخی بعنوان امضا مخصوصا علی علی علی از نظیر این کتابچه تمنا میشود که  
 بربیک از این اشهر که قرضان تخصیص یافته است در مقام ایراد و اعتراض بر آید و  
 کارشان بجا که منتظر گردد در موقعی که هر کس از افلاکت میر باطلاع حضورت در شعبه  
 اول محکم تجارت حضور و ماطر باشد

صورت  
 همایه شرکت عموم از مؤسسه و غیر مؤسسه  
 شروع بحاسبه تاریخ نو پنجمه نوزدهم شهر شعبان المعظم ۱۳۲۸ که در وزارت حلیه  
 عدلیه اعظم از روی دفاتر روزنامه و کتابچه قبولی شرکت و محاسباتی که سابقاً تخصیص یافته  
 مشخص شود توضیح کند چون اذمان عامه متوجه است محاسبه بعهده نظر انکار که ادراک  
 سهام را هر کس که اندوخته آنها را در کسب تغییر می‌شود و آنچه در این مدت اختلاف و کسوف داشته  
 و اشکالات است مگر بعنوان این بعهده نفر بوده است که بعداً در محاسبه این بعهده نفر  
 تخصیص بیاید و بطور خلاصه در مقدمه حساب نموده شود که هر کس در حیطه نام در همان نظره ای  
 ملتفت گشته بداند که در این بعهده نفر حق کسب و ذیچی که نام و نیز تعیین کرد که در  
 شرکاء در مقام رجوع بعبر شرکت که نام یک از این بعهده نفر حق رجوع دارند و نیز واضح  
 کرد که در این بعهده نفر مقرض کسب و طلبکار که نام پس از ترتیب اسم هر یک با حلیه  
 هم او قلم گرفته و شرح محاسبه بدفاتر روزنامه و کتابچه قبولی شرکت را اجمع می‌کرد  
 و چون مسئولیت حساب را اجاب حاج ملک التمار بعهده گرفته و در دو سیه محاسبه  
 این قضیه ثبت گشته و نیز در امر رسیدن بطبع رسیده حساب معزز این بعهده است  
 که هر یک از این بعهده نفر را در این محاسبه عرض بوده باشد چنانچه در دو سیه ثبت  
 کتب غیر حاضر گشته در باب محاسبه خود با حضور مصدقین اربعه عمر حاضر خود را اظهار  
 دارند تا از روی حساب و اسناد عمرشان رفع شود یا هرگاه عمر مفروض حساب بجهت خود

پیام بهارستان / ویژه نامه مالیه و اقتصاد / ش ۱ / تابستان ۱۳۹۲



## شراکای موس

حاج صنیع الممالک که کمینفر از هفده نفر است شرکتکنان را بنحایت حاج علی‌اکبر  
 اشقال یافته مبادله اسناد شده است لهذا در محاسبه حاج ملک التجار منظور می‌شود  
 مرحوم حاج حسینعلی صند و قمانه یک از هفده نفر بوده که در کتابچه قبول مال الشراکه ده هزار  
 تومان قنبر کرده و از همه جهت دو هزار تومان داده است که آن دو هزار تومان را هم  
 جناب حاج میرزا حسن خلف مرحوم مزبور در جزو محاسبه جاریه با شرکت اصلا و فرعا  
 محسوب و دریافت داشته و مبادله اسناد نموده است لذا در شراکه مرحوم مزبور  
 بهیچوجه در شرکت حق ندارند همچنین در صورتیکه سایر شراکت باشند و اسرار و فرج ده هزار  
 تومان قبول مرحوم مزبور را که ذیلتا توضیح خواهد شد بدینند بازار شراکت باور شده مرحوم  
 مزبور رضایت نمیشود و الا حکم اقراماتی که بعد از مبادله اسناد شده است موقوف  
 بر امر محکمه خواهد بود پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از بابت صدر و فرج ده هزار تومان قبول مال الشراکه از (محررم ۱۳۱۹) الی (محررم ۱۳۲۹)  
 هر ساله بصیغه منافع داده‌ش که فطری  
 تخفیف نموده می‌شود و جمع نمیزود

صاحب  
 اول  
 صاحب

مرحوم حاج آقا مرتضی تریز که از همفکران و رفیقان است و شرکت مرحوم مزبور  
 توسط وصی و ناظر بوجوب نوشته انتقال یافته بحاج ملک التجران علی‌اند در  
 وصی و ناظر مرحوم مزبور در شرکت عمومی حق ندارند و شرکت مرحوم مزبور در  
 جناب حاج ملک التجران منظور می‌شود

مرحوم حاج حسن ملک التجران عراق بوجوب وصیت نامه و اسناد جداگانه شرکت در  
 جناب حاج ملک التجران است لیکن بدین مرحوم مزبور که بدارت آن مرحوم دریا  
 کرده و جز مطالبات منظور گشته در این موقع نیز بصیغه آنچه بصیغه منافع مرحوم مزبور  
 رسیده ذیلاً نموده می‌شود که مشخص باشد

بدین مرحوم مزبور شرکت بصیغه مراجعه الی در ساله بصیغه منافع طایفه که قهراً تصریح  
 ۲ محرم ۱۳۲۹

حاج مرتضی تریز  
 حاج ملک التجران  
 حاج ملک التجران  
 حاج ملک التجران

جناب حاج مرتضی تریز که بکلیف از همفکران و رفیقان است شرکت آن را بحاج  
 ملک التجران انتقال یافته نمود در محاسبه جناب حاج ملک التجران منظور می‌شود و هرگاه  
 کسکو و اختلافی با هم داشته باشند منوط بکلمه خواهد بود

پیام بهارستان / ویژه نامه مالیه و اقتصاد / ش ۱ / تابستان ۱۳۹۲

۵

مرحوم حاج محمد صادق امینی قزوینی ده هزار تومان قبول کرده و چنانچه در صورتی که در شرف مرگ بود مطالب بقا شرکات آن مرحوم باشند در فرع قبول آن مرحوم که ذیلاً مشخص خواهد یافت باید پرداخت

دست امضا

توضیح آنکه جناب حاج میرزا یعقوب خلیف مرحوم مزبور شخصاً شرکات دارد و نیز از باب شرکات عموم قزوین که با مالیه بعه مقدار معین متروک شرکات عمومی است که هر سه فقره در محاسبه مشخص یافته و در این موقع بسپار مختصاً شرکات آن مرحوم حاج محمد صادق و الله شریک شرکات و معاملات شخصی ایشان نشود و نیز معین که در کتب قاعده مهر و فرج مال شرکات مرحوم مزبور از آن شرکات آن مرحوم باید بر تاعلم محکمه به اقتضای آن

جناب حاج میرزا حسین که با از هفتاد نفر بعه ده هزار تومان در کتابچه قبول مال شرکات قبلاً نموده و از همه جهت یک بار چه خواهد شدیم اداره شرکات نموده بود که او را نیز دریافت داشته و مبادله اسناد کرده است مع ذلک چون بعد از مبادله خود را شریک نداشتند در صورتی که مهر و فرج مال شرکات خود را که ذیلاً مشخص خواهد یافت کارساز بود و در شرکات ایشان مضایقه نخواهد شد  
اوراق قبول مال شرکات حاج تاریه بقام مرتبه اول محرم ۱۳۲۹

دست امضا

جناب حاج سید محمد مصراف یکی از بزرگواران و نفوذی نظر است که ده هزار تومان قبول کرده در شرکت  
 است لیکن در امر ایشان از قرار است که ذیلاً قلمی میشود

از بابت وجه ما خود را از اداره به تمام مراجع  
 الی ۲ محرم ۱۳۲۹ منافع سال جویم ایشان  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ با فرغ الی ۲ محرم ۱۳۲۹  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

در سال تصنیف منافع از شرکت برداشت کلمه  
 که فقط مختص تقیض نموده میشود  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

این فقرات سوار چند فقره دعای راجعه بایشان است که محتاج بجا که خواهد بود

جناب حاج باقر مصراف بریزی یکی از بزرگواران و نفوذی نظر است که ده هزار تومان سهم شرکت  
 خود را کار سازند داشته لیکن بهر ایشان از قرار است که ذیلاً تقیض بجا

از بابت وجه در نظر خودشان از اداره و  
 حاج تقی اخوان در رها آستارا با تمام مراجع  
 الی ۲ محرم ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹  
 با فرغ الی ۲ محرم ۱۳۲۹ با فرغ الی ۲ محرم ۱۳۲۹  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

این فقرات سوار رهنب و تار اجرب است که در رها آستارا بتوسط حاج محمد تقی اخوی  
 مشاهده و امر انشرواق گرفته که محتاج بجا که است تا واضح باشد

تصانیف از بابت منافع از شرکت  
 که فقط مختص تقیض نموده میشود  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

تصانیف از بابت منافع از شرکت  
 که فقط مختص تقیض نموده میشود  
 در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹ در ۲۱ شهریور ۱۳۲۹

پیام بهارستان / ویژه نامه مالیه و اقتصاد / ش ۱ / تابستان ۱۳۹۲